بازدید شد
۱۳۸۲

۹۱۴۵-ن

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب دواسازی جلد ۲
مؤلف ابوالحسن بن محمد کاظم طبیب
موضوع
شماره قفسه ۱۴۷۵ ۶۹۰۳
شماره ثبت کتاب ۸۵۵۸۲ ۱۲۰۵۲

بازرسی شد

خطی - فهرست شده
۶۹۰۳

کتابخانه
[illegible] سلطان القرائی
تبریز ۱۳۴۵ قمری

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| کرنبات حلو | ۱۸۲ | تیلین کرنبات دهلین | ۱۸۶ | ربت | ۱۸۷ | الیه ببندرات ورد | ۱۸۹ |
| کرنبات ورد | ۱۹۱ | فیزی | ۱۹۱ | بنیدیت رفیز | ۱۹۳ | کرنبات مصری | ۱۹۴ |
| ابامنک | ۱۹۴ | کرنبات ابامنک | ۱۹۸ | گلرفاص | ۲۰۲ | گلرویع | ۲۰۳ |

## قلیایات نباتیه alcalis organiques

این قلیایات را هم باصطلاح شیمی لفظیه alcaloïde نیز نامند چه جوهر نباتیه هستند که فقط در نباتات یافت آنها قلیایات در نباتات اکثر همراه حموضات ترکیب شده املاح معینه بوجود آورده اند واینها را بسطه قلیایات مانند املاح غیر آلیه تجزیه توان و اکثری بسیار مفید اند اگر چه از بسیاری از آنها در نباتات ترکیب با حموضات اند و بطور صنعتی نمیتوان از آنها کرف و ناف آنها در این چهار عنصر اند عاری شده از ترکیب و غیر از کربن و ازوت قریب تمام آنها ... قابل انحلال در انحلال اند هر یک از آنها ... تجزیه تصفیه شوند و دارای ... طبیعی مختلف است ... با عث تحول ... در طعم ... شیرین ... در آب محلول اند و در الکل ... در ... حرارت ... منبر ... استعمال نمود ... دارای ... در طب ... معمول است ... ازین قلیایات ... دارای آنها اسامی جمعاً در لوحه ذیل

| قلیات نباتیه | اسم نباتی که از آنها گرفته میشود |
|---|---|
| کنین و سنکنین | درخت گنه گنه |
| | افین |
| مرفین وکدئین و نارکتین | افیون و شقایق |
| استرکنین و بروسین و ایگازورین | کوچوله و باقلای سنت ایگناس |
| استرکنین و بروسین | انگوستوره کاذب و چوب کولوبر |
| وراترین | سرو ویی |
| کلشیسین | عصفر |
| دلفین | کمش کرا |
| آکنیتین | آکنیت خانق النمر |
| اتسنین | اتمن |
| ازتپین و داتورین و هیوسیامین و سولانین | تمام نباتات طایفه سولانه |
| نیکوتین | تنباکو |
| سکوتین | شوکران |
| امتین | ایپکاکوانا و کافیه |
| بکسین | شمشاد |
| پیکرتکسین | مرگ ماهی |
| کافئین | قهوه و چای و گوارانا |

۱) کینین quinine ۲) سنکنین cinchonine

از جواهر نباتیه جوهری است که در قشر گنه گنه یافت میشود و در تجارت طبیه کینین [illegible]

[illegible] ماده است الجواهر در سه قسم است که گنه گنه یافت [illegible] رنگ زرد است

خاکستری و دیگر زرد و دیگر قرمز [illegible] در بعضی بیشتر است [illegible] در جنس گنه گنه کینین را

یافته و با [illegible] ماخذ [illegible] قسم [illegible] در قسم دیگر [illegible]

[illegible] معمول در کارخانجات [illegible] گنه گنه [illegible] قسم [illegible]

[illegible] کینیدین quinidine

۱) کینین $C^{20} H^{24} Az^{2} O^{2}$

[illegible] جوهر [illegible] سفید [illegible] در آب [illegible]

[illegible]

[illegible] حرارت [illegible]

[illegible]

در آب [illegible] کینین را [illegible]

[illegible] در حالت جوش کینین [illegible] تجزیه [illegible]

واسطه [illegible]

۳

طرز ساختن [illegible] املاح [illegible] در [illegible]

محلول [illegible]

۲) سنکنین $C^{20} H^{24} Az^{2} O$

سنکنین [illegible] متبلور [illegible]

در [illegible] ۲۵۰۰ [illegible]

آب [illegible] در الکل [illegible] کینین

[illegible] املاح [illegible]

[illegible] املاح کینین [illegible]

[illegible] سنکنین [illegible]

[illegible] تجزیه [illegible]

سولفات دوکینین sulfate de quinine

سولفات دوسنکنین sulfate de cinchonine

سولفات کینین [illegible] سولفات [illegible]

[illegible] کینین [illegible]

[illegible] ۱۴ [illegible]

۵

[illegible] در آب [illegible]

در آب جوش ۳۰ [illegible] محلول است [illegible] حرارت

[illegible] سولفات [illegible] کینین [illegible] محلول [illegible] سولفات

[illegible]

سولفات سنکنین محلول‌تر است از سولفات دوکینین و [illegible] سولفات [illegible]

طرز ساختن گنه گنه [illegible]

[illegible] گنه گنه [illegible] جوهر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] lixiviation [illegible]

۶

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سولفات [illegible]

[illegible]

طرز ساختن سولفات دوکینین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کینین و سنکنین در آب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کینین و سنکنین [illegible] acide quinique

[illegible] املاح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] caramel [illegible]

[illegible]



[illegible]

۱ ۲۰ نخود [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] rhomatisme [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شراب گنگنه vin de sulfate de quinina

گنگنه ۵ نخود شراب [illegible] ۵۵ مثقال [illegible]

[illegible]

شربت گنگنه sirop de sulfate de quinine

[illegible] ۵ نخود [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] قرص گنگنه pastille de sulfate de quinine

گنگنه ۱ قند سحوق ۲۰۰ [illegible]

[illegible]

روغن [illegible] huile pour alopécie

[illegible] ۵ نخود [illegible] ۲۰ نخود [illegible]

[illegible]

[illegible] arséniate de quinine در سیانات گنگین

[illegible]

[illegible] porphyrisé [illegible] ۵۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

والریانات گنگین valérianate de quinine

[illegible] کینین [illegible] اسید والریانیک [illegible]

[illegible] در ۹۰ درجه حرارت [illegible]

[illegible] potion [illegible]

پوست گنگنه quinquina

[illegible]



[illegible] cinchona (rubiacées) [illegible]

[illegible]



[illegible]

قرص پوست گنگنه pastille de quinquina

[illegible]

سنون [illegible] Dentifrice de quinquina

[illegible]



معجون قاطع حمی electuaire febrifuge

[illegible]

حرارت از ۶۰ کمتر نیست ثانیاً ماده قرمز رنگی rouge cinchonique

است الکلی در حرارت بیشتر و در روغن تمام است و بواسطه رطوبت زیاد کرده طبیخ پوست گنه گنه را اکثر جوهر ها

دارد از آنکه کدورت بسیار است که در این تقطیر ایضاً قوت نیست و ... مانده در ظروف باقی است

پوست گنه گنه کلیه عصاره را که در سکون میشود ... که باید پوست گنه گنه ... طبیخ ...

دیگر از پوست گنه گنه را باید ترتیب استعمال کنند ... ۳ ... بعد

است ... حالات طبخ ... ظاهر ... و ... خارج ...

## عصاره پوست گنه گنه extrait de quinquina

پوست گنه گنه خاکستری ... الکل ۵۶ درجه ... ۳ ... گرفته در آب

لیکسیویاسیون lixiviation ... جوهر ... در جسم (...)

... الکل ... پوست ... ظرف ... الکل

خارج کنند ... کدورت ... پوست ... الکل ... تقطیر نموده

... عصاره ... عصاره پوست ... جمع ... ماده

گنه گنه در این عصاره جمع شده و ماده قرمز رنگ ... در این عصاره نیست

## عصاره نرم گنه گنه extrait mou de quinquina

جهة ساختن این عصاره عصاره الکلی گنه گنه را ... آب سرد ... ساخته صاف نموده با ...

...



در غلظت عصاره ... عصاره ... پوست گنه گنه خاکستری است

## قرص عصاره گنه گنه pastille ext de quinquina

عصاره گنه گنه ۲ مثقال قند سفید ۸۰ مثقال ... ۵ نخود لعاب کتیرا ... مقدار کافی

مطابق معمول قرص ... که ... عصاره ... گنه گنه دارد

## شربت پوست گنه گنه sirop de quinquina

پوست گنه گنه خاکستری ... ۱۰۰ جزو الکل ۵۶ درجه ۳۵۰ جزو قند شکسته ۱۵۰۰ جزو

... الکل ... پوست گنه گنه را ... کنند ... تقسیم ... از

۵۰۰ جزو ... الکل تقطیر کنند ... تقطیر ... در روی ...

... صاف کنند ... شربت ... ۵۰ ۷ جزو ... پوست ... شربت در

... پوست گنه گنه ... کدورت ...

### شعبه سیم در مصنوعات الکلی پوست گنه گنه

الکل ... سنگین ... الکل ... در ...

... سنگین ... تنطور الکلی پوست گنه گنه پوست گنه گنه خاکستری یک جزو الکل ۵۶ درجه ۵ جزو

... روز ... صاف کنند ... تنطور ...

... تنطور پوست گنه گنه) تنطور پوست گنه گنه یک جزو قند ۸ جزو مطابق ... کنند



## تنطور مرکب پوست گنه گنه teinture de quinquina c.

پوست گنه گنه ۳۲ پوست نارنج ۲۴ زعفران ۴ ... cerpentaire ۱۲

... ۳ جزو الکل ۵۶ درجه ۱۰۰۰

### شعبه چهارم مصنوعات خمری پوست گنه گنه

## شراب پوست گنه گنه teinture de quinquina

پوست گنه گنه ۱ شراب ... ۱۶ الکل ۵۶ درجه ۲

پوست گنه گنه را ... الکل ... ساعت شراب ... روز

... صاف کرده در ظروف ... سرد ... نگاه دارند

شربت ... پوست گنه گنه) عصاره ... پوست گنه گنه ۱ شراب ... ۲۰ قند سفید ۳۰

عصاره را در شراب حل کنند ... صاف ... حرارت ...

... پوست گنه گنه) پوست گنه گنه خاکستری ۱ ... ۳۲ ... روز ...

... افیون) در افیون ... مخصوصه ...

... ترکیبات ... مرفین ...

مرفین $C^{34}H^{20}azO^{6} + 2aq$ morphine

در سنه ۱۸۱۲ ... sertuerner ... صاحب

...



... در ...

در ۵۰ ۲ درجه حرارت آب ... حرارت ...

... الکل ... ۵۰۰ جزو آب سرد ...

مرفین ... در ۵۰ برابر الکل ... الکل ...

غیر محلول است ... حرارت مرفین ...

... polarisation

... محلول است ...

... محلول ...

... مرفین ...

... مرفین ...

... محلول ...

... مرفین ...

... مرفین ... محلول ...

... مرفین ...

... مرفین ...

املاح [illegible] که [illegible] املاح مرفین [illegible] محلول [illegible]
[illegible] ) فورمول [illegible] که [illegible] است [illegible]
٢٥٠ [illegible] مرفین و ٢٥ [illegible] مرفین و ١٢ [illegible] مرفین

کدئین codeine $C^{36}H^{21}AzO^{6}$

در ١٨٣٢ [illegible] Robiquet [illegible] کشف [illegible] مرفین [illegible]
[illegible] آب [illegible]
[illegible] ١٥
[illegible] کدئین [illegible] در ١٥ درجه حرارت [illegible]
[illegible] در ٨٥ [illegible] محلول [illegible]
[illegible] آب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مرفین [illegible]
[illegible] کدئین [illegible] مرفین [illegible]
[illegible]



[illegible] فورمول [illegible] که [illegible] است

نارکتین narcotine $C^{46}H^{25}AzO^{14}$

نارکتین در سنه ١٨٠٣ [illegible] Derosne [illegible]
[illegible] در ٢٠٠ درجه حرارت [illegible] ١٣٠ درجه حرارت [illegible]
[illegible] ٥٠٠ [illegible]
[illegible]
[illegible] مرفین [illegible]
[illegible]
[illegible] نارکتین [illegible]
[illegible] نارکتین [illegible]
[illegible] نارکتین [illegible] مرفین [illegible]
[illegible] نارکتین [illegible]
[illegible] مرفین [illegible]
[illegible]
[illegible]



[illegible]
[illegible]
[illegible] narceine [illegible]
papaverine thébaine [illegible] meconine
[illegible] opianine [illegible]

طرز [illegible] مرفین [illegible]

[illegible] مرفین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مرفین [illegible]
[illegible]
[illegible] نارکتین [illegible]
[illegible]



[illegible] مرفین [illegible]
[illegible] ) طرز [illegible] مرفین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ٥ درجه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مرفین [illegible]
[illegible] مرفین [illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]



[illegible]

شربت کدئین sirop de codéine

کدئین ۱ آب مقطر ۱۰۰ قند سفید ۱۹۰

[illegible]

sulfate de morphine

[illegible]

ترکیبی یعنی نمک [illegible] ۷۵ جزء مرفین منعقده دارد

شربت سولفات دو مرفین sirop de sulfate de morphine

سولفات دو مرفین ۱ شربت سکر ۲۵۰۰ ابتدا نمک را اول در مقدار کمی [illegible]

کننده و با شربه [illegible] هر [illegible] از این شربت یک ربع گرین سولفات دو مرفین دارد

کلورهیدرات دو مرفین chlorhydrate de morphine

طرز ساختن آن مانند سولفات دو مرفین است [illegible] ۷۹

مرفین منعقده دارد [illegible] شربت سولفات دو مرفین

استات دو مرفین acetate de morphine

این نمک مرکب است از [illegible] ۹۴ جزء مرفین منعقده دارد

جهت ساختن آن [illegible] جزء مرفین منعقده را [illegible]

[illegible]

[illegible] شربت استات دو مرفین

شربت [illegible] سولفات دو مرفین است [illegible]

افیون opium [illegible]

papaverácées [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تجزیه [illegible]

| مرفین | کدئین | نارکتین | [illegible] | [illegible] | عصاره [illegible] |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | سقز | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | صمغ | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

مرفین و کدئین و نارکتین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مستحضرات افیون — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

لوسیون افیونی lotion opiacée

افیون ۵ [illegible] آب ۵۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

عصاره افیون extrait d'opium

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قطور افیون collyre d'opium

افیون [illegible] گلاب [illegible] [illegible]

شربت افیون sirop d'opium

عصاره افیون ۱ آب ۱۲ شربت سکر ۲۵۰

عصاره افیون را در آب [illegible]

[illegible]

شربت افیون کهربائی — *sirop*

عصارهٔ افیون ۱ آب ۵۰ شربت شکر ۵۰۰ جوهر کهربا ۲

عصارهٔ افیون را در آب حل کرده با شربت بیامیزند و جوهر کهربا را در آن داخل کنند هر یک

مثقال این شربت یک گندم عصارهٔ افیون دارد

تنقیع عصارهٔ افیون — *teinture*

عصارهٔ افیون ۱ الکل ۱۲ حل کرده صاف کنند

قرص افیون — *pastille d'opium*

عصارهٔ افیون ۱ قند ۶۰ آب کتیرا بقدر لازم

مطابق قاعده قرص ساخته هر قرص یک هشتم گندم عصاره دارد

حب لسان الکلب ) ربّ خشک ریشهٔ لسان الکلب ربّ تخم بنج عصارهٔ افیون کهربا

مرّ ۱۲ زعفران جند بیدستر کندر ۳ کتیرا ۱۰ *oliban* شربت افیون بقدر

لازم ... ریشهٔ لسان الکلب را با هم کوبیده ... هر یک جداگانه صلایه کنند

با شربت افیون ... ممزوج کنند ... حب ...

عصارهٔ تریاک دارد ) دهن افیون — *huile d'opium*

... ۹۸ عصارهٔ افیون ۲ ... مطابق قاعده ... کنند

...



روغن یک گندم عصاره دارد ) مصنوعات الکلی افیون

الکل ... افیون ... آب ... اجزاء ... نارکتین ... روغن ... 

... عصارهٔ الکلی افیون ... عصارهٔ ...

عصارهٔ الکلی افیون — *extrait alcoolique d'opium*

افیون را قطعه قطعه نموده در الکل ... کنند ... صاف کنند ... 

... الکل ... افیون ... عصاره ...

... عصارهٔ ... الکل ...

تنقیع افیون — *teinture alcoolique d'opium*

الکل ۲۳ افیون ۲ ... صاف کنند ...

... تنقیع ... افیون دارد

الکسیر افیون — *elixir d'opium*

افیون ۳ جوهر ... ۶ عطر ... ۱ الکل ۱۸۰ ... ۳۵

... صاف کنند ۵ نخود این الکسیر یک گندم افیون دارد ) نسخهٔ دیگر

عصارهٔ ... افیون ... عطر ... ۵ ... ۱ کافور ۲ ... الکل ۲۰۰

هفت روز ... صاف کنند ... الکسیر یک گندم عصاره دارد



مصنوعات خمری افیون — شراب ... افیون ...

... نارکتین ... عصارهٔ خمری افیون ...

افیون قطعه قطعه ... صاف کنند ... 

... عصاره ... 

شراب ساده افیون — *vin d'opium*

افیون ۱ شراب ۱۵ مطابق ... صاف کنند ...

... ) ... 

*vin d'opium composé laudanum liquide de sydenham.*

افیون ۱۲ زعفران ۸ دارچینی ... ۱ ... ۱۲۵

افیون قطعه قطعه ... زعفران ... دارچینی ... کنند ...

... صاف کنند ۵ نخود ...

... دارد ... تریاک

دهن لودانوم — *huile de laudanum*

... لودانوم ... ۲۵ نخود مطابق قاعده مخلوط کنند

...



... ) ... ۱۳ ... ۵۰ نخود ... افیون ...

*vin d'opium par fermentation laudanum, opium ou gouttes de rousseau* ...

افیون ۴ عسل ... ۱۳ آب گرم ۶۰ کف فقاع بقدر لازم

... افیون ... آب ... 

... 

... صاف ... 

... 

... ۵۰ ...

... 

مصنوعات خلّ افیون

سرکه ... افیون ... نارکتین ...

... ) عصارهٔ خلّ افیون — *extrait acétique d'opium*

افیون ۱ سرکهٔ مقطّر ۳۲ ... عصاره ...

سرکهٔ افیون — *vinaigre d'opium*

افیون ۱ سرکهٔ قوی ۸ افیون را قطعه قطعه نموده ۳ ساعت در سرکه خیس نمایند

بعد از آن با دست [illegible] تا پنج روز بخیسانند [illegible] صاف کنند

[illegible] مقدار افیون [illegible] [illegible]

[illegible] مقدار افیون [illegible]

## تنتور خلی افیون teinture acétique d'opium

افیون ۱ سرکهٔ [illegible] ۶ الکل ۸

[illegible] ۸ [illegible] روز بخیسانند [illegible] صاف کنند [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

عصاره [illegible] ۱۵ [illegible] از ۵ تا ۳۵ [illegible] ۵ تا ۲۰ قطره [illegible]

۵۰ قطره [illegible] افیون [illegible] املاح [illegible]

[illegible]

## کوکنار pavot

خشخاش [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] کوکنار

[illegible]



[illegible] کوکنار [illegible] خشخاش [illegible]

[illegible] کوکنار [illegible] خشخاش [illegible]

[illegible]

[illegible] ۳ تا ۴ [illegible]

## عصارهٔ کوکنار extrait de pavot

کوکنار [illegible] خارج کنند [illegible] مطابق معمول عصاره [illegible] کوکنار

با خشخاش ۱۲ [illegible] عصاره [illegible] مقدار [illegible] عصاره [illegible]

[illegible] مقدار [illegible] عصاره [illegible] عصارهٔ افیون [illegible] کوکنار [illegible]

## شربت خشخاش sirop de pavot

عصارهٔ [illegible] ۱ آب مقطر ۸ شربت [illegible] ۱۰۰ عصاره را در آب حل کنند

[illegible] صاف [illegible] آب [illegible] خارج [illegible]

[illegible] عصارهٔ خشخاش [illegible] شربت

خشخاش را [illegible] کوکنار [illegible] صاف [illegible] شربت

[illegible] آب [illegible]

[illegible] آب [illegible]



[illegible] خشخاش [illegible]

## استرکنین و بروسین [illegible]

[illegible] استرکنین [illegible]

[illegible] استرکنین [illegible]

[illegible] strychnées استرکنیه

[illegible] استرکنین [illegible]

## استرکنین strychnine $C^{44}H^{24}Az^{2}O^{4}$

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] حرارت [illegible] آب [illegible] $\frac{1}{2500}$

[illegible] آب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] حرارت [illegible]

[illegible] استرکنین [illegible] یک قطره [illegible] $\frac{1}{100}$

[illegible] [illegible]

[illegible]



[illegible] [illegible]

[illegible] استرکنین [illegible]

[illegible]

[illegible] از ۵ تا ۲۵ میلیگرام است در روز

## بروسین brucine $C^{46}H^{26}Az^{2}O^{8} + 8\,aq$

بروسین [illegible] در سنه ۱۸۱۹ [illegible] pelletier

[illegible] caventou [illegible] fausse

angusture [illegible] استرکنین

[illegible] strychnos [illegible]

[illegible]

[illegible] در ۸۵۰ [illegible] آب سرد ۵۰۰ [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible] بروسین [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible]

[illegible] ... ether nitreux ... [illegible]

[illegible] ... per chlorure de [illegible] ...

[illegible]

ایگازورین igasurine

در سنه ۱۸۵۰ مکشوف شد [illegible] ... هنوز مکشوف علما طبی نیست ... [illegible]

استرکنین و بروسین است [illegible]

طرز ساختن استرکنین و بروسین

کچوله ۱۰۰ در آب [illegible] ...

[illegible]





ایگازورات استرکنین igazurate de strychnine

[illegible]



[illegible] ... استرکنین و بروسین [illegible] ...

[illegible] ... استرکنین [illegible] ...

[illegible]

استرکنین و بروسین [illegible] ...

[illegible]

collyre d'henderson قطره ۱۵ [illegible]

استرکنین [illegible] آب مقطر ۳۰ گرم [illegible] ۲۰

[illegible]



سولفات استرکنین sulfate de strychnine

[illegible]

استرکنین [illegible]

کچوله noix vomiques

[illegible]

گرد هوفلند poudre de hufeland

[illegible]

تنتور کچوله teinture de noix vomiques

کچوله بریده نیمه ۱ الکل ۱۸ درجه ۵ پانزده روز خیس نموده و صاف کنند

تنتور دیگر بترتیب بلژیکی عصاره کچوله الکلی الکل ۱۸ ۲ مثقال حل نموده صاف کنند

عصاره کچوله *extrait de noix vomique*

کچوله ۱ الکل ۱۸ مقدار کافی دو نوبت در الکل [illegible] روز خیس نموده در صافی گذرانند و تقطیر نمایند [illegible] جمع کرده [illegible] الکل تقطیر نموده تا غلظت عصاره [illegible]

[illegible] *saint ignace fève* [illegible]

دوا با *brupastieulé* [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] ۱ [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] ۲ [illegible]

ورارتین *vératine* $C^{64} H^{52} Az O^{16}$

این جسم قلیایی در سنه ۱۸۱۹ [illegible] *colchicacées* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دراتین [illegible]

[illegible] دراتین [illegible]

داده



[illegible] *colchicine* دراتین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] *colchicile*

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۱۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵ [illegible]

[illegible]



صاف کرده [illegible]

[illegible]

[illegible]

دراتین [illegible]

[illegible]

[illegible] (۵ [illegible]) [illegible]

[illegible]

تنتور دراتین *teinture de vératrine*

دراتین ۲ گرین الکل ۱۸ ۳ مثقال [illegible]

[illegible] تنتور دراتین

[illegible] دراتین [illegible]

[illegible]

حب دراتین *pilule de vératrine*

دراتین الکلی [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] دراتین [illegible] ۱۳ مثقال [illegible]

روغن دراتین *huile de vératrine*

دراتین ۲ گرین روغن بادام ۱ مثقال [illegible]

[illegible]

طلای دراتین دراتین ۱۰ نخود [illegible] ۳۰ نخود روغن بادام ۱ مثقال [illegible]

[illegible] دراتین ۵ نخود [illegible]

روغن بادام ۱ مثقال ) [illegible] *graine de cévadille*

[illegible]

[illegible] *acide cévadique*

[illegible]

[illegible]

[illegible] *poudre de capucine*

[illegible] ) [illegible]

[illegible] ۲۰ نخود آب ۴ مثقال [illegible] ۲۰ مثقال [illegible]

[illegible] مثقال [illegible]

تنتور سوادیه — *teinture de cévadille*

سوادیه ۱ الکل ۴ [illegible]

عصارهٔ سوادیه — *extrait de cévadille*

[illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۵ [illegible] ۱۰ [illegible]

کندش — *ellebore blanc*

[illegible]

[illegible] $C^{6} H^{4} O^{5} N^{?}$ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹ حرارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

*poudre ellebore blanc* [illegible]

[illegible]

روغن کندش



روغن کندش — *huile ellebore blanc*

[illegible]

[illegible] ۵ [illegible] *porrigo* [illegible]

تنتور کندش — *teinture ellebore blanc*

کندش ۱ الکل ۵ [illegible]

[illegible]

سورنجان — *colchique*

[illegible]

[illegible] *gallate acide de colchicine* [illegible]

[illegible] — *inuline*

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دواهم



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

*mellite de colchique* [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۱۲ [illegible] ۱۲ [illegible]

[illegible]

تنتور سورنجان — *teinture de colchique*

[illegible]

*husson* [illegible]

سورنجان تازه ۱ الكل ۹۰ ۲ ... [illegible]

عصاره سورنجان *extrait de colchique*

سورنجان خشك مقدار مطلوب الكل ۹۰ مقدار كافی

[illegible]

شراب سورنجان *vin de colchique*

سورنجان خشك ۱ شراب ... ۱۲ [illegible]

[illegible]

سورنجان تازه ۵ شراب ۱۲ الكل ۱

[illegible]

سركه سورنجان *vinaigre de colchique*

سورنجان خشك ۱ سركه ... ۱۲ [illegible]

سكنجبين سورنجان *oxymel de colchique*

[illegible]



سركه سورنجان ۱۰۰ عسل ۲۰۰ [illegible]

[illegible]

عصاره خلی سورنجان *extrait acétique de colchique*

سورنجان خشك مقدار مطلوب سركه ... مقدار كافی [illegible]

[illegible]

[illegible]

بزر سورنجان *semences de colchique*

[illegible]

[illegible]

شراب بزر سورنجان *vin semences de colchine*

بزر سورنجان ۱ شراب ... ۱۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵ ... ۳۰ [illegible]



[illegible]

*oxymel* ... *sirop* [illegible] ۲۰ ... ۵۰ [illegible]

*saccharure* [illegible]

[illegible]

[illegible] *joyeuse* [illegible]

[illegible] ۱۰۰ ... ۵۰۰ [illegible]

[illegible]

دلفين *Delphine*

[illegible]

*renonculacées* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

*staphisaigre* [illegible]

[illegible]

*stearine* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اثر آن در مرض اگزما eczéma نفع دیده در بادهای کودکان و زنان که بثورات [illegible] گردد

عصاره استافیزاگر ۱ تا ۲ قیراط سحوق در تمام [illegible] آب ۵۰ مثقال

بجوشانند و صاف کنند در وقت بعضی امراض جلدی استعمال نمایند نافع است

تنطور کشمش کولی teinture de staphisaigre

کشمش کولی ۱ الکل ۸۰ درجه ۲ ملاقی سازند تمام نمایند تنطور است بعض از درد اعضاء طلا کنند

روغن کشمش کولی کشمش کولی سحوق ۱ روغن بادام ۲ در حمام ماریه در آب گرم کنند بعد

بجوشانند و بیرون آورده روغن را از آن فارغ کنند نسخه دیگر کشمش کولی سحوق ۱

روغن بادام ۳ ملاقی سازند مخلوط کنند بعد روغن را در رفع شپش استعمال کنند

روغن جهت شپش کشمش کولی سحوق ۳ روغن بادام ۵ در حمام ماریه آب گرم کنند

بعد از آن پالک [illegible] کنند

آکنیتین aconitine و انمنین anémonine

آکنیتین جسمی است که در اکونیت و نباتات از طایفه رنونکولاسه

و فرمول آن $C^{60}H^{47}AzO^{14}$ می‌باشد یا از نباتات دیگر هم است منفعت مو کلی

دارای سفید و گاهی یک زرد طبیعت دارای بو نیست طعم آن در اول تلخ و گیرنده و زبان را

دو [illegible] در ۸ درجه حرارت ذوب شود در ۳۰ درجه حرارت متصاعد گردد بعد از آن

[illegible]



تجربه کرده‌اند در اکثر محلول مثل است و در الکل شبیه با ملحات ترکیب شده املاح غیره بر [illegible] املاح

و بواسطه مطبوخ در دو [illegible] در طب آکنیتین را در بعضی عصب‌ها و بر من چشم و گوش و دندان رجع

عصب‌ها کوزه استعمال کنند و غالباً بر این روغن [illegible] نیز در آب و در نقرس استعمال کنند

در محل درد آن با ملاحظه احداث حرارت و حس قشعریره شود در بعض گوش خاصیت مخصوصه آن این است

و در بعضی رجع عصب [illegible] بسیار باشد

طلا به آکنیتین آکنیتین ۵ نخود روغن کوه ۱۵ نخود روغن بادام

ملاقی نموده مخلوط کنند و دو روز سه مرتبه در بعضی عصب‌ها و آب بر دو او را تازه به [illegible]

در بعضی امراض گوش تزریق کنند نسخه دیگر آکنیتین ۵ نخود الکل خالص ۳۵ مثقال

ملاقی نموده مثل کنند و طلا به آن نمایند و در گوش قطره کنند

حب آکنیتین آکنیتین ۱ اکثر ۱ [illegible] سحوق ۵ نخود

ملاقی نموده ۲۰ حب کنند هر سه ساعت یک حب بدهند

طرز ساختن آن

ریشه تازه اکونیت را بواسطه الکل ۹۰ درجه تا خاصه عاری کنند و آن محلول را با شیره آهک هم زنند

صاف نمایند و دوباره کوچه گرد را از [illegible] کنند بعد صاف کنند جهت الکل آن دفع را کرده

تقطیر نمایند و بعد تقطیر صاف نموده با کربنات [illegible] هم زنند و از [illegible] تجزیه کنند



آکنیتین با نباتات در الکل و در آب رقیق کم محلول است قدر شربت آن از ۱ میلیگرام است

اکنیت aconits

این نبات شمس است به نباتات طایفه رنونکولاسه و از جنس مخصوص که [illegible] aconitum

و قسم از این جنس و ساده آن است معروف است به [illegible] aconitum napellus

اکنیت [illegible] گیاهی است و در وی [illegible] عرق در فوق دیگر است بعد در بهار او عصاره ساخته

بعضی نباتات بر هم و جمع رده برگ و [illegible] بعضی به ح دیگر است رنگ در آن به تیره و آن مثل کوکب

در متعددات و در هر جاه و در بعضی اوقات نباتات طبیعی بعد از عصاره تعلیق به الکیه

اکنیت از نباتات خطرناک و برای مزاج آن کشته شده احتیاط در بعضی عصب‌ها

و ابتدا حیات [illegible] سداد است و جمهور اکنیت ملاقی خطا کنند در بعضی امراض ضعف را

برده نمی‌شود در رفع خفقان و ظاهر محافظت معتاد و حرارت در عینی صاف عصاره جمله

نسبت تا یک سال است [illegible] در خاصیت اکنیت گرد و در [illegible] عادت سمیه طب را

در نزد ... [illegible] نزد خطر احتیاط کنند تنطور الکل و شربت آن الکل

ساخته باشند شبیه محلول و تنطور [illegible] رتبت آنچه بتجربه رسیده است جمع آن قویتر است

و ذلک آن در ترکیب اکنیت تریاق و نفس از آن هم رونده

مستعملات ما اکنیت آب در [illegible] معمول تر آن هم انه ابتدا نبات را

[illegible]



قدر یک من ریشه نبات تازه را با گلهای شاهی را آورده و با محلول حاصل شده در مجاورت آب با نبات خشک

که بگذارند و بعد با غیر با روغن قوره مردود است جهت کردن عصاره اکنیت شیره نبات تازه را دو عصاره را

در گرمی مانع خشک شدن بعد عصاره و در بعضی اشخاص عصبانی معمول است و قدر شربت آن در ابتدا کم کنند

دوا را خرج کنند بلکه بر وی مواد [illegible] در یک کنند هم شبیه تر آن داد

مستعملات الکل اکنیت الکل و قدر مواد اکنیت بر آب ترجیح دارد و الکل نبات تازه استعمال کرده باشند

تا مواد قوره و حرارت اکنیت در الکل حل شود

تنطور خشک اکنیت teinture sec d. aconit

برگ خشک اکنیت ۱ الکل ۸۰ درجه ۵ پانزده روز با [illegible] در ظرف سربسته

در ماه صاف کنند بعضی در محل [illegible] ریشه اکنیت را ۱ با ۵ جزو الکل خالص تنطور کنند و در بهار [illegible]

تنطور دیگر برگ تازه اکنیت ۱ الکل ۸۰ درجه ۱ [illegible] قطره کنند

و الکل [illegible] روز در محل [illegible] در جای [illegible] صاف کنند بعد تنطور [illegible] ریزند

تا به اکنیت مواد حرارت قوره را زود در هر کن [illegible] تنطور را [illegible] شربت معمول است

شربت اکنیت sirop d. aconit شربت طبیب ۱

تنطور ورق ۱ شربت ساده ۱۰ ملاقی نموده مخلوط کنند

معمول است در شربت آن — در [illegible] آن ۵ تا ۵۰ مثقال [illegible] در [illegible] آن

(۵ ره جزو در ۵۰۰ جزو) ۱۰۰ [illegible] ... alcoolature ... saccharure

انمنین anémonine [illegible]

جسم [illegible] که [illegible] است

انمن anemone نباتات [illegible]

[illegible] ۲۵ [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible] ۵ تا ۱۰ [illegible] ۵ قطره [illegible]

[illegible]

سولانین solanine و آترپین atropine و هیوسیامین hyoscyamine

و داتورین daturine [illegible] solanée [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible] atropine [illegible]

[illegible]



[illegible]

daturine [illegible] Datura [illegible]

[illegible] hyoscyamine [illegible]

[illegible] jusquiame [illegible]

و دانهٔ جوهر ... است و از این نقطه ... [illegible] ... طعم آن ... مطبوخ است ... [illegible] ... گرفته شده

و ماهیت ... [illegible] ... آب ... کنند ... مطبوخ ... [illegible]

... [illegible] ... است ... [illegible] ... که ... و ماده‌ای ...

اکالوئید ) ... solanine ... Desfasses

در میوه و برگ ... نباتات ... solanum nigrum

(s. verbascifolium ... s. Dulcamara , s. tuberosum ;

... [illegible] ... آب ... [illegible]

کنند ... عصاره ... [illegible] ... ۱۸۰ ...

... [illegible] ... سولانین را خالص کنند ) ... [illegible]

... [illegible] ... خاصیت ... [illegible]

در ... [illegible] ... آب ... [illegible] ... خاصیت ...

دارد ... isomères ... [illegible]

... [illegible]

$C^{84} H^{68} Az^{2} O^{28}$ ... [illegible] ... شده ...

... [illegible] ... در ... است ... [illegible]

(۶۳)



در ... [illegible] ... وقت ... [illegible]

و در ... [illegible] ... که ... [illegible]

بلادانه ... bellladone ... [illegible]

... [illegible] ... بلادانه ... [illegible]

... [illegible] ... مطبوخ عصاره ... [illegible]

در خارج عصاره ... [illegible]

... [illegible] ... بلادانه ... [illegible]

... [illegible] ... سنوف ... [illegible]

... [illegible] ... بلادانه ... [illegible]

در حالت سنوف ... )   ... بلادانه

... [illegible] ... بلادانه

... [illegible] ... بلادانه ... نباتات تازه ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... را گیرند

عصارهٔ بلادانه extrait de belladone



در بلادانه ... عصاره ... عصارهٔ بلادانه ... [illegible]

... [illegible] ... قسم اول نباتات تازه ... [illegible]

... [illegible] ... عصاره ... [illegible]

... عصاره ... [illegible] ... کلروفیل chlorophylle

... [illegible] ... بلادانه ... [illegible] ... عصاره

... [illegible] ... عصاره ...

قسم دوم نباتات تازه ... [illegible]

... [illegible] ... نباتات

... [illegible] ... از ۳۵ تا ۴۵

حرارت ... [illegible]

... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible]

عصاره ... [illegible] ... عصاره ... [illegible]

... [illegible] ... نباتات ... [illegible]

قسم سیم برگ بلادانه خشک را ... کنند ... آب ... [illegible]

(۶۵)



با آب ... [illegible] ... صاف کنند ... [illegible]

... عصارهٔ ... [illegible] ... بدست می‌آورند

عصارهٔ نباتات طایفهٔ سلانه ... [illegible]

این عصارات ... [illegible]

شربت بلادانه sirop de belladone

| عصارهٔ بلادانه | ۱ | آب مقطر | ۱۶ | شربت قند | ۳۰۰ |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |

عصاره را در آب حل کنند و صاف نمایند و در شربت ... [illegible] ... حرارت آن شربت را

... [illegible] ... عصاره ... [illegible]

روغن بلادانه huile

| عصارهٔ بلادانه | ۱ | روغن ... | ۲ |
| --- | --- | --- | --- |

... [illegible]

مطبوخ بلادانه ... آب ... [illegible]

... [illegible] ... بلادانه ...

در آب ... [illegible]

... [illegible]

بلادانه ... [illegible]

بخور بلادونه

مطبوخ لور ٥٠ پنبق بلادونه سحوق ٢٠ نمرد

درظرف مخصوص بخور ریخته چنانچه سابقاً مذکور داشته ایم با حرارت ٥٠ تا ٥٥ بخور دانیه نهر دوبات

در ١٥ تا ٢٥ بخور بر بلادونه بیلوانیه اینی بخور جهة ربع سیاه سرد محصولات دود سوای نیز تسحق کنند

محصولات الکلی بلادونه

عصاره الکلی بلادونه *extrait alcoolique de belladone*

برگ بلادونه سحوق ١ بنصف وزن آن الکل ٥ محفوظ کنند و در ظرف مخصوص لیکسیویاسیون القرتیه بپردازد

٢٤ ساعت الکل ٥ دیگر اوزا ایمپرداز ... تانیه دان الکل ٢ جزء ١ و آب خارج کنند تحصیل ایلکه

یک قطره آب و در دیگر الکلی تر سبب کدورت آن گردیده دت و ... محصولات الکلی جمع نماید

جمله گردانی الکلی تقطیر نمایند و بقیه تقطیر را منضف عصاره قوام آورده اینی ... مرور در بیرام ...

سخن شده ... درجه عاده بلادونه در آن موجود است عصاره الکلی از ربیع تا نوروز

... نیز حفظ سازند (شمع بلادونه

عصاره الکلی بلادونه ١ ... ٢ ... ١

... کنند عصاره را ... ربیع تا نوروز ... نیز حفظ سازند

شیاف عصاره بلادونه ... ٣ عصاره الکلی بلادونه ١

...



مرهم بیورون ٨ *populeum* مرهم ... کنند

... برگ بلادونه ... سابقاً عصاره ...

... عصارات الکلی ... اینی نسخه سی تحرتب

تنقیع بلادونه *teinture de belladon*

بلادونه خشک ١ الکل ٥ ... ٥ ...

تنقیع بلادونه تازه *teinture de belladon*

بلادونه تازه ١ الکل ٨ ١ ...

... کنند ... تنقیع ...

... نباتات طالعیه بلادونه ... سیرورد

محصولات اثری بلادونه

تنقیع اثری بلادونه بلادونه خشک ١ اثر کلکی ٣

بلادونه را ... لیکسیویاسیون ... اثر ...

... آب اثر را خارج کنند ... تنقیع ... تنقیع اثری از ربیع

تا نوروزه دانیز حفظ سازند) محصولات دهنی بلادونه

دهن بلادونه *huile de belladone*



برگ تازه بلادونه ١ روغن زیتون ٢ برگهای تازه را ... کنند

... آب نباتیه ... خارج ...

... نباتات طالعیه ... روغن ... تا نوروزه دانیز حفظ سازند

مرهم مسکت *baume narcotique*

برگ تازه بلادونه ٣ برگ تازه بزرالبنج سیاه ٣ برگ تازه عنب الثعلب ٣

برگ تازه ... ٣ برگ تازه کوکنار ٣ برگ تازه ... ٣

بر کلی ... ١ بر کلی ... ١ بر کلی ... ١

بر ... ١ بر کلی ... ١ بر کلی ... ٣

بر کلی ... ١ بر کلی ... ١ ... ١

برگ خشک ... ١ برگ خشک ... ١ روغن زیتون ١٥٠

... نباتات ... کنند ...

... نباتات تازه ... روغن زیتون ...

... آب نباتیه ... خارج ...

... نباتات ... قطعه قطعه ...

... مسکت ...

...



نباتات طالعیه بلادونه ... نباتات ... اینی ...

... اینی ...

... اینی ...

محفوظ ... رنگ ...

روغن بلادونه *huile de belladone*

بلادونه تازه ١ . مرهم ... ٢ ...

ریشه بلادونه *racine de belladone*

... ریشه ... *poudre voetzler*

سفوف ... ریشه ... ٥ ... ٢٠ ...

... سرف ...

تخم بزر بلادونه ... تخم بزر بلادونه ... رنگ

... بزرالبنج ...

عصاره تخم تازه *extrait de*

تخم تازه ٥ ١ ... ٥ ...

٢١ [illegible]

[illegible]

[illegible]

vin de semence de datura

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] stramoine [illegible]

[illegible]

٢٢ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Douce amère [illegible]

Dulcamara

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

extrait de douce amère [illegible]

٢٣ [illegible]

[illegible]

[illegible]

tisane de douce amère [illegible]

[illegible]

[illegible]

sirop de douce amère [illegible]

[illegible]

[illegible]

$C^{20} H^{14} Az^{2}$ nicotine

tabac [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٢٤ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

## کنیسین conicine

زرکوه ciguë [illegible] conicine [illegible] cicutine [illegible] conéine [illegible] conine

[illegible] $C^{16}H^{16}Az$ [illegible]

[illegible]



[illegible]

## زرکوه ciguë

[illegible]



[illegible]

حب تخم زرکوه pilule

تخم زرکوه سحوق ۵ نخود [illegible]

[illegible]

شربت تخم زرکوه sirop

تخم زرکوه سحوق [illegible] ۵۰ مثقال [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ۲۵ مثقال [illegible] ۲۰ مثقال

[illegible]

دوای کنیسین [illegible] ۵ مثقال [illegible] ۱۸۰ مثقال

[illegible]

برگ زرکوه [illegible]

[illegible]

سفوف شوکران — شوکران را در هاون آهنی کوبیده باشد تا آنکه نرم در میان پارچه ورت
ریزه بسته رطوبت گرد ، بسته سفوف برگ شوکران سبز خوشرنگ است ، شوکران که بواسطه آن متعفن گردد
از خاصیات سفوف ... حب بسازند و ... با دوا ... نظم مقادیر ... بکار
برند ... طبیب )

ضماد شوکران

شوکران سحوق ... آرد برنج ... آب ... مثقال

ملایم حرارت ملایم ضماد سازند )   ضماد دیگر

شوکران سحوق ... آب ... در هم ... طبخ ... نماید

مصرفات شوکران

... در آب ... ورت شوکران خشک ... 
این ... شوکران را ... تازه آن ... 
... صاف ... تقریبا ... ترکیب ...

عصاره شوکران   extrait de ciguës

... شوکران عصاره ... در قدر ترتیب ... 
عصاره شیره مصفای شوکران   شیره شوکران را ... حرارت ... 
... حرارت ملایم ... عصاره ... آورند ... عصاره ...



... در هر صورت ... عصارات شوکران ... عصاره است
... قسم دیگر ... عصاره ... این قسم ... جمع
شوکران عصاره آن ... شوکران
... باشد

عصاره شوکران ... extrait avec fecule de ciguës

شوکران ... صاف شده
... ۵ ۲ تا ۵۰ حرارت ... عصاره ...
... عصاره ... ۴۸ ساعت ... عصاره ...
... شوکران ... عصاره ... حرارت ... قوام آورند ...
... عصاره ... آب و ... عصاره ...
۵ جزو عصاره باقی است

عصاره مائی شوکران   extrait aqueux de ciguës

شوکران سحوق ... نصف وزن آن آب ... ساعت ... 
... آب ۵۰ ... عصاره قوام آورند ... 
... شوکران ... 



مصرفات الکل شوکران   الکل ... 
... شوکران ... 

عصاره الکل شوکران   شوکران خشک ... الکل ۸۵ درجه ... 
... ۱۲ ساعت ... الکل ۸۵ ...
... قطرات آب ... الکل ... 
... عصارات شوکران ... 
... عصاره ... شوکران است

شمع شوکران   این شمع ... 
... عصاره الکل شوکران ۹ ... ۲ ... ۱ ...
حرارت ملایم ... عصاره ... عصاره شوکران است

تنطور الکل شوکران   شوکران خشک ۱ الکل ۸۵ ۵ ۱۵ روز ...
... صاف کنند   نسخه دیگر   شوکران تازه کوبیده ۱ الکل ۹۰ ۱
... صاف کنند

تنطور اتری شوکران   شوکران خشک کوبیده ۱ اتر ... ۴ ...

مصرفات ... شوکران   ... شوکران ... 
... 



... 

روغن شوکران   شوکران تازه کوفته ۱   روغن زیتون ۲

... آتش ملایم ... آب ... 
... صاف کنند

روغن ... شوکران   شوکران تازه کوفته ۱ روغن ... ۴ حرارت ...
... 

شمع شوکران ... ۱۵ ... ۱۰ ... ۷ ... ۲ ... شوکران ۳۲
... ۸ ... شوکران ... 
... 
... 
... 
... ۵ ... ۱۵ ... ۲۵ ... 
... ۵ تا ۵۰ ... ۵ تا ۲۰ ... 
الکل ۱۵ تا ۳۰ قطره ... تا ۱۲ قطره

امتین   $C^{31}H^{22}Az^{2}O^{5}$ émétine

[illegible] در سنه ١٨١٧ [illegible] magendie [illegible]

[illegible] rubiaceae [illegible]

[illegible] brandes [illegible] caïnça

[illegible]



[illegible]

## ایپه‌قا‌قوانا ipécacuanha

[illegible]



## توز ایپه‌قا‌قوانا poudre ipécacuanha

[illegible]

## قرص ایپه‌قا pastilles ipécacuanha

[illegible]



[illegible]

## عصارهٔ مائیهٔ ایپه‌قا extrait aqueux ipécacuanha

[illegible]

تنتور ایپکا — *teinture ipécacuanha*

ایپکا ۱ الکول ۵ بش کون ... ترشیح ایدیله

صاف ایدیله) تنتور ایپکا — *teinture*

ایپکا ۱ عرق ... ۴ ... تنتور کبی تحضیر اولنور

خلاصهٔ الکولی ایپکا — *extrait alcoolique ipécacuanha*

الکول ... ایپکا ... ایدوب ... ساعت ... الکول ...
... تقطیر ایدیله ... خلاصه ...
... خلاصه ... ایپکا ... خلاصه ...

شربت ایپکا تنتور ایپکا ۱۵ قند ۹۲ ...

... ایپکا وارد

شربت ایپکا — *sirop ipécacuanha*

خلاصهٔ الکولی ایپکا ۱ ... ۸ شربت ساده ۱۵۰

خلاصه ... ایدوب ... شربت ... ۳۴ ...

۸ ... شربت ... خلاصه ایپکا ... ایپکا

امتین خالصه — *emetine*

ایپکا



ایپکا ... الکول ۹۰ ... 

... خلاصه ... خلاصه ...

... شربت ...

... الکول ۹۲ ...

... خلاصه ...

امتین ... 

شربت امتین امتین ... شربت ساده ۱۰۰ مثقال

امتین ... شربت ...

... شربت ... امتین ...

قرص امتین امتین ۱ قند ۱۰۰ ... کترا ...

... قرص ۱۵ ... قرص ...

هر قرص ... امتین ... قرص ...

قرص ... امتین امتین ۳ قند ۹۰ ... کترا ...

... قرص ... امتین ...

... ایپکا



شراب ایپکا — *vin ipécacuanha*

ایپکا ۱ شراب ... ۳۲ ... صاف ایدیله

شربت ایپکا مرکب — *sirop*

ایپکا ۱ ... ۳ شراب ... ۲۴ ...

... مثقال ... آب ۱۰۰

... ساعت ... شراب ...

... شربت ...

... 

کاهینا ۱ — *caïnça*

... نبات ...

... — *caïncique*

... — *acide* ... (*pelletier et caventou*)

... ایپکا ...

مطبوخ کاهینا ... کاهینا ... آب ... مثقال ...

... مطبوخ ...

تنتور کاهینا — *teinture de caïnça*

کاهینا



کاهینا ۱ الکول ۵ ... صاف ایدیله

خلاصهٔ کاهینا — *extrait alcoolique de caïnça*

کاهینا ۱ الکول ۵ ... خلاصه ... شربت ...

شربت کاهینا — *sirop de caïnça*

خلاصهٔ الکولی کاهینا ۱ شربت ساده ۱۵۰ خلاصه ...

... شربت ... خلاصه ...

شربت کاهینا خلاصهٔ کاهینا ۱ قند ۱۹ خلاصه ...

...

شراب کاهینا — *vin de caïnça*

کاهینا ۱ ... ۱۶ ... صاف ایدیله

شربت ... کاهینا ۸ شراب ... ۵ ...

بکسین — *buxine*

... *euphorbiacées* ... *buis* ...

...

... بکسین ... *faure*

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

theine ، guaranine

cafeine $C^{16}H^{10}Az^{4}O^{4}$ كافئين

[illegible] (runge) [illegible] (oudry)

[illegible] (martius) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ٨ [illegible] ٣٠٥ [illegible] $\frac{1}{50}$ [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

cafe قهوه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

guarine de caféine

چاى thé [illegible]

[illegible] camelliées [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ( ٥ [illegible] ١٠٠٠٠ [illegible] )

[illegible]

guarana گوارانا

[illegible] paullinia [illegible]

[illegible] sapindacées [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

bile de boeuf

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] biline [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١٥ [illegible]

عفونت و غیر معروفی در آن است و مواد مرکب است از کلسترین و صفرای آن که در ذات رنگ‌ها در اول هیچ رنگ ندارد و در هوا به رنگ سبز سیر در آید و عروق دهد [illegible]

که در آن یافت شود یا از جوهرهای نسبتا تصدیق در صفرای انسان است به دلیل اینکه در آن عنصری است که مسهل است

دارد و هر دو صفرای مرارت دارند و مقرون به cholépérine و از مواد است که رنگ قرمز دارد

و این ماده شیرین است و طعم تلخ دارد و در آب محلول بوده و در الکل نیز محلول است و صفرا از املاح القلیائی است

و در ماده از املاح عضویه تجزیه می‌شود و در حرارت نیز تغییر نمی‌کند بلکه حرارت آن را جمع کند چون که

از مخصوص است بعضی مواد دارد که تلخی فوق قند است و در شیره ترکیبی آن بعضی از مواد منجمده

دو قسم است و بعد از آن از جهت دیگر مکرر است از محلول‌های مختلف ثابت است

شناخته شده و در این محل مرکب آن چون از جسم‌های مختلف ترکیب شده در حرارت مرتفع شود

جسم سفیدی که از آن خارج شود و مقدار صفرا در آن موجود است زیرا رنگ آن سبز متغیر [illegible]

است و صفرا با املاح قلیائی یا املاح الکلی با الکل محلول است که از آن اسید کولیک بیرون آید

صفرا جسم مرکب است و رنگ آن از زرد تا سبز است و در آب محلول است و بعد از آن تقطیر کرده و بعد خوب [illegible]

و از آن استعمال می‌شود زهره گاو در مطبخ و صناعت و طب که در [illegible]

جهت رفع صفرا زهره گاو extrait de fiel de bœuf

زهره گاو را به طریق خشک کردن در حمام و رفع شیری تغلیظ کرده و در معالجه بعضی امراض خارجه

استعمال می‌شود و در حمام بخار تغلیظ کرده و در قوام آورند





ماده معروف شده که در حقیقت اصل گوشت است و در ترکیب آن از ۵ عنصر است

## گوشت عضلات حیوانات

گوشت حیوانات دارای ماده کثیره است که در حقیقت جوهر کلی مشابهت دارد با یکدیگر و در این ماده

عبارتند از ماده اصلی و الیاف این ماده در حقیقت ترکیب اصلی است و در آن شبه ماده‌ای است که از قلیائیات

ترکیب شده و از آن مصنوعی ماده مخصوصی است و این ماده را fibrine می‌نامند

چنانچه سابقا ذکر کردیم الیاف مرکب از دو ماده است یکی ماده مخصوصه و دیگری ماده‌ای که در آن

مواد شحمی و املاح و غیره است که تا امروز ترکیب آنها در علم شیمی معلوم نیست و ترکیب

الیاف عضله مرکب از دو جزء است یکی مرطوب و دیگری در هوا که در آن قابل تجزیه و جذب

دو ماده است که از آن تصاعد شود و از قبیل اسیدها است که در آن موجود است و از آن املاح تولید

کند و از قبیل اسید بوتیریک acide butyrique و مانند آن در عضلات موجود است

سلول‌ها از مواد مختلف ترکیب است و بعضی از آنها ترکیب آن مثل ماده شحمی است که در آن املاح است

غیر محلول در الکل و آب نیز هست و چون گوشت را در آب بجوشانند بعضی از آن را محلول کند

آب محلول می‌کند و املاح و مواد قلیائیه و غیره که در آن است محلول شده و بعضی دیگر که غیر محلول است

منعقد شده و ترکیب آن متغیر می‌شود و املاح فسفات در عضلات از ترکیب شده و در این حالت

است و املاح قلیائی از عضلات جدا شده و ماده به شکل [illegible] در حرارت مانند ماده لیفی منعقد گردد



ذکر کردیم مستعمل می‌شود و در این جوهر حقیقت آن جوهر است که در جلد و روده و غیره

موجود است بلکه در ترکیب آن حقیقت [illegible] چون در اجزاء آن هر دو ماده است [illegible]

انواع حیوانات موجود است و این جوهر از اجزاء الکلی جسم است و از انواع مواد الیاف حیوانات و [illegible]

ابریشم که از اجزاء است این ماده در عضلات حیوانات که در آن عصارات موجود است

در انواع مختلف موجود است و این ماده در ترکیب الیاف است و در حقیقت ترکیب جسم از آن [illegible]

ژلاتین می‌نامند و ژلاتین gelatine

جوهر حیوانات در آب گرم حل می‌شود و چون سرد شود منجمد گردد و در آب سرد حل نمی‌شود

و در آب جوش حل می‌شود و ماده‌ای است که در حالت غلیظ مانند سریشم است و این ماده در آب ژلاتین

و در حقیقت ترکیب کلی آن مختلف است و جوهر آن در حقیقت ماده‌ای است که مرکب از عناصر [illegible]

و از این ژلاتین است که در مختلف جسم‌های حیوانات موجود است و در ژلاتین است از اقسام

در آب سرد حل نمی‌شود و در آب جوش به سهولت حل می‌شود و چون سرد شود منجمد گردد

آب جوش در ژلاتین حل شود و ژلاتین خالص در آب گرم حل شده و در آب سرد [illegible]

آن محلول در آب و الکل و اتر حل نمی‌شود و حرارت آن را تغییر دهد و غلیظ شود

و ژلاتین ضعیف از سهولت حل شود و در آب حل شده و ماده تولید کند [illegible]

جهت تربیت ژلاتین مرده و گوشت را در آب گرم جوشانند و بعد از آن صاف کرده و منجمد سازند





و جوش زیاد در بعضی از حیوانات مرض تولید شود و ماده شیرین در آن و بعضی تغییر ترکیب دهد

عناصر حیوانات است و در حقیقت ترکیب شیمیائی عناصر و ذرات آنها در ژلاتین و مواد مرکبه آنها است

و املاح معدنیه و مواد جوشیده در آب گرم و ژلاتین و غیره در جوش زیاد از آن در [illegible]

و ماده اصلی chondrine و ماده گوشت عضلات حیوانات در طب جهت

آبگوشت و در آن مستعمل است

## آبگوشت bouillon

آبگوشت محلولی از اجزاء حیوانات و ترکیب الیاف و املاح و غیره است و مختلف است به اختلاف نوع گوشت

و غیره جمع شده و گوشت را در ظرف کرده و آب گرم ریخته آبگوشت درست کنند و در آبگوشت

حیوانات مختلف صاحب آبگوشت را از گوسفند و مرغ یا غیره مرغ و غیره و بعضی [illegible]

می‌سازند آبگوشت را در ظرفی که مخصوص آن است و در طب معمول است

## ۱۱۱ آبگوشت غذا

ماده‌ای است که در آن املاح و مواد ترکیبی بسیار است که در آن مواد ماده سفیدی است که [illegible]

که در آن ماده گوشت قابل جذب و ماده اصلی است و علاوه بر این ها در آن

hématosine که ماده رنگی خون است و در ترکیب آن

oléine و همچنین ماده چربی است و انواع عناصر و املاح کثیره [illegible]

acide inosique ($C^{10}H^{6}Az^{2}O^{11}$) معروف است و دارای

آبگوشت سه جزء است که مخصوص [illegible] صاحب [illegible] که ترکیبی creatine

و در عصاره مایعات کنند و در واقع از جوهرات [illegible] موقع [illegible] لیبیگ [illegible]

[illegible] رنگ [illegible] دارد و [illegible] که [illegible]

و علاوه بر اینها مواد عصاره نیز در آن موجود است [illegible] گوشت [illegible] در آب

غیر محلول است و [illegible] که در این [illegible]

[illegible] در گوشت [illegible] است و مقداری [illegible] گوشت [illegible]

[illegible] از حرارت [illegible] آبگوشت [illegible]

و [illegible] محلول است در آب [illegible]

مجاورت گوشت با آب [illegible] حرارت آب [illegible]

حرارت [illegible] در [illegible] آب جمع [illegible] گوشت [illegible]

آبگوشت [illegible] در آب [illegible]

و مقدار دیگر آن در [illegible] گوشت [illegible] آبگوشت [illegible]

[illegible] آبگوشت [illegible] آب [illegible]

[illegible] در آب [illegible]

[illegible]



آبگوشت [illegible] در صد [illegible] ۲۸ [illegible] است [illegible]

[illegible] لیبیگ liebig نامیده است

[illegible] créatinine ($C^{8}H^{7}Az^{3}O^{2}$) نامیده

[illegible] در گوشت موجود است [illegible] در [illegible] عصاره

گوشت [illegible] آبگوشت [illegible]

[illegible] فسفریک [illegible] آبگوشت [illegible]

[illegible] حرارت [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آبگوشت [illegible] گوشت [illegible]

[illegible] آبگوشت است [illegible]

[illegible]

[illegible] گوشت [illegible]

[illegible]





[illegible]

آبگوشت دوائی bouillon médicineux

[illegible]

[illegible]

[illegible] آبگوشت دوائی [illegible]

صاف بکنند [illegible]

آبگوشت [illegible] گوشت [illegible] ۵۰ مثقال آب [illegible] مثقال [illegible]

[illegible] آبگوشت [illegible]

ژلاتین gélatine

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] gélatine

[illegible]

[illegible] آبگوشت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵ مثقال آب ۵۰۰ مثقال [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible] ۲۰ مثقال [illegible]

[illegible] ۵ مثقال آب ۵۰۰ مثقال [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible]

[illegible] کرده و تعفین [illegible] ترنجبین [illegible]

[illegible] در [illegible] مثقال [illegible]

[illegible]

| زرانک شاخ گوزن | شاخ گوزن سوخته | ۵۰ مثقال | قند | ۵۰ مثقال |
|---|---|---|---|---|
| میوه تازه فشرده | عدد | سفیده تخم مرغ | عدد | آب ۵۰ مثقال |

[illegible] آب [illegible] تعفین [illegible]

[illegible] سفیده تخم مرغ و آب [illegible]

[illegible] ۵۰ مثقال [illegible] تعفین [illegible]

[illegible]

| شربت [illegible] | شربت [illegible] | ۵ مثقال | [illegible] ۱۲ مثقال |
|---|---|---|---|
| قند ۵۰ مثقال | [illegible] | ۳ مثقال | [illegible] ۱۲ قطره |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

| شربت سرکه | سرکه ناب | ۲۰ نخود | آب ۳ مثقال | شیره [illegible] ۱۰۰ مثقال |
|---|---|---|---|---|

الخ



سرکه را [illegible] ساعت در آب [illegible]

[illegible] شربت دیگر

| خرما ۵ | عناب ۵ | کشمش ۵ | [illegible] ۱ |
|---|---|---|---|
| شش گرمک ۳۲ | قند ۳۲ | ریشه [illegible] ۱ | آب ۲۰ |
| برگ [illegible] ۵ | | | |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

| [illegible] | سرکه ناب ۱ | آب ۸ | الکل [illegible] ۵ | ۸ |
|---|---|---|---|---|

سرکه را [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

| [illegible] | سرکه [illegible] | الکل [illegible] ۵ | [illegible] |
|---|---|---|---|

سرکه را [illegible]

[illegible]



[illegible]

| [illegible] | سرکه ۱۳ سیر | آب ۱۳۵ سیر | [illegible] |
|---|---|---|---|

## حلزون helix, limaçon

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] helicine [illegible]

[illegible]

| [illegible] حلزون | گوشت [illegible] حلزون | ۲۵ مثقال | آب ۵۰ مثقال | [illegible] |
|---|---|---|---|---|

[illegible]

[illegible]

[illegible]



| [illegible] | لعاب حلزون | حلزون [illegible] ۲۰ عدد | [illegible] مثقال ۶۰ |
|---|---|---|---|
| [illegible] ۲۰ نخود | آب ۲۰ مثقال | [illegible] | |

[illegible]

[illegible]

| شربت حلزون | گوشت حلزون ۴ | آب ۱۰ | [illegible] ۲۰ | [illegible] ۱ |
|---|---|---|---|---|

[illegible]

[illegible]

| روغن حلزون | حلزون [illegible] ۵۰ عدد | [illegible] ۱۰۰ مثقال | [illegible] |
|---|---|---|---|

[illegible]

[illegible]

[illegible] lait [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۳۰ [illegible] ۳۵ [illegible]

۸۸۵ [illegible]

[illegible] *caseine* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] *beurre* [illegible]

[illegible]

[illegible] *elaïne* [illegible]

[illegible] *margarine* [illegible] *stéarine* [illegible]



[illegible] *butyrine* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] *lactine* [illegible] *sucre de lait* [illegible]

[illegible]

[illegible] $C^{12} H^{12} O^{12} + 5aq$ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] *acide mucique* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] *acide lactique*



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] *lait écrémé* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

Donné [illegible]

[illegible]

[illegible] *lactoscope* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

## شیر بریده petit lait

[illegible]



[illegible]

شربت شیر — شیر ... قند ۳ — عرق ورق لیمو [illegible]

[illegible]

## تخم مرغ oeuf

[illegible] gallus domesticus [illegible]

[illegible]

coque

coquille



[illegible] albumen blanc de l'oeuf [illegible]

[illegible] jaune [illegible] goblet [illegible] vitelline [illegible] oléine [illegible] margarine [illegible]

[illegible] osmazome [illegible]

[illegible]

pellicule de l'oeuf (membrane de la coque)



[illegible]

## شیر مرغ lait de poule

آب باقلی [illegible] — سفیده تخم مرغ ۲ عدد — آب ۱۰۰۰

[illegible]

[illegible]

... ۶۰ ... ۱۰۰ ... ۲ ... ۳

[illegible]

... payant ... [illegible]

[illegible]

طریقه دیگر ساختن ... [illegible]

[illegible]



[illegible]

اوره urée $C^2H^4Az^2O^2$

[illegible]



[illegible]

ذراریح cantharides

[illegible] coléoptères [illegible]

[illegible] cantharidine regnault ($C^{10}H^6O^4$) [illegible]

[illegible] chitine [illegible]

[illegible]



[illegible]

طرز محافظت ذراریح ذراریح را اگرچه در ظروف [illegible]

[illegible]

بفرمایند که اگر در قرع و ظرف ورد زیج [illegible] نمایند

سوف ورد زیج — ورد زیج را [illegible] و [illegible] بر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

روغن بزرورد زیج — ورد زیج سحوق ۱ — مرهم [illegible] ۲ — مرهم [illegible] populeum

مرهم را [illegible] حرارت [illegible] ورد زیج سحوق [illegible]

مرهم ورد زیج — سقونقیه ۱ — [illegible] ۱ — [illegible] ۱ — ورد زیج سحوق ۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ورد زیج [illegible]

شمع محرق الطبیب — [illegible] ۳ — [illegible] ۱۵ — سقونقیه ۱ — ورد زیج سحوق ۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

محرق [illegible] — ورد زیج سحوق ۱ — [illegible] ۱ — [illegible] ۱۲ — [illegible] سحوق ۱۲

[illegible]

[illegible]

محرق [illegible] — moucheside milan

سقونقیه ۲۲ — [illegible] ۲۲ — ورد زیج ۲۲ — [illegible] ۱۰ — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ورد زیج — [illegible] ورد زیج [illegible]

[illegible]

آب ورد زیج — ورد زیج سحوق ۱ — آب ۱۲۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ورد زیج — [illegible]

[illegible]

[illegible] ورد زیج — ورد زیج ۱ — [illegible] ۵ — ۸

[illegible]



[illegible] ورد زیج — [illegible] ورد زیج — [illegible]

[illegible] ورد زیج — ورد زیج ۱ — [illegible] ۱ — [illegible] ۸ — [illegible] ۴

[illegible]

[illegible] ورد زیج — ورد زیج سحوق — [illegible] ۵ — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] — [illegible] — [illegible] ورد زیج [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ورد زیج — [illegible] ورد زیج — ورد زیج [illegible] ۱ — [illegible] ۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

baume neural

کشیده و چهار روز بعد ترشح نمایند و بعد طلا و الماس ... در جعبه لطیف ... همراه ... ایشان [illegible]

با قلم ریز ممزوج نموده و چهار روزه ... و در روی جعبه کشیده ... باعث طلا و الماس خواهد بود

عصاره ارس در ذریح | در ذریح | مقدار شش قطره | ارس ناده | مقدار کافی

ملفات مصور در ظروف مخصوصه ... در ذریح را ... اکثر ... مصور ... قطره ... قطره را

... عصاره ... در ... عصاره ... ریشه ... خلط ... ریشه ... باعث ...

... حرارت ... ملفات ... *trousseaux*

... کافی ... در ... حیثیه ... در روی جعبه ... خواهد بود

تافته محرقه | عصاره الکل در ذریح ۴ | رشته های ملفی ۱ | آب مقدار کافی

رشته ها ... در آب حل کنند عصاره را در آن ممزوج نمایند ... در روی ... کشیده

... قلم ... در روی آن ... کشیده ... قلم ... کشیده ... خواهد بود

... ۱۰ دقیقه ... در روی آن ... تجربه مؤلف ... خوب است

... در روی ... سانتیمتر ... در روی ... کشیده ... در ...

... عصاره ارس در ذریح ... محرقه ... رشته ... کافی ... است ...

از ... در ظرف ... محفوظ است ... در آن ...

محلولات ... در ذریح

[illegible]



عصاره ... | در ذریح محرق ۴ | الکل ۸ | ۱۶ | ... ۱

... ۵ درهم حرارت ... در ... صاف کنند و در ... 

... محلول ... کاغذی ... ۱۵ ... در جعبه ...

... در ... عصاره ... ترجیح دارد

محلولات ... در ذریح

روغن در ذریح | در ذریح محرق ۱ | روغن ... ۵ صاف ۸

حرارت ... شش ساعت محفوظ ... در ... صاف ... نمایند ...

صاف ... روغن ... در ... سبز ... شده باشد

روغن کافور ... | کافور ... | الکل ... | ... | ... | ... ۲۵ گرم

... در ... الکل ... در ... کشیده ...

امتزاج ... ۳۰ | ) | روغن ... در ذریح

در ذریح ... ۱ | ... | ۱۳ | ... ۲ | ... $\frac{1}{4}$ عطر ... $\frac{1}{4}$

چهار ساعت در حمام ... در ذریح ... کشیده ...

... در روی ... ۲ ... 

... در ... ۵ ... عطر ...



... در ... ۲ تا ۵ ... (۵ جزو در ۱۰۰۰ جزو) ...

الکل ... ۱ تا ۱۰ قطره ... عصاره ... ۵ تا ۵۰ هزار ...

(که از $\frac{1}{10}$ تا الکل ...) در ذریح ... 

... مستعملات ... ترتیب ... کاغذ ... 

... الکل ... ۱۰ ... در ... 

... ترتیب ... 

زنبور عسل ... *abeille*

جانوریست ... *hymenoptères* ... *mellifères*

در ممالک ... در ... در شکاف ...

... در ... 

... ۱۰۰ ... 

... زنبور ... 

... در ... 

... 

... زنبور ... 

[illegible]



زنبور ... در ... 

... 

... 

و ۲۰۰ ... ۳۰ یا ۶۰ ... زنبور ... صاف نموده

... 

... 

اسفنج *éponges*

اسفنج عبارت است از ... 

... ۵ قسم ... 

اسفنج ... 

... 

... 

اسفنج موم *éponges à la cire*

اسفنج ... *éponges fines* ... 

... ۲ ... (۲۹)

هر یک از آن قطعات را در تیه نهند و روی آن بگذارند قطعات را بفشارند در لای تخته آهنی کمی گرم نهند و یک تخته دیگر روی آن گذارند و از آهن کمی گرم تختها را در لای تیه گذارده فشار دهند و در لای تیه برده خوب

این اسفنج تهیه دیده گره مجاری مسدود معمول است چاره و لکنه از آن در زخم وارد کرده رطوبت جذب کرده بزرگ

حجم آن شود و لهذا فشار بر اطراف وارد آورده و جراحت را وسیع کند

## اسفنج رشته — éponges a la ficelle

اسفنج دقیق را انتخاب نموده خوب به کوبند و با هاون نرم نمایند و پاک کنند و در رشته های بزرگ کشیده و اطراف اسفنج را

مانند تار نازک بپیچانند و شکنجه دهند حتی الامکان حجم آن بسیار کم شود آنگاه تخته به اسفنج در گرم نگاه دارند و خوب خشک شود

و قسمتی نگاه دارند احتیاط کنند بعد را باز کرده منظور رشته اطراف یک پارچه اسفنج را باز کنند و تخته را از آن جدا کنند

مورد استعمال آن مانند اسفنج زرد است و همچنین بعد از آنکه حجم خود را کم کرد توسیع دارد

(éponges torréfiées
(syn: éponges calcinées)

## اسفنج تکلیس — éponge brulée

اسفنج را قطعه قطعه کنند و بکوبند و با آن قطعات را در ظرف آهنی اندازند و حرارت دهند تا بسوزد

و در دهانه آن سرپوشی گذارند بعد رنگ قهوه ای شد بیرون آورده و بکوبند و در شیشه در بسته محفوظ دارند ملاحظه

بعضی تکلیس اسفنج را ید بیشتری دارد اکثیر صاحب اثر کرده و در صورت تکلیس آن ماده را

میشود اسفنج تکلیس بسیار قدیمی و مستعمل است و در حقیقت در مرض گواتر goitre و دیگر منافع

آن از جمله ید است

(اسفنج)



## قرص اسفنج تکلیس — tablettes d'éponges torréfiées

اسفنج تکلیس سحوق ۱ قند سحوق ۳ لعاب کتیرا به قدر کافی مخلوط کنند

ساختن قرص ۱۲ گرمی سازند و در قرص ۱۰ سانتی گرم از آن موجود باشد و در کار

مصرف آن برای زدن پایه تبها طاعون و گواتر و غیره در دفع و درد گلو از آن کار

فایده کلی دارد

## قرمزدانه — cochenilles

این حیوانات عبارتند از coccus cacti از خانواده hemiptères

اصل آنها در مکزیک mexique است و در روی درخت انجیر هندی نشو و نما کنند و پیدا

شوند در ... و رطوبت جایی سایه برد ... نگاه دارند ... دانه بسیار ... است

... در آب حل شود ... آب ... در آب ... معمول است در آن

عمل ... ... کنند ... ... ...

... ... ... قرمزدانه ... ... ...

... ... carmine ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

قرمزدانه را در سایه ... ... ...



از آن ... ... ... ... ... ... ... ...

potion de cochenille (syn: huile de vitriol)

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| قند حبوب | ۱۰ اکرم | کربنات دو پتاس | ۵ اکرم | قرمزدانه سحوق | مرکب سیاه برف |
| | | | | مخلوط کنند و بنوشند تا چهار قاشق | آب ۲۰ مثقال |

در امراض سیاه سرفه

## حوامض — acides

حوامض گوگرد — ... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ...

جوهر گوگرد acide sulfurique $SO^3+aq$

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ۸۴۵ ...

۵) حرارت ... ... ... ۳۲۵ ... ... ...

... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ...

... ... ...



... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

... ... ... ... ... ... ... ...

[illegible]

[illegible]

اسید سولفورو $SO^{2}$ acide sulfureux

[illegible]



[illegible]

سولفیت دو سو sulfite de soude

سولفیت ... $NaO, SO^{2}$ ...

[illegible]



[illegible]

هیپوسولفیت دو سو $NaO, S^{2}O^{2}, 5aq$ hyposulfite de soude

[illegible]

ترکیبات ازت

[illegible]

$AzO^{5}, aq$ acide azotique

(syn. acide nitrique, esprit de nitre, eau forte)

[illegible]



[illegible]

در کار خانه‌جات جوهر شوره را [illegible] را از جهت [illegible] کرده مرکب آورده [illegible] [illegible]

این [illegible] [illegible] مذکور است در ایران [illegible] [illegible] جوهر شوره [illegible]

جوهر شوره آبدار acide azotique Dilué

جوهر شوره ۵۰ ۳۵ ۲۲۵ [illegible] [illegible] شوره

۱۰ جوهر گوگرد ۱۰ آب ۱۰ [illegible] [illegible] جوهر گوگرد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۰ [illegible]

[illegible]

شربت سرد جوهر شوره limonade azotique

جوهر شوره ۵۰ نخود آب ۱۵۰ مثقال [illegible] ۲۵ مثقال

[illegible] این شربت را [illegible]

[illegible] مخلوط نما [illegible] جوهر شوره جوهر شوره ۵۰ نخود آب ۱۵۰ مثقال

[illegible]

[illegible]

جوهر



[illegible] rivallie [illegible]

[illegible] جوهر شوره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جوهر شوره [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] قطره [illegible]

[illegible]

[illegible] gosselin [illegible] جوهر شوره [illegible]

[illegible]

جوهر شوره

فسفر

این جوهر [illegible] فسفر [illegible] acide phosphorique

(شیل scheele) [illegible] ۱۷۷۰ [illegible] margraff [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درجه [illegible]



[illegible] جوهر شوره [illegible] آب [illegible] ۳ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسید بریک acide borique ou boracique

b o[6]

این جسم [illegible] homberg [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درجه حرارت [illegible] ۱۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible] اسید بریک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] اسید بریک [illegible] ۳ [illegible] ۸ [illegible] اسید بریک [illegible]

۸ [illegible] اسید بریک [illegible] ۳ [illegible] حرارت [illegible]

[illegible] اسید بریک [illegible]

[illegible]

طرز ساختن آن — این اسید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اسید بریک [illegible]

[illegible] اسید بریک [illegible]

[illegible]

[illegible]

اسید کاربنیک $CO^2$ acide carbonique

جسمی است گازی بی‌رنگ طعم آن مایل به ترشی [illegible]

[illegible]



[illegible]

جوهر نمک HCl acide chlorhydrique

جسمی است گازی [illegible]

[illegible]



جوهر نمک آبدار acide chlorhydrique dilué

جوهر نمک ۱ آب مقطر ۳ [illegible]

[illegible]

تیزاب سلطانی acide chloro-azotique

جوهر نمک ۳ جوهر شوره ۱ [illegible]

[illegible]



[illegible]

جوهر سرکه $C^4H^4O^4$ aq acide acétique

[illegible]

vinaigre radical

جوهر سرکه غلیظ acide acétique concentré

[illegible]

حرارت [illegible] تقطیر جوهر سرکه است [illegible]

[illegible] تقطیر [illegible] جوهر سرکه [illegible] جسم [illegible] باصطلاح علما پیرو

acétone [illegible] acétique esprit pyro-

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جوهر سرکه [illegible]

## سرکه معطر انگلیسی vinaigre aromatique anglais

جوهر سرکه [illegible] مثقال کافور [illegible] مثقال عطر [illegible] ۲ گرم عطر [illegible] ۲ گرم عطر [illegible]

کافور را [illegible] جوهر سرکه [illegible] در شیشه [illegible] جوهر سرکه [illegible]

[illegible]

## جوهر سرکه خالص acide acétique pur

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] جوهر سرکه خالص را چنین می‌سازند

نمک سرب متبلور ۱۲ جوهر گوگرد ۹ [illegible]

[illegible] جوهر گوگرد [illegible]

[illegible] جوهر سرکه [illegible]

جوهر سرکه [illegible] ۱۰۰۰ گرم جوهر گوگرد ۳۰۰ گرم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

## سرکه vinaigre ou acide acétique faible

[illegible]

[illegible] سرکه [illegible] acétum [illegible] سرکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible] baumé

[illegible] (aréomètre) [illegible]



استعمال [illegible] سرکه [illegible]

[illegible] سرکه [illegible] (vinaigre) [illegible]

[illegible] سرکه [illegible]

[illegible] خالص سرکه [illegible] vinaigre radical

[illegible] acide [illegible] جوهر سرکه [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] ۱۰۸۲ [illegible] (مراده ۱۰ [illegible]) [illegible]

[illegible]

[illegible] سرکه [illegible]

طرز ساختن سرکه [illegible] طریقهٔ اول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

طریقهٔ [illegible]





[illegible]

[illegible]

طرق دیگر نیز [illegible]

عسل سرکه سرکه نقیه ۵۰ گرم [illegible] ۱۰۰۰ گرم [illegible]

[illegible] سرکه نقیه ۲۰ گرم [illegible] ۹۰ گرم [illegible] گرم [illegible]

[illegible] ۲ سرکه نقیه ۱ [illegible]

[illegible] ۲۰ گرم [illegible] ۲۵ گرم [illegible]

[illegible]

## اسید لاکتیک acide lactique $C^6H^6O^6$

این اسید در سنهٔ ۱۸۷۵ [illegible] scheele [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

برفات و ثبوت آب نمود و غیر محلول نمیشود در آب الکحل برای آنکه اسید صاف نیم محلول میشود و بکیفیت آن و تا هم چیزی

باقی نمی ماند و در وقت تبخیر زیادی هوا را جذب میکند شربتی زیادی دارد الکحل بخار میشود و اسید لاکتیک

lactine نیز میگویند امروز قند را در و شده نیز از آن صاف میشود چونکه آن الکحل منعقد میکنند باید از بخارات

در اسید لاکتیک نوع خالص نیز از آن دربسیاری آب و زیادی شده بخیره کرده و طریقه آن محلول است و دیگر

اسید لاکتیک خالص مایع است شربتی و بی رنگ و با بخیره آب الکحل حل میشود و در اتر محلول است

محروق و در نیز با اسید ۳ ... در ۳ حرارت ۲۱۵ حالت خاکی

در الکحل تا بخیره ... آن را در محلول شده

... از ... و ...

و قدرت اسیدی کمتر است غیر محلول خالص

magendie ... از ... غیر ... قدرت ...

اسید کاربونیک acide oxalique aq $C^2O^3 + $ ...

... منقلب میشود بر ... جوهر ... [illegible]

... در ۸ ... در الکحل ... در ۱۱۵ درجه

حرارت تجزیه میشود و تولید اسید کربونیک و اسید ... در ... تجزیه شده ... اسید کربونیک

... آب ... جوهر ... حرارت ...



و این را در آب که ... کرده ... تجربه کرده که ... اسید ... رنگ ... باقی

میشود ... جوهر لیمو ... در قند ... اسید کالیک با آب ...

... آب ... تجربه ... اسید کربونیک و کربونیک ... محلول ... $C^2H^4O^2$

است ... منعقد ... $C^2H^4O^3$

طرز ساختن آن — مایه اول قند ... جوهر لیمو ... قند ... درجه ...

... رنگ ... جوهر ...

... نصف جوهر لیمو ... حرارت ...

... در ... حرارت ... اسید لاکتیک ... منعقد ...

... جوهر لیمو ... منعقد ...

منعقد ... جوهر لیمو ... اسید کالیک ...

... جوهر لیمو ... اسید ...

... جوهر لیمو ... اسید کالیک ... اسید لاکتیک ...

... همیشه ... حرارت ...

... اسید کالیک ... جوهر ...

ساختن خالص ... جوهر لیمو ...



با آب اول جمع کنند ... منعقد ... دو ... اسید ...

... اسید کالیک ... خالص ... آب ...

... آب ... جوهر ...

... اسید کالیک ... جوهر ...

الکحل ... اسید کالیک ...

... حرارت ...

... اسید کالیک ... در ...

... الکحل ... در آب محلول ... محلول ...

... محلول گردد

| فرض اسید کالیک | اسید کالیک ... | ... | قند ۲۵۰ ... |
| --- | --- | --- | --- |
| علاوات ... | ۸ قطره | ... | ... |

... اسید ...

... acide tartrique aq $C^4H^2O^5 + 2$ ...

... جوهر ... منعقد ... در ...

... آب ... در ...



... جوهر لیمو ... آب ... خارج ...

... تجزیه ... جوهر لیمو ...

... است ...

مایه دوم — ... جوهر لیمو ۲۳ ... حرارت ... کنند

... جوهر لیمو ... حرارت ...

... جوهر لیمو ... منعقد ...

... جوهر لیمو ... اسید کالیک ... منعقد گردد

مایه سوم — ... در ...

در آب محلول کنند ... اسید کالیک ... آب ...

... خشک ...

... ۳۳ ... جوهر ...

... آب ...

... آب ...

... جوهر ... حرارت ...

... آب ...

محلول ... [illegible]

دخانات ... [illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]

و جوهر لیمو $C^{12}H^{5}O^{11} + 5$ aq acide citrique

[illegible]



[illegible]

[illegible] ١٣٥ [illegible]

[illegible]

[illegible]

$C^{14}H^{5}O^{3} + aq$ acide benzoique

[illegible] benzoile [illegible]

[illegible] $C^{14}H^{5}O$ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

fleurs de benjoin

acide benzoique sublimé

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

ac. benzoiq. par voie humide

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

$SbO^{4}$ acide antimonieux

[illegible]

[illegible]

$SbO^{5}$ acide antimonique

[illegible]

[illegible]

$C^{10}H^{8}O^{4}$ acide camphorique

[illegible] bacgarten [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

$CrO^{3}$ acide chromique

[illegible] vauquelin [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

(remonong [illegible] (kairion) [illegible]

[illegible] per chromique [illegible]

barreswil [illegible] sur chromique [illegible] ۱۸۴۳ [illegible]

[illegible]

اسید فلوئوریدریک Fl H acide fluorhydrique

در سنه ۱۷۷۱ [illegible] ۱۸۰۸ [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] kessler [illegible]



اسید فرمیک $C^2HO^3$ acide formique

[illegible] Doebereime [illegible]

[illegible] (berthelot) [illegible]

[illegible]

اسید گالیک $C^7HO^3+3HO$ acide gallique



[illegible] tamin [illegible] galliques [illegible] fermentation [illegible]

[illegible] ([illegible]) [illegible]

اسید گالیک [illegible]

[illegible] (acide pyrogallique) [illegible]

[illegible] Luynes صاحب [illegible]

esperandieu صاحب [illegible] ۲۰۰ یا ۲۱۰ درجه [illegible]

[illegible]

اسید یدیدریک  $HI$ acide iodhydrique

[illegible] در سنه ۱۸۱۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسید مالیک  $C^8H^4O^8$ acide malique

هیدرات  $C^8H^4O^8 + 2HO$ hydrate

[illegible] در سنه ۱۷۸۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible] $\frac{1}{10}$ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسید فنیک  $C^{12}H^6O^2$ acide phénique

در سنه ۱۸۳۴ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] lupus [illegible]

[illegible] (eau phéniquée

glycérine ([illegible] (alcool phéniqué ([illegible]

(éther phéniqué [illegible] (phéniquée



[illegible] (huile phéniquée) [illegible] (vinaigre phén[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (alcoolisé

(phénique alcoolisé) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] irritant

(۱۰۰ [illegible]) Lemaire [illegible] liniment

[illegible]

[illegible] $\frac{1}{1000}$

[illegible] bolaeuf [illegible]

[illegible] ( coaltare ) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] $C^{12}H^3az^3O^{14}$ acide picrique

[illegible] ١٧٨٨ [illegible] haussmann [illegible]

[illegible] acide

indigotique [illegible] anilique [illegible]

[illegible] coumarine [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] explosion [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] aspend [illegible]

[illegible]

$C^8H^3O^3, 3HO$ acide succinique impur

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] HS acide sulfhydrique

[illegible] ١٧٩٨ [illegible] berthollet [illegible]



[illegible]

[illegible] ١٢ [illegible] (٢٠ [illegible]) [illegible] (٥ [illegible]) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

gay-lussac [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] pince de mohr [illegible]

[illegible]

[illegible] eau hydrosulfurée

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] $\frac{1}{232}$ [illegible]

[illegible] $C^{10}H^4az^4O^6$ acide urique

[illegible] ١٧٧٦ [illegible] scheele [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] guano [illegible]

[illegible]

[illegible]

این نوع جسم [illegible] اسید اوریک [illegible] دارد

[illegible] guanine ($C^{10} H^{5} az^{5} O^{2}$) [illegible]

[illegible]

[illegible] ($C^{8} H^{4} az^{2} O^{10}$) alloxane [illegible]

[illegible] purpurate [illegible] d'ammoniaque [illegible] murexide [illegible]

[illegible]

پتاس

KO potasse

[illegible] potassium [illegible]





[illegible]

شوراب پتاس — KO + aq hydrate de potasse

[illegible]



[illegible]

پتاس الکلی — potasse à l'alcool

[illegible]





[illegible]

پتاس آبی

[illegible]

محرق وین — caustique de Vienne

[illegible]

محرق فیلهس caustique filhos

[illegible]

gonorrhée

[illegible]

carbonate de potasse

[illegible]



[illegible]



[illegible]

valerian

[illegible]

cyanogène $C^2Az$

[illegible]



[illegible]

[illegible]

$KO,2CO^2+aq$ bicarbonate de potasse

بی کاربنات دو پتاس

[illegible]



[illegible]



[illegible]

$NaO$ soude

سود

[illegible]

$NaO+aq$ hydrate de soude — هیدرات دو سود

[illegible]

soude caustique a l'alcool — سود آلکل

[illegible]



[illegible]

soude caustique liquide, lessive, liqueur des savonniers — لسیو

[illegible]

carbonate de soude — کاربنات دو سود

[illegible]

$NaO,CO^2+10aq$ carbonate neutre de soude

کاربنات خنثی

[illegible]

[illegible]

[illegible] *gravelle* [illegible]

[illegible]



[illegible]

$NaO, 2CO^2 + aq$ bicarbonate de soude

بی‌کربنات دو سود

[illegible]



[illegible]

[illegible] vichy [illegible]

soda-water [illegible]

[illegible] trona [illegible] natron [illegible]

[illegible] pastilles de vichy

[illegible]



[illegible]

$LiO$ oxyde lithium ou lithine

لیتین

[illegible] arfvedson [illegible]

[illegible] lépidolithe [illegible]

garrar [illegible] micarose de bohème

[illegible] soda-water [illegible]

[illegible]

$LiO, CO^2$ carbonate de lithine — کربنات دو لیتین

[illegible]

[illegible] (... ۵۰۰)

[illegible]

دانه‌های [illegible] granules effervescents

[illegible] marienbad

[illegible] eau de soultzmatt [illegible]

weilbach [illegible]

باریت bao baryte

[illegible]



آهک ca o oxyde calcium, chaux

[illegible] ۸۸۸ [illegible] ۳۲۰۰ [illegible]

[illegible]

ca o + aq hydrate de chaux

[illegible]

آهک شکفته chaux éteinte

[illegible]



[illegible]

شیر آهک lait de chaux

[illegible]

آب آهک eau de chaux

آهک آب‌ندیده ۱ آب ۱۰۰ [illegible]

[illegible]



[illegible]

شربت آهک شربت [illegible] ۱۵ آب ۱۰ آهک آب‌ندیده ۲

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

## ca o, co² carbonate de chaux — کربنات دو شو

[illegible]

## mgo magnésie — منیزی

[illegible]



## magnésie calcinée — منیزی ماتش

[illegible]

[illegible]



[illegible]

## mgo + aq hydrate de magnésie — ئیدرات دو منیزی

[illegible]

## lait de magnésie — لت دو منیزی

[illegible]



[illegible]

## carbonate de magnésie — کربنات دو منیزی

[illegible]

mg o + c o² + 3 aq = mg o, H²o + 3 aq

[illegible]

## az H³ ammonique — آمونیاک

alcali volatil

[illegible]

ammoniaque liquide

[illegible]

[illegible]

قدر شربت آن ... ٥ تا ١٠ قطره است ...

[illegible]

کلادیکلی ... زنشادر ١ ... اهک ... ١ ...



[illegible] *Colliar de morani* [illegible] *goitre* [illegible]

... *poudre leayson* ...

زنشادری *collyre ammoniacal*

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| اهک شکفته | ٣٢ | زنشادر | ٢ | زغال بید | ١ |
| دارچین سوده | ١ | میخک سوده | ١ | گل ارمنی | ٢ |

[illegible]

شربت زنشادری *potion ammoniacal*

آب مقطر ... عرق ... ا ا نیاک مایع ... قطره

[illegible]



شربت ا ا نیاکی *potion ammoniacale*

آب ١٥٠ ا ا نیاک مایع ٥ ... شربت قند ٣٠ (...)

شربت ا ا نیاک زنیاک *potion ammoniacale*

شربت ... ١٢٥ ا ا نیاک ... ٣٠ ...

شربت دافع ... *potion contre l'ivresse*

... آب ... ا ا نیاک ... مخلوط کنند ...

نسخهٔ دیگر ا ا نیاک مایع ... قطره آب ... ٥ ...

... ا ا نیاک ... ا ا نیاک مایع ١ ... ٨ ... ٣

[illegible]

... ٣ ... ١ ... ١ ... ٩٦

[illegible]



[illegible]

... *baume opodeloch*

صابون ... ١٢ کافور ١٢ ا ا نیاک ... *romarin* ٣

... *thym* ١ ... ٨ ... ١٢٥

[illegible]

... ١ ... ا ا نیاک ٢ ... ١

[illegible]

... ا ا نیاک

2 az H^3, 3 c o^2 + aq carbonate d'ammoniaque

کربنات دامونیاک [illegible] ... [illegible]

ماده [illegible] کربنات دامونیاک [illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible]

[illegible] کربنات [illegible]

[illegible] کربنات [illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کربنات [illegible]



[illegible]

[illegible] کربنات [illegible]

کربنات دامونیاک [illegible] به تجربه رسیده است [illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible]

[illegible] کربنات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



کربنات [illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible]

[illegible] sels volatils anglais

[illegible] کربنات [illegible]

[illegible]

| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۳۲ | [illegible] | ۱ | [illegible] | ۴ |

[illegible] کربنات [illegible]

[illegible] دامونیاک [illegible]

| [illegible] | [illegible] | [illegible] | ۱۲ | [illegible] | ۱۲ |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۲ | [illegible] | ۱ | [illegible] ۲ | ۶۲ |
| کربنات [illegible] | ۶۴ | [illegible] | ۶۰ | [illegible] | ۶۲ |

[illegible]

[illegible] کربنات [illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]



[illegible] کربنات دامونیاک [illegible]

| [illegible] | [illegible] ۲ | کربنات دامونیاک ۲ |
|---|---|---|

[illegible] croup [illegible]

## کلرین cl chlore

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

mn o^2 + 2 H cl = 2 mn cl + cl + 2 HO [illegible]

[illegible]

[illegible] و تیزاب گوگرد [illegible] بدین طریق

$NaCl + HO + SO_3 HO = NaO, SO_3 + HCl + HO$

[illegible] کلر [illegible]

[illegible] بدین طریق

$MnO_2 + SO_3 HO + HCl = MnO, SO_3 + Cl + 2HO$

[illegible]

[illegible]



# کلر مایع chlore liquide

[illegible] درجات حرارت [illegible] بعمل آورده [illegible]

| درجات حرارت | کیلو کلر | درجات حرارت | کیله کلر |
|---|---|---|---|
| ۰/۰ | ۱/۴۳ | ۱۰/۰ | ۳/۵۵ |
| ۳/۰ | ۱/۵۳ | ۱۲/۰ | ۲/۳۷ |
| ۴/۵ | ۲/۰۸ | ۳۵/۰ | ۱/۶۱ |
| ۷/۰ | ۲/۱۷ | ۱۰۰/۰ | ۰/۱۵ |
| ۸/۰ | ۳/۰۴ | | |

[illegible] ۱۲۰ تا ۱۴۰ [illegible]

[illegible]



[illegible] کلر مایع [illegible]

[illegible] scarlatine [illegible]

[illegible] guynton-morveau [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ۱۵ تا ۲۰ قطره [illegible] ۲۵ [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۲ [illegible]

[illegible] ۲/۵ [illegible] ۲ آب ۳ [illegible] ۴

[illegible]

در ایپوکلریت‌ها یا کلرورکلسیه‌ها hypochlorites $\mathrm{m\,o,\,cl\,o}$

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هیپوکلر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اپوکلریت دو شو hypocloite de chaux

[illegible]

$\mathrm{ca\,cl + ca\,o,\,cl\,o}$ [illegible]

[illegible]



[illegible]

اپوکلریت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ذاکلر و استعمال ترکیب آنها بسیار عمده است و اطبا از ... به دو قسم که در ذیل است بنویسیم [illegible]

ایپ کلریت دو شو — صفحه ... این ایپ کلریت دو شو به بهترین وجه حاصل است [illegible]

منغانیس ۱ جوهر نمک ۴ آهک شکفته ۱ آب ۵۵

آهک را در آب حل کرده و کلر را داخل آن نمایند و آنرا ... تا آنکه در حالت ... [illegible]

حاصل شود ۵۰۰ ... [illegible] (ماده ۶۰)

ایپ کلریت ۱۰ ۱ آب ۲۵ — بقدری از این آب ایپ کلریت [illegible]

کشیده ... ۵۰۰ ... ایپ کلریت خشک ... [illegible]

نسبت ... ایپ کلریت ... [illegible]

... ۵۰۰ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] آهک ... آهک ترکیب

ایپ کلریت دو شو قوت ... در تجزیه اجزا ... [illegible]

... [illegible] ایپ کلریت ... [illegible]

... Détonnation (... [illegible])



که کلر ... کلرور ... [illegible]

... کلرور ... ۳ ... [illegible] ۲

... ۶ ... ۱۰ ... [illegible]

ایپ کلریت دو سو — hypochlorite de soude

... ایپ کلریت دو سو ... Liqueur de labarraque

[illegible] ... ایپ کلریت ... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

۵ ... ایپ کلریت ... ۲۰ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

در ۱۵ ... ایپ کلریت ... [illegible]



... ایپ کلریت ... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

... منغانیس ۴ جوهر نمک ۸ ... ۱۵ آب ۶۰

... [illegible] ایپ کلریت ... [illegible]

... ۵ ... [illegible]

ایپ کلریت ... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... ایپ کلریت ... [illegible]

Le brôme — برم

... ۱۸۲۶ ... balard ... [illegible]

... [illegible]



... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... ۶۰ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

Le brômure de potassium — برمور دو پتاسیوم

... [illegible]

جهة ساختن آن [illegible] که در ماشین تجزیه کنند [illegible] در ۱۵ برابر وزن خود آب حل کنند و در

ظرف [illegible] ریخته و در بطری [illegible] البته [illegible] به رنگ [illegible] باشند [illegible] که حاصل شده [illegible]

[illegible] مخروج [illegible] رنگ [illegible] صفت [illegible] باید [illegible]

[illegible] حرارت [illegible] کنند [illegible] کنند [illegible]

[illegible] حرارت [illegible] کنند [illegible]

[illegible] استعمال کنند [illegible]

در جمیع [illegible] برومور [illegible] است [illegible] مستعمل است در جمیع [illegible]

[illegible] شربت [illegible] روز

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| روغن [illegible] | برومور [illegible] | ۱ | [illegible] | ۸ ملایق [illegible] مخلوط کنند |
| روغن [illegible] | برومور [illegible] | [illegible] | [illegible] قطره | ۹۰ [illegible] مخلوط کنند |

*iodoform*

[illegible] جسم [illegible] رنگ [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

شفافیت [illegible] است [illegible] رنگ [illegible]

[illegible] ۱۰۵ [illegible] در ۱۷۵ [illegible] چنانچه ذکر [illegible]

[illegible]



بسیار [illegible] است در آب بسیار کم حل شود در [illegible] الکل [illegible] است

[illegible] ۵۸ است [illegible]

[illegible] است در [illegible] است [illegible]

ترکیبات [illegible]

[illegible] استعمال کنند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است

*chlor — fornid*
*chlorate — [illegible]*

[illegible] شربت [illegible]

[illegible] است

[illegible] استعمال [illegible]

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | ۱ | [illegible] |
| [illegible] ۱ | [illegible] ۱۲ | [illegible] |

[illegible]

[illegible]



حقنه یدور دو [illegible] *injection iodée (Velpeau)*

یدور [illegible]

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۱۰۰ گرم | آب | ۲۰۰ گرم | صاف کنند [illegible] |

[illegible] $\frac{1}{12}$ [illegible]

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| روغن [illegible] | [illegible] | ۱ | روغن [illegible] | ۱۰ ملایق [illegible] |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۵ | [illegible] | ۱۰۰۰ | [illegible] |

[illegible]



[illegible]

[illegible] است

[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۵۰ | [illegible] | ۱ | [illegible] ۱۰۰۰۰۰ | [illegible] |

[illegible]

[illegible] است

یدور دو امیدن *iodure d'amidon*

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است

[illegible]

[illegible] ۳۰۰ [illegible]

[illegible]

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| نشو | نشاسته [illegible] | ۹ | آب | ۲ | [illegible] | ۱ نشاسته [illegible] |

[illegible]

## اسید یدیک acide iodique $io^5$

[illegible]





[illegible]



[illegible]

## یودور پتاسیم iodure de potassium $Ki$

[illegible]



[illegible]

[illegible] آهن [illegible] در شیشه [illegible] اگر [illegible] کنند [illegible]

[illegible] ترکیب [illegible] آهن [illegible] مخلوط [illegible]

[illegible] آهن [illegible]

[illegible] رنگ [illegible] آهن است [illegible] اضافه کنند [illegible]

آهن [illegible] آب [illegible] کنند [illegible] مرهم [illegible]

[illegible] مرهم [illegible] کنند [illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible] کنند [illegible] مرهم [illegible] ممزوج [illegible]

کنند و ملاقی [illegible] آهن [illegible] کنند

آب [illegible] مرهم [illegible] ۳۰۰ [illegible]

[illegible] کنند [illegible] ملاقی [illegible] آب [illegible] کنند [illegible]

[illegible]

آب [illegible] مرهم [illegible] ۳۰۰ ملاقی [illegible] کنند

[illegible] مرهم [illegible] ۳۰ آب ۳۰ [illegible] ۲۳۰ [illegible] ۳۰۰

[illegible]



[illegible] آب [illegible] کنند [illegible] ۵ [illegible] مرهم [illegible]

روغن [illegible] مرهم [illegible] ۱ آب ۱ [illegible] ۲

مرهم [illegible] آب [illegible] کنند [illegible] روغن [illegible] ممزوج [illegible] روغن [illegible]

روغن [illegible] مرهم [illegible]

[illegible] روغن [illegible]

[illegible] مرهم [illegible] ۲ [illegible] ۸ در ظرف [illegible]

[illegible] ۳ [illegible] کنند [illegible] ممزوج [illegible]

[illegible] کنند [illegible]

[illegible] ۱ مرهم [illegible] ۸ آب ۱۲ ملاقی [illegible] کنند [illegible]

[illegible]

ممزوج کنند [illegible] اضافه کنند

[illegible] ۱ مرهم [illegible] ۱ [illegible] ۲ ملاقی [illegible] کنند [illegible]

[illegible]

[illegible] ۵ [illegible] مرهم [illegible] ۳۵ [illegible] آب ۱۲۰ [illegible]

ملاقی [illegible] کنند [illegible]



[illegible]

[illegible] ۲ [illegible] مرهم [illegible] ۸ [illegible] گلاب ۳۰ [illegible]

ملاقی [illegible] کنند [illegible] کنند

روغن [illegible] ۱ مرهم [illegible] ۳ [illegible] ۲۴

ملاقی [illegible] کنند [illegible]

[illegible] مرهم [illegible]

مرهم [illegible]

مرهم [illegible] در ۱۲۳۵ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۳۰ [illegible] ۱۵ [illegible] مرهم [illegible]

مرهم [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible]

روغن مرهم [illegible] مرهم [illegible] ۲۲ [illegible] ۱۰۰ ملاقی [illegible] کنند

[illegible]

مرهم [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible] کنند [illegible]

[illegible] دارد

[illegible] کنند [illegible]

[illegible] کنند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است

روغن [illegible] مرهم [illegible] ۱۰ [illegible] ملاقی [illegible] کنند [illegible]

[illegible] iodoforme $CHI_3$

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

## لعوه‌ی گوگردی

### گوگرد

[illegible]



[illegible]



[illegible]



[illegible]

[illegible] ٥ [illegible] ٣ [illegible] ٢٠

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] صاحب [illegible] سولفوره [illegible] ... [illegible]

سولفور [illegible] تجزیه [illegible] ... [illegible]

[illegible]

سولفورهای قلیائی

[illegible] سولفور [illegible] معروف است ... [illegible]

[illegible]

[illegible] سولفور [illegible]



## حمام گوگرد خشک

گوگرد مصعد ۲ کربنات دو پتاس خشک ۳ [illegible]

[illegible]

[illegible]

در حوالی سالی دیده [illegible]

### سولفور دو پتاسیم مایع کوکش

سولفور دو پتاسیم خشک ۱ آب [illegible] [illegible]



[illegible] سولفور [illegible] آب [illegible] سولفور را [illegible]

[illegible]

[illegible] سولفور خالص است

### پرسولفور دو پتاسیم رنگکش

[illegible] ۱ پتاس الکل مایع ۳ گوگرد را [illegible]

[illegible]

شربت سولفور دو پتاسیم سولفور دو پتاسیم خشک ۲ آب ۱۰ [illegible] ۲۵

[illegible]

[illegible]

bain sulfureux

حمام گوگردی

[illegible]



[illegible] سولفور دو پتاسیم خشک در آب [illegible]

[illegible] ۲۵۰ [illegible] ۱۵۰ تا ۲۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۵۰۰ [illegible] سولفور دو پتاسیم مایع [illegible] آب [illegible]

[illegible] ۱۰ [illegible] ۵ سولفور دو پتاسیم [illegible] ۱

[illegible]

### سولفور دو سدیم sulfure de sodium

[illegible] سولفور [illegible]

[illegible] S Na  S² Na  S³ Na

[illegible] NaS + 9 aq

[illegible] سولفور [illegible] آب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]

ca s ca s ca s ca s

[illegible]



[illegible]

CS² sulfure de carbone

[illegible]

[illegible]

## در احوال فسفر

فسفر

[illegible]



[illegible]



[illegible]



[illegible]

و قسمتی که در کف [illegible] بماند [illegible] ... فسفر را [illegible] در آب ... [illegible]

[illegible] و بعد ... در آب سرد جوشیده ... [illegible]

اثر فسفر

| فسفر | [illegible] | اتر | [illegible] | [illegible] |
|---|---|---|---|---|

[illegible]

کردند



... [illegible] ... فسفر دارد

| روغن فسفری | فسفر ۱ | روغن [illegible] ۵۰ | [illegible] |
|---|---|---|---|

[illegible] ... ابتدا دقت بشیشه و از هر ... گشت

| روغن [illegible] | فسفر ۱ | روغن [illegible] ۵۰ | شیشه را ... |
|---|---|---|---|

[illegible] ... کنند

پیرون فسفر — [illegible]

[illegible]



[illegible] ... باشد

| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | از فسفر | [illegible] |
|---|---|---|---|---|---|

[illegible]

| روغن فسفری | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | ۱۲ |
|---|---|---|---|---|---|---|

[illegible]

| [illegible] فسفر | فسفر ۱ | [illegible] ۱۰ | [illegible] | [illegible] |
|---|---|---|---|---|

[illegible]

| [illegible] | فسفر ۱ | [illegible] ۲۰ | [illegible] ۲۰ | [illegible] ۱۰ | [illegible] ۱۲ | [illegible] ۲۰ |
|---|---|---|---|---|---|---|

[illegible]



آب جوش فسفر ... [illegible]

[illegible] ... بخورند

در اسید سیانیدریک

در سنه ۱۷۸۰ [illegible] ... [illegible]

[illegible]

[illegible] acide cyanhydrique

این اسید را اسید سیانیدریک acide hydrocyanique و اسید پروسیک acide prussique و [illegible] hydrogène [illegible] cyanure [illegible] ترکیب است از یک [illegible] سیانژن و یک [illegible] هیدروژن [illegible] این [illegible] در مایع [illegible] بیرون [illegible]

اسید سیانیدریک [illegible] مایع [illegible] بو [illegible] [illegible] در درجه ۱۴ [illegible] [illegible] و [illegible] و در ۲۶ درجه [illegible] ۰٫۷۰۵ است [illegible] ۰٫۹۴۲۳ است [illegible] و [illegible] آب [illegible] الکل [illegible]

[illegible] و آب [illegible] [illegible] تجزیه [illegible] [illegible] اسید [illegible] [illegible] تجزیه [illegible] سیانیدریک [illegible]

[illegible] تجزیه [illegible] معادله [illegible] ۲ [illegible] معادله [illegible]

[illegible] $az\,C^2H + [illegible] = [illegible]$

اسید سیانیدریک جهت [illegible] [illegible] [illegible] اول [illegible] استعمال کنند [illegible] استعمال آن در [illegible] عصبانی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]



[illegible] ممزوج است با آب جهت ساختن آن [illegible] معمول است

[illegible] صاحب سیانور [illegible] ۳ جوهر [illegible] ۲

سیانور [illegible] در قرع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قرع [illegible] سیانور [illegible] ممزوج [illegible] [illegible] حرارت [illegible] [illegible] اسید سیانیدریک [illegible] [illegible] جوهر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسید سیانیدریک [illegible] حرارت [illegible]

اسید سیانیدریک طبی

این اسید [illegible] جهت استعمال [illegible] با آب ممزوج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسید سیانیدریک با آب ۱ با ۸ جزو [illegible] آب [illegible]



[illegible] صاحب سیانور [illegible] ۱۸ جوهر [illegible] ۱ آب ۱۲

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیانور [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۵ یا ۶ ساعت [illegible] [illegible] حرارت [illegible] [illegible] اسید [illegible] [illegible] [illegible] معادله [illegible] معادله [illegible] [illegible] [illegible] سیانژن [illegible] معادله [illegible] تجزیه [illegible] [illegible] [illegible] سیانژن [illegible] اسید سیانیدریک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ممزوج است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسید سیانیدریک [illegible] تجزیه [illegible] [illegible] اسید فرمیک [illegible]

$$az\,C^2H + 4\,HO = azH^3 + C^2HO^3,HO$$

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صاحب [illegible]

| شربت اسید سیانیدریک | اسید سیانیدریک طبی | [illegible] | شربت [illegible] | [illegible] مثقال |
| --- | --- | --- | --- | --- |

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسید سیانیدریک با آب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اسید سیانیدریک [illegible]



[illegible] اسید سیانیدریک [illegible] شربت [illegible] [illegible] [illegible]

| [illegible] | [illegible] | [illegible] ۱۳ مثقال | شربت [illegible] | [illegible] مثقال | اسید سیانیدریک [illegible] |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

| غسول اسید سیانیدریک | اسید سیانیدریک | ۲۰ [illegible] | آب [illegible] | ۲۵۰ مثقال |
| --- | --- | --- | --- | --- |

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

| روغن اسید سیانیدریک | اسید سیانیدریک | [illegible] | [illegible] | [illegible] مثقال |
| --- | --- | --- | --- | --- |

سیانورهای فلزی cyanures métalliques

سیانورهای فلزی [illegible] [illegible] [illegible] سیانژن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیانوری [illegible] سیانژن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیانور [illegible] سیانژن [illegible] سیانورهای [illegible] سیانورهای [illegible] در آب [illegible] سیانورها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیانورها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیانژن [illegible] اسید سیانیدریک [illegible]

سیانور پتاسیوم $Cy\,K$

این نمک معروف است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیانور [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] رطوبت [illegible]

[illegible] در حال [illegible]

[illegible]

[illegible] تجربه [illegible] سماد [illegible]

[illegible] تجربه [illegible]

[illegible] تجربه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

| [illegible] | ۱۰۰ | [illegible] | ۵۰ | آب | ۲۵ |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۱۰۰ | [illegible] | ۲۰ | [illegible] | ۹ |



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



آن را سیانور [illegible]

حروف اتحاد بوده تجزیه شدن آن [illegible]

سیانور دو پتاسیم حدیدی

$fe\,cy_3 = k^2\,cy + 3\,cy$

[illegible]

نیل پروس blue de prusse

[illegible] cyanure de fer [illegible]

ferrique [illegible] cyanoferrate ferrique

cyanure double de fer hydraté [illegible] cyanure ferroso



[illegible]



[illegible]

بادام تلخ amandes amères

[illegible] rosacées [illegible] Drupacée [illegible]

[illegible] synaptase [illegible]

[illegible] amygdaline [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس از سرد شدن [illegible]

[illegible]

[illegible] benzoyle [illegible]

[illegible]



[illegible] amygdaline [illegible]

[illegible]



[illegible]

غار گیلاس laurier — cerise

[illegible] cerise [illegible]

laurier cerise [illegible] hydrolat de laurier

[illegible] eau distillée de [illegible]



[illegible]

روغن [illegible] عرق غار ۳ [illegible] ۱

[illegible]

املاح پتاس

[illegible]

کلرور پتاسیم chlorure de potassium

muriate de potasse

ou hydrochlorate chlorhydrate de potasse

sel fébrifuge de sylvius K Cl

[illegible]

[illegible]

## سولفات پتاس sulfate de potasse

[illegible] sel de duobus [illegible]

[illegible]

سولفات پتاس sulfate de potasse [illegible]

[illegible]

سولفات پتاس



[illegible]



[illegible]

## ازوتات پتاس KO, AzO5 azotate de potasse

[illegible]



[illegible]

کربنات پتاس

[illegible]

## استات پتاس — acetate de potasse

$K_2O$, A

استات پتاس دارای یک طعم تند است و مقدار الکلی موجود است که بسیار محلول در آب است [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

## طرطرات پتاس — tartrates de potasse

در طب دو طرطرات پتاس معمول است طرطرات خنثی و طرطرات اسید

## طرطرات اسید — tartrates acide

معروف است به کریم طرطر crème de tartre مرکب است از یک اکیوالان پتاس [illegible]

[illegible]

## طرطرات خنثی پتاس — tartrate neutre de potasse



A + 2 $T$ o

[illegible]

## کریم طرطر محلول — crème de tartre soluble

[illegible]

## اگزالات پتاس — oxalate de potasse



[illegible] — sel d'oseille [illegible]

## pastilles sel d'oseille

[illegible]

اقراص [illegible]

## نمک طعام — ma cl

[illegible]

شبیه به آب دریا شود در استخرهای [illegible] است شفاف [illegible] رنگ [illegible] بالطبع [illegible] در [illegible]

و صورت منعقده یافت شود در زمستان خالی از نمک را از آب دریا گرفته [illegible] آن را [illegible] کنند [illegible]

در [illegible] کنند [illegible] آن [illegible] منعقده [illegible]

[illegible] دارد و آن در [illegible] درجه حرارت است [illegible] الکحل [illegible]

[illegible] از [illegible] تجزیه [illegible] کنند

سولفات دو سود $NaO, SO^3 + 10\, aq$ sulfate de soude

این نمک معروف است به نمک گلبر sel de glauber [illegible]

[illegible] منعقد [illegible]

[illegible] آب [illegible] خارج [illegible]

حرارت صد جزو آب ۱۲ [illegible] ۳۲۳ ۵۰٫۶۵ [illegible] ۱۰۳

۵ ۶٫۲۲ [illegible] در آب ۳۲

[illegible] ۳۲ [illegible]

[illegible]

این نمک را [illegible] ) آب [illegible]

سولفات دو سود منعقد ۳۲ [illegible] نوره [illegible] [illegible] [illegible] آب [illegible]

[illegible]



[illegible] است [illegible]

نمک [illegible] سولفات دو سود [illegible] ۳۲ [illegible] نوره ۲ [illegible] [illegible]

[illegible] کنند و در آب [illegible] سهولت [illegible]

فسفات دو سود phosphate de soude

$2\, NaO, HO + PhO^5 + 24\, aq$

[illegible] منعقد شود در [illegible] حرارت [illegible]

چهار برابر وزن خود آب [illegible] درجه [illegible] وزن خود آب [illegible] در [illegible] است [illegible]

[illegible] سهولت [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲ [illegible] ۹ آب ۳۶ [illegible]

[illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible] کنند [illegible] آب [illegible] کنند [illegible]

خارج شود [illegible]

[illegible] فسفات دو سود [illegible]



[illegible] ۵ [illegible] منعقد شود [illegible] کنند فسفات [illegible]

[illegible] آب [illegible] حرارت [illegible] فسفات [illegible]

[illegible] فسفات [illegible]

غیر مستعمل است [illegible] از آن [illegible]

بوره $NaO, 2\, BO^3 + 10\, aq$ borax

بوره منعقده در صد جزو ۱۰٫۴۷ آب دارد [illegible]

[illegible] درجه حرارت صد جزو ۳ ۸٫۲ بوره [illegible] درجه حرارت ۱۰۲ [illegible] بوره [illegible]

بوره را [illegible]

[illegible] ۱۲ ½ [illegible] و [illegible] در [illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible]

[illegible] آن [illegible] است

[illegible] آن بوره [illegible] ۸ [illegible] [illegible] ۲۵۰ [illegible]

[illegible] ۲ [illegible] [illegible] آن بوره [illegible] [illegible] ۲ ۳ [illegible]

[illegible] آن بوره [illegible] کنند [illegible]

[illegible]



[illegible] آن بوره [illegible] آب ۱۰۰ [illegible] [illegible] کنند [illegible]

[illegible]

[illegible] بوره ۱ [illegible] ۸ [illegible] کنند

غیر مستعمل است [illegible]

نترات دو سود $NaO, AzO^5$ de soude

این نمک را [illegible] مکعب [illegible]

صد جزو آب ۲۳ جزو از آن [illegible] ۵۰٫۸ ۱۲ جزو در [illegible]

[illegible] است [illegible]

استات دو سود $NaO, \bar{A}$ acétate de soude

[illegible] منعقده شود در حرارت [illegible]

در سه برابر وزن خود آب حل شود [illegible] در [illegible] است در [illegible]

[illegible] کنند [illegible] سهولت است

[illegible] کنند [illegible] منعقده شود

غیر مستعمل است [illegible] است

ترترات دو سود $2\, NaO, \bar{T} + 2\, aq$ tartrate de soude

این نمک تازه در ظرف جهت سهل حل شده در صد جزء [illegible] جزء آب [illegible] دارد و در [illegible]

است سرد می‌شود و در انگلیس تقریباً بمقدار [illegible] است

جهت ساختن آن محلول غلیظ نمک قلیا را با جوهر طرطر اشباع کنند [illegible] حرارت [illegible]

[illegible] قدر [illegible] + ۰ [illegible] است [illegible] از [illegible] کنند [illegible]

و [illegible] این نمک در [illegible] طرطرات [illegible]

بیکربنات دو سود ۲۵ گرم جوهر طرطر ۲۵ گرم آب ۵۰۰ گرم [illegible] ۵۰ گرم

[illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] بیکربنات دو سود

[illegible]

طرطرات [illegible] tartrate de pot. et de [illegible]

$KO, NaO, T + aq$

این نمک [illegible] است در صد جزء ۳۰ جزء آب [illegible] دارد [illegible] رنگ [illegible]

[illegible] قطع شده [illegible]

[illegible] tombeaux [illegible]

در [illegible] sel de seignette [illegible]

[illegible] از ۳۰ تا ۶۰ گرم [illegible]

rhomboïdaux [illegible]

[illegible]



طرز ساختن آن طرطر [illegible] نمک قلیا ۳ آب ۲۲ [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] $3 NaO, \bar{C} + 11 aq$ citrate de soude

این نمک [illegible]

[illegible]

[illegible] ۸، ۲ جزء [illegible]

جهت ساختن آن محلول غلیظ نمک قلیا را با جوهر [illegible] اشباع کنند

املاح بریت

[illegible]

[illegible]

کلرور دو بریت $Ba Cl$ + chlorure de baryum

این نمک در صد جزء ۲، ۷۵ [illegible] دارد [illegible]

صد جزء آب در صفر درجه حرارت ۴۳، ۵۰ و در ۱۰۵ + ۵۹، ۵۹ [illegible]

در [illegible]



[illegible]

جهت ساختن آن [illegible]

حرارت تجزیه نمایند

املاح آهک

این املاح [illegible]

[illegible]

[illegible]

کلرور دو کالسیوم $Ca\,Cl$ chlorure de calcium

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جهت ساختن آن [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] $CaO, SO^3 + 2 aq$ sulfate de chaux

[illegible]

[illegible]

فسفات [illegible] $3 CaO, PhO^5$ phosphate de chaux

[illegible]

[illegible] ۵۵، ۵۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و همچنین املاح سفید را در ... جوشانیده و در ... ظرف مخصوص ... به ... انداز ... که در
عمل ... کرده ... همچنان ... نمایند و ... و ... دهد ...
نمک ... صدمه ... همچنین ... همچنان ... کرده و ... مگر ...
وزن ... از ... باشد ... کرده ... قسمت ... غلظت ... اگر ...
آب ... عمل ... که ... در ... روز ... در آب ... و ...
نمک ۱۲ جزو نمک ... را در ... جوش ... کرده ... قسمت ... در ...
... را ... کرده ... کرده ... اگر ... کنند ...
... قسمت ... تمام ... شده ... قلیائیت ... تقطیر ... نمود ...
... او ... شود ... که ... ملاحظه ... نمایند

مقدمه دیگر ... ۱۳ ... ۱۲ ... 
کنند ... کرده کنند ... در ... حاصل شود

استات دو شو $CaO, \bar{A}$ acetate de chaux

استات دو شو ... سفید ... حل ... شود در آب ... و در ...
... مانند ... و ... نه ... استعمال کنند ... در ...
جهت ساختن آن ... را با ... جوشانیده ... صاف ... شود ... منعقد شود



## املاح ... 

شناختن املاح ... بسیار ... است ... و ... قلیائیات ... قلیائیات ... موجود
... شود ... معروف جمع کرده است

سولفات دامونیاک $AzH^4O, SO^3 + aq$ sulfate d'ammoniaque

کاملاً سفید ... متبلور ... منعقد شود ... شود ... که ... نصف آب
... خارج شود ... در آب ... درجه ... حل شود ...
... در ... غیر معمول است ... مورد استعمال ... در طب کم است ...
... مانند ... استعمال کنند ... که ... از ... دارد ... در تجربه ... کربنات
دامونیاک ... است ... با امونیاک ... کربنات دامونیاک ...
... در ظرف ... حاصل شود

ازتات دامونیاک $AzH^4O, AzO^5$ azotate d'ammoniaque

کاملاً سفید ... منعقد شود ... ساختن ... ازتات دامونیاک ...
... nitre inflammable ... 
... درجه ... گرم ... شود
جهت ساختن آن ... ازت ... با امونیاک ... کربنات دامونیاک ... کنند ...



در سطح ... شود ... منعقد شود ... امونیاک ... در ... شود

استات دامونیاک $AzH^4O, \bar{A} + aq$ acetate d'ammoniaque

... سفید ... منعقد شود ... در آب ... است ...
... در طب ... است ... است ... معروف است ...

... esprit de mindererus ... جهت ساختن آن ...
... کربنات دامونیاک ... کرده ... کربنات دامونیاک ...
قلیائیت ... کنند ... استات دامونیاک ...
... امونیاک ... درجه ...
... منعقد ... است ...
... کنند

کلریدرات دامونیاک chlorhydrate d'ammoniaque

... $AzH^3, HCl$

کاملاً سفید ... منعقد شود ... 
... در ۲ ... آب ... شود ... وزن ...
... شود ... است ... است ...



... است ... است ... 
... خارج ... استعمال کنند ... 
... است ... استعمال ... 
... در ظرف ... نخشانند
... قلیائیات ... 

## املاح ...

تمام املاح ... کربنات ... 
... امونیاک ... 

کلرور ... $MgCl + 6aq$ chlorure de magnésie

... آب دارد ... آب ... کاملاً سفید ...
... منعقد شود ... در ۶۰ ... آب سرد ...
... است ...
جهت ساختن آن ... کنند ... است

سولفات ... sulfate de magnésie

... $MgO, SO^3 + 7aq$

منقطه این یک درصد جزو ۱۵ جزو آب دارد و کاربنات مغنیه با و طبی [illegible] ربع منقطه نمود [illegible]

اگر و ۱ غالباً کلمای ورزی این حالت را ه زیر دو ام قدر گرددم مغنزی chloruré de magnésium

معلوم است و ان علاف الطرامت در آب بخوبی محلول است سرعت قوه شربت آن در ۸ تا ۱۰ گرام است

و لهای بانجاه گرم نیز استعمال کنند ماخذه آن در بازار موجود است

عیرمستحب است و ان قیلیات و کربنات انها قسمت تای صحیح و املاح و دارای ازی باشند و رفات [illegible]

سیتراتِ مغنزی citrate de magnésie

$3\,mgo, \overline{ci} + 11\,aq$

کاربنات مغنیه لیبار کم کم در آب سرد لیبار کم می شود که از آن آب کم کنند تبدیل شود به سیترات [illegible] کرده

بسیترات برنگ مغزی در آب شود لکن در دکان مانند معهودت لیبار محلول است غالباً قدری و جو هری [illegible]

ان کنند و مخلوطی قدره صحیح بیارند لیبار کرده را به در ظرفی تا ۵۰ گرم سیترات استعمال کرد و آثار کردن آن زیاد

بجهت آن آمیزه یک در طبیعت مشابه بینه رفات مغنزی رقوی بهای دارد و سیترات مغنزی رت بهای استعمال کنند

معدد عوارد آن بطور افشره است و جدول تنقیح آن مطابق این قرار است

| افشره | ۱۰ گرم | ۲۰ گرم | ۳۰ گرم | ۴۰ گرم | ۵۰ گرم | ۶۰ گرم |
|---|---|---|---|---|---|---|
| جوهر لیمو | ۶٫۵ | ۱۳ | ۱۹٫۵ | ۲۶ | ۳۲٫۵ | ۳۹ |
| مغنزی تکلیس | ۱٫۸۵ | ۳٫۷ | ۵٫۵۵ | ۷٫۴ | ۹٫۳ | ۱۱٫۱ |

با مغنزی نغیه



| مغنزی نغیه | ۴٫۱ | ۸٫۲ | ۱۲٫۳ | ۱۶٫۴ | ۲۰٫۵ | ۲۴٫۶ |
|---|---|---|---|---|---|---|

کاهی اتفاق می افتد که دو نه کاربونات مغنزیم ممزوج با مغنزی است سبب کرامت طعم شود لذا باید صبح [illegible]

و با سیترات مغنزی مغنیه قسم افشره ها را زودتر معمول تر شیر انها این است

افشره تازه limonade simple

سیترات مغنزی ۵۰ مثقال مغنزی تکلیس ۴ گرم جوهر لیمو ۳۲ گرم آب ۳۰۰ گرم

شربت لیمو ۶۰ گرم بجای مغنزی تکلیس می توان مغنزی نغیه استعمال کرد ۲ دقیقه در آن افزود البته بشیشه محکم است

و پیش از ذوق توان او را ترکیب کرد زیرا ام این در ظرف دور نگهداشته شود

افشره منجوش سیترات مغنزی limonad gazeuse

مغنزی تکلیس ۱۳۰ گرم با مغنزی نغیه ۲٫۵ مثقال جوهر لیمو ۵ مثقال

مغنزی نغیه خالص نخود شربت لیمو ۱۰ مثقال آب بمقدار کافی

املاح الومین

مطلق املاح الومین طعم عفص و ترش دارند و باین جهت در انها حجمی و نه در سیورت [illegible]

[illegible] حملی شود تولوزهای قلیایه در انها رسوب سفیدی و نه که از زیادتی تولوز بصاعقه کرده واز [illegible]

ممیزه انها است و با حرارت و تیز شده قدرت کربنات آبی خوشرنگ شود

زاج سفید sulfate d'alumine et de potasse



$Ko, so^3, al_2o^3{}^{3} + 4\,aq$

کاربنات برنگ سفید و طعم عفص رنگ آبی نباتات را قرمز کند متبلور با نه ضلع منقطه شود دانسیته آب [illegible]

سطح آن از کامل شفاف نشود در آب سرد ربع آن خارج شود در آب جوش [illegible] منقطه [illegible]

۲۰ در ۵ آب دارد و نسبت بهای بزرگی زیبای بروفات [illegible] دارد به تیترات [illegible]

این مع [illegible] برگرد با زاج در طب مانند قابضات معروف است در حیاتی آن جهت رفع مو یا بولنی رفع [illegible]

و در زرقی جوش و درد بصورت پاشیدن و جهت سطحی جنانکه خوابانند و در خارج نیز مانند قابضات و [illegible]

خانه اتکلیف قطره رد غرغره و تنقیه استعمال کنند قدر شربت آن لیبار مختلف است و دیابت [illegible]

مخصوص [illegible] دارد و در هم عفار از آن انوع کنند و زاج کلیس آن معمول است

حب الوبیوش pilules alunées d'helvétius

زاج سفید ۲ خون سیاوشان ۱ عسل مصفی بمقدار کافی حب [illegible]

غرغره قابضه گل سرخ ۸ گرم آب جوش ۲۵۰ گرم عسل مصفی ۳۲ گرم زاج سفید ۱ گرم

لعاب گل را در آب دم کنند و صاف از پارچه صاف نموده عسل را بآن اضافه کنند

منقطه زاج زاج سفید ۲ سفیده ۲۰ سطح تخم مرغ حل کنند و در ان طاقه متوسط کرده [illegible]

غرغره مرتبه دیگر زاج ۸ آب ۱۲۵

سطحی تخم مرغ کنند صحبت رفع [illegible] سبب [illegible]

فطورزاج



قطور زاج زاج منقطه وزن ۳۰ گرم گلاب ۲۵ مثقال

سطحی تخم مرغ حل کنند و رفع آن بر آن چشم استعمال کنند

خمیر دود و زاج بمقدار مطلوب از خمیر کلیس دار بمقدار کافی

خمیر سازند و دو نماز آن کنند و در جای ضرورت با ضمه تهیه کنند

زاج کلیس

قالب در زنه ۳۰۰ تا ۵۰۰ گرم زاج نم کرده را در ظرف سفالی ریزند و بگذارند و در روی [illegible]

و [illegible] را در پیکره کوره گذارده و اطراف آن را آتش کنند و آتش را کم کم زیاد سازند و زاج [illegible]

شده و در آب تبخیر شود و آب تبلور در کار شود و بسته اجزای آن بجهت تصاعد تخم را [illegible]

و قدری از آن در ظرف خارج شود و قدری در سطح کار باقی ماند [illegible] رسیده [illegible]

مانده باشند چرا آب تبلور جزئی خارج شود از زاج و حرارت در اول درجه تحمل می شود [illegible]

بعضی از رفات و الومین و هرگاه کار زیاد شود و [illegible] حرارت [illegible]

[illegible] و هرگاه تصاعد شود رنگ خودی در باقی و الومین و بقایای زاج را که بخوبی تکلیس کنند و در آب [illegible]

چنانچه در اول [illegible] جدول فاید [illegible] سفارش سرد تمام آن حل شود این حال [illegible]

حالت از زیری مخصوص است و کشف آن [illegible] املاح الومین را غالباً [illegible] جراحات

استعمال کنند و بجهت معروف جامع کامل و آن عارضه در [illegible] بروفات و الومین [illegible]

و صد گرم گرد و ساییده شده و سه قیراط بی‌کربنات سود [illegible] و کمی [illegible] و یک قیراط [illegible] از آن دو روز
و در جای خشک در ظرف [illegible] حیوانات [illegible] نباتات دارد و [illegible] حفظ [illegible] بطور [illegible]
کشند [illegible] و صد گرم [illegible] یک قیراط [illegible] باشند و در [illegible]

ادویهٔ حدیدی

اکنون آنکه از فلزات در طب استعمال شده و از آنجمله آهن [illegible] در هر صورت [illegible]
آهن [illegible] در مرض [illegible] نقصان [illegible] خون است [illegible]
[illegible] استعمال است اکنون [illegible] ترکیبات آن در طب [illegible]
در جدول ذیل آهن فلزی [illegible] و در آن ترکیبات مقدار آهن [illegible] در صد ذیل است

| | |
|---|---|
| آهن فلزی | ۱۰۰ |
| اکسید سیاه | ۷۲ |
| پراکسید آهن | ۶۹ |
| سولفور آهن | ۶۲ |
| سیترات آهن | ۵۶ |
| کربنات پروت اکسید آهن | ۵۶ |
| پروت کلرور آهن | ۴۳ |

با افزوده



| | |
|---|---|
| پیروفسفات آهن | ۳۵ |
| لاکتات آهن | ۳۷ |
| پرکلرور آهن | ۳۴ |
| سولفات پراکسید آهن | ۲۸ |
| پرکلرور آهن متبلور | ۲۶ |
| طرطرات آهن | ۲۵ |
| سیترات آهن | ۲۲ |
| طرطرات آهن و پتاس | ۲۱ |
| [illegible] آهن | ۲۰ |
| سولفات پروت اکسید آهن | ۲۰ |
| یدور آهن | ۱۸ |
| تانات آهن | ۱۶ |
| کلرور آهن و آمونیاک | ۱۲ |
| سیترات آهن و آمونیاک | ۱۲ |

آهن فلزی *fer metallique*



آهن فلزی [illegible] بصورت [illegible] نقره است و [illegible] رنگ است و [illegible]
آن در [illegible] تا [illegible] است [illegible] است [illegible] درجه [illegible]
[illegible] است [illegible] درجه [illegible] مقناطیس است در هوای مرطوب [illegible]
و حرارت [illegible] است [illegible] حرارت [illegible] بخار آب [illegible]
آن [illegible] است آهن [illegible] هرگز خالص نیست [illegible] دارد [illegible]
[illegible] و خواص طبی آن [illegible] آهن [illegible] و چون [illegible] براده آهن [illegible]
و از [illegible] براده [illegible]
آهن [illegible] مقناطیس [illegible] حل نمیشود [illegible] شده است

براده آهن [illegible] مقناطیس [illegible] آهن

خورده [illegible] آهن فلزی [illegible] است [illegible]
[illegible] آهن فلزی [illegible]
[illegible] در ظرف [illegible] و در ظرف [illegible] حفظ کنند
[illegible] در مجاورت هوای مرطوب [illegible] براده آهن [illegible]
[illegible] آهن [illegible] کنند

آهن تیزاب زده *fer réduit par l'hydrogène*

جوهر



[illegible] آهن [illegible] حرارت است
[illegible] آهن [illegible] حرارت [illegible] آهن [illegible]
[illegible] حرارت [illegible] آهن [illegible]
[illegible] در ظرف [illegible]
[illegible] بهتر است [illegible]
[illegible] آهن [illegible]
و در ظرف [illegible] در ظرف آهن [illegible] و در آن شیشه [illegible]
[illegible] شیشه [illegible]
[illegible]
[illegible] و در آن [illegible]
[illegible]
[illegible] ظرف [illegible]
[illegible] ظرف آهن [illegible]
[illegible]
[illegible] حرارت [illegible] آهن [illegible]

و بهتر آنست که قدری از حرارت دادن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در قیمت [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]

شمع [illegible]

[illegible]

زعفران [illegible]

[illegible]



[illegible]

و خیلی زود قرار او اساز ... همیشه حاضر و شسته ... تجربه ... کالای شیشه‌ای را داری کنند از ادم ... تجزیه

یا ذخیره بسازان این ترکیبات بعد از روز نصف حرارت ... داده شعله شود در ... حالا آن

با سم فار ... این ... [illegible] ... صاحب ... کم است ...

وارد جون این ... حاضر ... بسیار مستعمل است در صنعت ... که ... شده است در ...

سم فار موجود است ... سم فار ... اعراض ...

هر که ... سم فار را ... کنند

زعفران المریخ

زاج سبز را در آب ... حل کنند و در ظرف دیگر ... قلیایی ... ۱۲ جزء زاج ۲۰ جزء

... در ظرف بزرگ ... آب ... اضافه کنند ...

... که ... خوب ... آب ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... زاج ... [illegible] ...

... خارج شود ... [illegible] ...

... زعفران المریخ ... [illegible] ...

... زعفران المریخ ... [illegible] ...



در ... زاج ... [illegible] ...

صاحب — در تجربه زعفران المریخ ... [illegible] ...

... زعفران المریخ ... ممزوج ... [illegible]

... زعفران المریخ ... [illegible] ...

... ممزوج ... زعفران ... [illegible] ...

... زعفران المریخ ... زعفران المریخ قابض ... [illegible]

... [illegible] ...

poudre cachectique (hartmann)

... مرکب ...

زعفران المریخ ۱ دارچینی محرق ۲ قند ۵ ... کنند

حب ... fer + fe ... ethiops martial

... [illegible] ...

زعفران المریخ ۸ ... ۳ ... ممزوج کنند ... [illegible]

... حرارت ... درجه حرارت ... [illegible]

... [illegible] ...



... [illegible] ...

... تجربه ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... oxyde de fer noir ...

... oxyde ferroso-ferrique ...

... [illegible] ...

حب آهن ... [illegible] ...

pastilles éthiopique

... آهن ۴ دارچینی محرق ۱ قند ۲۰ ... [illegible]

... [illegible] ... دارد

... آهن ... آهن ۶ ... ۴ ... [illegible]

... حرارت ... حرارت ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...



... [illegible] ... کنند

... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... حرارت ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

و ممکن است ... [illegible]

[illegible]



[illegible]

کلورورهای آهن

[illegible] ... hoffmann ... [illegible]



[illegible]

پرت کلورور ...

[illegible]



پکلورور ...

[illegible]

پکلورور ...

[illegible]

و بعد از چهار روز ... که پس از خشک شدن این ماده کلر را از کار اسید ... متصاعد شود ...

و جوهر نمک بقدر کفایت ... بر آن جوهر افزوده ... خشک نمایند

قطعه ... در یک لوله شیشه گرفته ... آب درکوره ... طول آن ... کوره است

قدری ... آهن را ... در آن ... آهن است ... در ... لوله ... واقع در کوره است ... حرارت

... حرارت ... [illegible] ... لوله ... اول ... [illegible]

... بقدر ... [illegible] ... حرارت ...

... در ... لوله ... جمع ... [illegible] ... اول است

پرکلرور دو فر نفعه

این کلرور ... [illegible] ... ۲ ... ۳ ... [illegible] ... هرگاه ... دارد

... [illegible] ...

... [illegible] ... آن ... بقدر ... [illegible] ... درجه ... [illegible]

... [illegible] ... غلظت ... کفایت ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... حرارت ... [illegible] ...

... [illegible] ... آن ... [illegible]





... [illegible] ... کلرور ... [illegible] ...

... کلرور ... [illegible] ...

... [illegible] ...

۲۸ ، کلرور ... [illegible] ... کلرور خشک

تنقیص پرکلرور فر     پرکلرور دو فر نفعه ۱۲     الکل ۸۰

... [illegible] ... پرکلرور ... [illegible] ...

در جوهر نمک ... [illegible] ... تنقیص ... [illegible] ...

... [illegible] ...

در جمره ... [illegible]

تنقیص ... [illegible]

پرکلرور دو فر نفعه ۱۶     ... [illegible] ... ۸۴     ... [illegible]

کلرور فر ... [illegible]

این ... [illegible] ...

... [illegible] ... کلرور ... خشک ۱ ... ۳ جزء ... [illegible]

... [illegible] ... خشک ... [illegible] ... حفظ کنند



سولفات آهن     sulfate de fer

معمول ... سولفات ... سولفات ... fe o, so3 ... [illegible]

fe o, so3 ...

سولفات ... sulfate de protoxyde de fer

زاج سبز ... fe o, so3 + 7 aq

... [illegible] ...

... [illegible] ... حرارت

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... زاج سبز ... [illegible] ...

... [illegible] ... حرارت

... [illegible] ... حرارت ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... سولفات ... [illegible] ...

زاج ... سبز ... [illegible] ... دارد



... [illegible] ...

... [illegible] ...

حرارت ... زاج ... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible] ...

... زاج سبز ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... سولفات ... [illegible]

... سولفات ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... cachou ... [illegible]

... [illegible]

شربت ...     sirop de [illegible]

زاج سبز    ...    آب ...    شربت ...    ...

زاج ... حرارت ... [illegible] ... شربت ... [illegible]

در این باب اختلاف عقیده دارند و غالب مؤلفین نمک آهن را انکار کنند

## سولفات دو پروتکسید دو فر

مرکب است از یک معادله پروتکسید و نیز سه معادله اسید و هفت معادله آب محلول است در آب [illegible] و نمک سبز رنگی است مجاورت با آب سرد مانند زاج سفید متبلور کند لیکن در اول مرحله متبلور شدن زاج و بعد زنگ [illegible] رنگی ما به زرد مایل از خواص آن آنچه در [illegible] زیرا در علاج بیماریها استعمال کرده

چه به اتفاق آن میزان علاج [illegible] معدنی معروف به ماقیت را مجاور هوا [illegible] نابید و [illegible] [illegible] تجویز نکنند زیرا هم [illegible] هر [illegible] مستعمل شود [illegible] سولفات [illegible] [illegible] زاج سبز [illegible]

شربت سولفات دو فر

سفیدۀ تخم مرغ ۱۱ آب ۱۱۰ [illegible] [illegible] [illegible]

کنند و [illegible] از آن [illegible] کنند [illegible] ۵۵ [illegible] [illegible]

پاتاس [illegible] ۹ آب ۵۵ [illegible] ۷۶۶ [illegible] [illegible]

حالت آهن در این شربت [illegible] است در هر حالت [illegible] [illegible] [illegible] آهن در این شربت [illegible]

که هم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که در [illegible] [illegible] آهن دارد

## فسفات دو فر — phosphate de fer

فسفات آهن را در طب [illegible] [illegible] فسفات [illegible] [illegible] [illegible] و پیروفسفات دو فر

[illegible]



## فسفات [illegible] آهن — fero-pho[5] phosphate de fer

کاملاً [illegible] در آب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] زاج [illegible] ۱۲ [illegible] vanille ۱۸۰ [illegible] [illegible]

آهن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۵ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] آن ۲۵ ، ۵ [illegible] است

شربت [illegible] فسفات دو فر

زاج [illegible] ۱۰ [illegible] ۴۰ [illegible] ۱۵ آب ۳۸۰ قند ۶۲۵

اول زاج را در [illegible] آب [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] آب [illegible] را در [illegible] [illegible] [illegible] فسفات [illegible]

در تتمۀ آب [illegible] [illegible] مخلوط کنند

## پیروفسفات دو فر — pyrophosphate de fer

$2Fe^2O^3, 3PhO^5$

[illegible] از فسفات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فسفات [illegible] [illegible] [illegible]

آن [illegible] پیروفسفات [illegible] زاج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شربت پیروفسفات دو فر

زاج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]



[illegible] زاج [illegible] [illegible] ۱۷ [illegible] ۱۲ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پیروفسفات [illegible]

[illegible] [illegible] ۲۲۰ [illegible] ۲۰ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۸ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

## کربنات دو فر

$FeO, CO^2$

کربنات پروتکسید آهن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در آب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کربنات پروتکسید دو فر

کربنات دو فر در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کربنات دو فر [illegible] [illegible] آهن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ترجیح دارد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آهن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آهن آن [illegible] کربنات [illegible] [illegible]

سفوف [illegible] زاج [illegible] [illegible] قند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]





[illegible] [illegible] [illegible] ۱۰ [illegible] قند ۳۰ [illegible] [illegible] ۲ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کربنات دو فر [illegible]

سفوف [illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible] ۲۲ قند [illegible] ۵۲ زاج [illegible] ۱

زاج را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۵ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آهن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ۵ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

## حب پروتوکربنات — pilules de carbonate ferreux

(formule de vallet)

زاج [illegible] ۵ [illegible] ۵ [illegible] ۳ [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] زاج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

pilules ferrugineuses (Blaud) — حب [illegible]

زاج سبز خالص [illegible] — کربنات پتاس [illegible] — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



ioduré de fer — یدور دو فر

[illegible] ۸۲ ... ۱۸ [illegible]

[illegible]

[illegible] زاج سبز است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

شربت یدور دو فر — [illegible] ۱ — شربت صمغ ۱۱ — شربت [illegible] ۲

[illegible] یدور دو فر دارد

حب یدور دو فر — یدور پتاسیم [illegible] — زاج سبز [illegible] — [illegible]

[illegible]

[illegible]

pilules d'iodure de fer (blancard) — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یدور دو فر [illegible]

[illegible]



[illegible] یدور دو فر [illegible]

شراب یدور دو فر — زاج سبز ۲۷ — یدور پتاسیم ۲۶ — شراب [illegible] ۱۰۰

[illegible]

[illegible] یدور دو فر — زاج سبز [illegible] ۱۱ — یدور پتاسیم ۹ — [illegible]

[illegible]

روغن یدور دو فر — یدور دو فر ۱ — آب ۱ — روغن [illegible] ۷

[illegible]

[illegible] یدور دو فر — یدور دو فر [illegible] — آب [illegible]

[illegible]

[illegible] یدور دو فر [illegible]

tartrates de fer — طرطرات دو فر

tartrate de protoxyde de fer

tartrate de peroxyde de fer

[illegible] طرطرات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

tartrate de fer et de potasse

طرطرات [illegible] آهن [illegible] T [illegible] در صد جزو آن ۲۰ جزو [illegible] آهن [illegible] ۲۰۵ جزو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جهت ساختن آن بگیرند طرطیر [illegible] ۱ [illegible] ۴ [illegible]

[illegible] ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

رفع [illegible]

ci. tartrates de fer et de potasse — [illegible] طرطرات [illegible] آهن

طرطرات آهن [illegible] ۱ آب ۵

[illegible]

sirop tartrate de fer et de potasse — شربت آن

طرطرات آهن [illegible]



طرطرات [illegible] ۲ [illegible] ۴ [illegible] ۹۶

[illegible]

pastilles de tart. ferrico-potassique — [illegible] آن

طرطرات [illegible] ۱ [illegible] ۱۶ [illegible]

[illegible] ۵ [illegible]

pilules de tartrate ferrico-potassique — حب آن

طرطرات [illegible]

[illegible]

[illegible]

طرطیر [illegible] براده آهن ۱ طرطیر ۴ آب ۲۰

[illegible]

[illegible]

teinture de mars tartarisée — [illegible]

براده آهن ۲ طرطیر [illegible] ۵ [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

extraits de mars — [illegible]

[illegible]

tartre martial soluble — [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۴ [illegible]

citrate de fer — [illegible]

[illegible]

citrate de fer — [illegible]

[illegible] در صد جزو آن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲

citrate de fer et d'ammoniaque — [illegible]

[illegible]



[illegible]

جهت ساختن آن بگیرند آب [illegible] ۱۰ [illegible] ۵ [illegible] ۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

fe o, l, 5 aq lactate de fer — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جهت ساختن آن [illegible]

[illegible]

[illegible] زاج سبز خالص [illegible] [illegible]

[illegible] زاج سبز خالص سفید ۹۰۰ آب ۲۰۰۰ گالات [illegible] ۱۰۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قرص گالات آهن *mars*

گالات آهن ۱ قند ۲، [illegible] [illegible] [illegible]

مالات آهن *malate de fer*

براده آهن ۱ [illegible] ۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

استات آهن *acétate de fer* $FeO, A$



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰۰

[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| بلعک استات آهن | استات آهن خشک | ۱ | [illegible] | ۷ | |
| نسخه دیگر | استات آهن [illegible] | ۱ | [illegible] | ۵ | |
| شراب استات آهن | استات آهن [illegible] | ۱ | [illegible] | شراب سفید | [illegible] |
| نسخه دیگر | استات آهن [illegible] | [illegible] | | شراب سفید | [illegible] |
| سرکه [illegible] | براده آهن | ۱ | سرکه سفید | ۱۲ | |

[illegible]

[illegible]

[illegible]



تنتور کلاپروت *teinture de Klaproth*

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تانات آهن *tannate de fer* [illegible]

[illegible]

[illegible]

مرکب *encre*

[illegible]

[illegible]

مازو ۳ زاج سبز سفید ۱ صمغ عربی ۱ آب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



مرکب آبی *encre bleue*

نیل [illegible] ۱۰ [illegible] ۲۰ [illegible]

صمغ عربی [illegible] ۲۵ آب ۱۰۰۰

[illegible]

[illegible]

مرکب قرمز *encre rouge*

چوب برزیل ۳ [illegible] ۸ [illegible]

[illegible] زاج [illegible] ۲ صمغ عربی ۱ قند ۱ [illegible]

مرکب زرد *encre jaune*

[illegible] *graine d'Avignon* ۲۰ آب ۱۲۰ [illegible]

[illegible]

مرکب سبز *encre verte*

[illegible] ۱ [illegible] ۵ آب [illegible]

مرکب [illegible] *encre*

[illegible] ۲ نوشادر ۲ آب ۳۰ [illegible] ۱

[illegible]

manganèse

[illegible]

کربنات منگنز carbonate de ma. $MnO, CO^2$

[illegible]



[illegible]

کلرور منگانز mn cl chlorure de manganèse

[illegible]

سولفات منگنز $MnO, SO^3$ aq sulfate de manganèse

[illegible]

یدور منگنز mn i iodure de manganèse

[illegible]



[illegible]

شربت یدور منگنز sirop iodure de manganèse

[illegible]

zinc

[illegible]



[illegible]

zno oxyde de zinc

[illegible]

درجهٔ فوقانی زیادی لازم نیست که [illegible] و در اول مرتبه [illegible] صورت در نقطهٔ [illegible] که آن را [illegible]
[illegible] دست در [illegible] و [illegible] جات [illegible] را در ظرف [illegible] روزی که [illegible] نکند [illegible] در [illegible] نصب کنند
[illegible] آن [illegible]

جنبهٔ روی [illegible] به تدریج [illegible] از [illegible] اکسید روی [illegible]
[illegible] که [illegible] را [illegible]

[illegible] ده جزو [illegible] دوازده [illegible] ۳ جزو آب [illegible]
[illegible] زنک [illegible]
[illegible] در [illegible] دوازده جزو [illegible]
[illegible] کنند [illegible]
[illegible] کلوروری [illegible] حرارت [illegible]
[illegible] حرارت [illegible]
[illegible] حرارت [illegible] حرارت [illegible]
استعمال کرد

کلورور روی ذائبه





فتیله ۶، جنبهٔ روی ۱ ملایم بهم ممزوج کنند [illegible] صاحب اثر [illegible]
[illegible] در [illegible] از [illegible]
[illegible]

روغن جنبهٔ روی pommade d'oxyde de zinc

کرهٔ تازهٔ بی نمک ۳۰ جنبهٔ روی ۱ تا ۳ ملایم بهم مخلوط کنند [illegible]
روغن دیگر جنبهٔ روی ۱ مرهم [illegible] ۲ کرهٔ بادام شسته ۲ ملایم بهم [illegible] کنند در [illegible] چشم [illegible]
روغن [illegible] ۱۵ جنبهٔ روی ۱ [illegible] ۱ ملایم بهم [illegible] کنند [illegible]

کلورور زنک ge cl chlorure de zinc

[illegible] حرارت [illegible] در آب [illegible]
[illegible] کنند [illegible] صاحب اثر [illegible]
[illegible]
[illegible] درجه [illegible]
[illegible] ۵ [illegible]

[illegible] آن [illegible]
[illegible] در آب [illegible]



[illegible] کلورور زنک [illegible]

خمیر دکتر کان کوان (نمرهٔ اول) pâte canquoin

کلورور زنک ۱ آرد ۲ (نمرهٔ دوم) کلورور زنک ۱ آرد ۳

(نمرهٔ سیم) کلورور زنک ۱ آرد ۴ (نمرهٔ چهارم) کلورور زنک ۱ آرد ۵

کلورور زنک [illegible] ممزوج [illegible] کنند [illegible]
[illegible]
[illegible] کنند [illegible]
[illegible]

خمیر جوهر [illegible] pâte antimoniale

کلورور [illegible] ۱ کلورور زنک ۲ آرد ۵ ملایم بهم مخلوط کنند [illegible]

[illegible] ethérole de chlorure de zinc

[illegible] ۹ ۲ ۳۳ آب [illegible]
[illegible] ۱۲۰ [illegible] ۱۴۰ درجه حرارت [illegible]
[illegible] آب [illegible]
[illegible] حرارت ۱۱ [illegible] ۲ حرارت ۱۲۱ [illegible] ۲





[illegible] کلورور زنک [illegible] در [illegible]
[illegible] ۱۰ یا ۱۲ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در آب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ۲۰۰ جزو [illegible] ۵۰۰ جزو آب ۲۵۰
جزو [illegible] کرد

[illegible]

قطور چشم collyre avec le sulfate de zinc

collyre astringent

[illegible] زنک [illegible] گلاب [illegible] ملایم بهم حل کنند [illegible]
[illegible] زنک [illegible] ۲۰ گلاب ۱۵۰ [illegible] ۲۰

ملاقی سمعانی مذکر کنند نقی از [illegible] بولفات فرزنک سولفات مولیبدن و دو فرنگ حبه $4 + 5 ...$

میاسته بیتال کشند معادیر بیتال آن نیز مانند سولفات فرزنک است

پتات فرزنک — $Zn\,O, \bar{A}$ acétate de zinc

خالص سفید بلوری است بعضی [illegible] تمیز بیاره رساله حتمه شود در آب بیشتر محلول است [illegible] داده

کرد و ظاهرش [illegible] در نوع [illegible] بکه [illegible] شعف آب بخیر کنند

مهمه ناقص آن — کربنات فرزنک و دوده [illegible] نیم [illegible] آورده

*médicaments plombiques*

در احوال مخلوطه [illegible] سرب

اطباء احوال سرب را خوب [illegible] در نوع سمیه [illegible] نمک [illegible] از تقویات است [illegible]

[illegible] بهمال [illegible] مولی [illegible] خیال [illegible] سرب [illegible] و عرق [illegible]

[illegible] بکار [illegible] سرب [illegible] در این مقام نیست

سرب — plomb

فلزی است معروف سفید مایل به [illegible] ملایم [illegible] شعاف [illegible] جلا دارد [illegible] ۹

[illegible] و [illegible] وزن مخصوص آن $11.35$ است [illegible]

[illegible] آن کم است [illegible] در [illegible] روی [illegible]

حرارت [illegible] در $322$ + درجه [illegible] جذب [illegible]

[illegible]



و [illegible] مختلف که سرب [illegible] و [illegible] دارد و [illegible] سرب [illegible] در [illegible]

اکسید سرب — oxyde de plomb

سرب با اکسیژن مرکب شده [illegible] اکسید بقول بعضی سه اکسید بقول [illegible] چهار اکسید [illegible]

پروت اکسید یا اکسید زرد سرب — $Pb\,O$ protoxyde de plomb

[illegible] در حرارت [illegible] ساده [illegible] است [illegible] در صنایع معروف است

[illegible] اکسید [illegible] سرب [illegible] معروف [illegible] مرداسنگ

میتارز [illegible] مرداسنگ [illegible] همیشه [illegible] اکسید [illegible]

آن [illegible] ندارد [illegible] در جلد اول در فصل [illegible]

مرداسنگ خالص را ذکر کرده‌ام [illegible] تحقیق تجربه کنند [illegible] مرداسنگ را در

[illegible] در [illegible] ساخته [illegible]

[illegible] خارج شود [illegible] سرب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مرداسنگ [illegible] حقیقی [illegible]

[illegible] در [illegible] است و در [illegible] سرب [illegible] دارد



*oxyde puce de plomb*

[illegible] اکسید سرب — $Pb\,O_2$

پر اکسید سرب — $Pb\,O_2$ peroxyde de plomb

در طب [illegible] معروف است [illegible] اکسید [illegible]

سرنج — oxyde rouge de plomb [illegible] اکسید [illegible] سرب

[illegible] است [illegible] اکسید [illegible] معروف [illegible]

[illegible] اکسید [illegible] اکسید [illegible]

[illegible]

[illegible] سرب [illegible]

املاح سرب — sels de plomb

صفت [illegible] سرب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کربنات سرب — $Pb\,O, CO_2$ — $2\,Pb\,O, CO_2 + Pb\,O, HO$ carbonate de pl.

سفیداب سرب [illegible] دارد



دارد [illegible] خارج [illegible] سرب [illegible]

[illegible] در جلد اول [illegible]

این [illegible] را ذکر کرده‌ام

مرهم آن سفیداب ۱ روغن ساده ۵ [illegible]

مرهم [illegible] سفیداب ۲ مرهم [illegible] ۱ [illegible]

[illegible]

شمع سفیداب سفیداب خالص ۱ روغن زیتون ۲ آب ۲ [illegible] $\frac{1}{5}$

[illegible] سفیداب [illegible] شمع ساده [illegible]

استات دو سرب

در طب [illegible] استات سرب [illegible] استات خنثی و استات [illegible]

استات خنثی — $Pb\,O, \bar{A} + 3\,aq$ acétate neutre de plomb

[illegible] در $12$ [illegible]

[illegible] در $115$

درجه حرارت $59$ [illegible] مرداسنگ [illegible]

[illegible]

استعمال کنند و در رفع عرق شبانهٔ مسلولین نیز منفعت دیده‌اند و مقدار شربت آن از ۵ تا ۱۰ گرن [illegible]

حب استات سرب — *pilules d'acétate de plomb*

استات سرب [illegible] — خشخاش(?) [illegible] — [illegible] — شربت ساده [illegible]

مخلوط نموده ۲۰ حب سازند از آن ۵ عدد در روز بدهند جهت رفع عرق مسلولین

حقنه جهت اسهال مسلولین — استات سرب [illegible] — [illegible] — [illegible] — لودانوم سیدانم(?) [illegible] قطره

[illegible] و جمع اینها را [illegible] کرده و [illegible] و [illegible] استات سرب [illegible]

[illegible] استات سرب [illegible]

استات تزنیک(?) — *acétate de plomb basique*

سه قسم استات [illegible] معروف است

استات تری‌پلمبیک — *acétate triplombique*

( $C^4H^3O^3$, 3PbO )

[illegible]

[illegible]

جهت ساختن آن [illegible]

استات [illegible] — *acétate sesquibasique* $2C^4H^3O^3$, 3PbO



[illegible] مردار سنگ و [illegible] جوهر سرکه [illegible] و در آب [illegible] در [illegible] استات خنثی [illegible] و در استات [illegible]

نیز [illegible] منعقد شود

جهت ساختن آن [illegible] استات خنثی و [illegible] در آب [illegible] نموده [illegible] منعقد شود

استات [illegible]

[illegible] جهت ساختن آن مردار سنگ را [illegible] استات خنثی [illegible] مردار سنگ [illegible] از آن [illegible]

[illegible] استات [illegible] عصیر زحل [illegible]

استعمال [illegible] مردارسنگ [illegible]

عصیر زحل — *extrait de saturne*

استات سرب منعقد ۳ — مردارسنگ ۱ — آب مقطر ۹

در [illegible] مردارسنگ [illegible] ۳۰ درجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

استات سرب ۳۰ — مردارسنگ سحوق ۱۰ — آب مقطر ۶۰

استات سرب را در آب [illegible] مردارسنگ [illegible] عصیر زحل [illegible]





[illegible]

[illegible]

[illegible] عصیر زحل [illegible]

آب گولارد — *l'eau de goulard*

عصیر زحل ۱۵ — آب ۹۲۵ — الکل ۹۰ درجه ۵۰

قطور چشمی(?) — گلاب ۱۲۵ — عصیر زحل ۲ — الکل [illegible] ۸

مخلوط [illegible]

روغن مرطوب گولارد — *cérat de goulard*

روغن [illegible] ۸ — عصیر زحل ۵ر۰ تا ۱ — مخلوط [illegible]

روغن گولارد — *baume de goulard*

موم زرد [illegible] — روغن [illegible] — [illegible] — عصیر زحل ۵ر۱ [illegible] — کافور ۵ گرم(?)

اول موم را در روغن [illegible] عصیر زحل را [illegible]

تانات سرب — *tannate de plomb* $PbO, C^{18}H^5O^9 + 2aq$(?)

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible] قلع [illegible]

[illegible] قلع [illegible]

[illegible]

قلع — *sn étain*

قلع فلزی است [illegible]

[illegible] ۷ر۲۸ تا ۷ر۲۹ [illegible]

در ۲۲۸ درجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵۲ر۲۲ [illegible] قلع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در ... [illegible] ... بخورد سم نمود

... [illegible] ... قلع ... [illegible] ... از ... [illegible] ... چوب ... حیوان ... [illegible]

... [illegible] ... در خوردن آن ... [illegible]

... [illegible] ... قلع ... [illegible]

است ... [illegible] ... فائده ... [illegible]

فائده اول ... [illegible] ... قلع ... [illegible]

... [illegible] ... قلع ... [illegible]

فائده ... [illegible]

فائده ... [illegible]

... حرارت ... قلع ... [illegible]

... [illegible] ... قلع ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... قلع ... [illegible]

فائده ... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... قلع ... [illegible]



... [illegible] ... قلع ... [illegible]

... [illegible]

فائده چهارم ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... قلع ... [illegible]

... [illegible]

سولفور قلع ... [illegible]

... قلع ... [illegible]

... قلع ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... قلع ... [illegible]

... [illegible]

... قلع ... *persulfure d'étain*

قلع ... [illegible]

... [illegible] ... *mussif*... [illegible]

... [illegible]



قلع ... [illegible]

... [illegible]

| قلع خالص | ۱۲ | ... | ۶ | ... | ۲ | ... | ۶ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|

اول ... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... *d'étain*

... *protosulfure* ... [illegible]

کلرور قلع *chlorures d'étain*

کلر با قلع ... [illegible] ... *Sn Cl² Sn Cl Sn*

اول (*protochlorure d'étain*) ... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible] ... *sel d'étain* ... [illegible]

... [illegible] ... *liqueur* ... [illegible]

... *fumante de libavius*

... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible] ... کلرور قلع ... [illegible]



... [illegible]

... [illegible]

کلرور قلع ... [illegible] ... ۱۰۰ ... [illegible]

... [illegible]

... کلرور قلع ... [illegible]

... [illegible]

... مشتقه از بسموت *de bismuth*

بسموت فلزی است سفید ... [illegible]

۹،۸۳ ... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible] ... ۸،۶۵ ... بسموت ... [illegible]

... [illegible] ... بسموت ... [illegible]

... [illegible] ... حرارت ... [illegible]

... [illegible] ... بسموت ... [illegible]

ازتات بسموت *nitrate de bismuth*

بسموت ... [illegible]

بسموت ... [illegible]

[illegible] sous-nitrate de bismuth [illegible]

[illegible]

[illegible] $Bi_2O_3 + Az_2O_5 + aq$

[illegible] ترات ... بسموت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

برادة نحاس ... cuivre



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] sels cuivriques [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کلرور ... chlorure de cuivre

[illegible] proto chlorure de cuivre [illegible] $Cu_2Cl$

[illegible]

bi chlorure de cuivre [illegible] chlorure de cuivre

$CuCl$ [illegible]

le chlorure de cuivre et d'ammonique

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



کات کبود $CuO, SO^3 + 5aq$ sulfate de cuivre

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قطور ... collyre au sulfate de cuivre

کات کبود ... آب ... مثقال ... حل کنند

قطره ... collyre contre les taches de la cornée

کات کبود ... [illegible]

[illegible]

روغن كات كبود

كات كبود ٣ ... ١٠٠ ... ٤

[illegible]

pate caustique au sulfate de cuivre

[illegible]

[illegible]

liqueur contre le piétin

[illegible] ٤٠ ... ٥ ... ٥ [illegible]

pierre Divine

... ١٠٠ ... ١٠٠ ... ١٠٠ ... ٥

[illegible]

[illegible]

[illegible]



sulfate de cuivre ammoniacal

[illegible]

[illegible]

$so^3 cu o + 2 Az H^3 + Ho$ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ٣

[illegible]



eau céleste

[illegible]

[illegible]

[illegible]

carbonate de cuivre et d'ammoniaque

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

acétate de cuivre

[illegible]

cu o, $\bar{A}$ acétate neutre de cuivre

[illegible] ٩٩ ... ٨ [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

2 cu o, $\bar{A}$ + 6 aq acétate bibasique de cuivre

[illegible]

[illegible]

[illegible]

emplatre d'acétate de cuivre (syn. cire verte)

[illegible] ٢ ... ٢ ... ١ ... ١

[illegible]

onguent de cuivre

[illegible] ١٥ [illegible]

miel escharotique

(syn. mellite d'acétate de cuivre, onguent egyptiac

[illegible]

[illegible] ۲ ، [illegible] ۲ [illegible] ۵

[illegible]

## ادویهٔ زیبقی — médicaments mercuriaux

[illegible]

## زیبق فلزی — Hg mercure métallique

[illegible] ۲۵۰ [illegible] ۳۵۰ [illegible]



[illegible]

## آب زیبقی ساده — eau mercurielle simple

[illegible]



## زیبق قندی — mercure saccharin

زیبق ۱ ، قند [illegible] ۲

[illegible]

## الواح زیبقی — tablettes mercurielles

زیبق ۱۰ ، [illegible] ۸ ، قند ۲۵ ، [illegible] ۱

[illegible]

## زیبق صمغی — mercure gommeux de plenck

زیبق ۱ ، صمغ [illegible] ۳ ، [illegible] Diacode ۴

[illegible]

## حب پلنک — pilules de plenck

زیبق ۱ ، [illegible] ۲ ، [illegible] ۱ ، [illegible] ۲

[illegible]

## pilules mercurielles simples ou pilules bleues — حب زیبقی ساده یا حب آبی

زیبق



زیبق ۲ ، [illegible] ۳ ، [illegible] ۱

[illegible]

## حب بلوست — pilules de Belloste

(syn. pilules mercurielles purgatives codex)

زیبق ۶ ، [illegible] ۶ ، [illegible] ۶ ، [illegible] ۱

[illegible]

[illegible] ۱۲ ، زیبق ۱ ، [illegible] ۲ ، [illegible] ۱۲

[illegible] ۱۲ ، [illegible] ۱۲ ، [illegible] ۳

[illegible]

## حب لانیو — pilules de lagneau

[illegible] ۱۲ ، [illegible] ۱۲ ، [illegible]

## حب سدیو — pilules de sedillot

(syn. pilules mercurielles savonneuses)

[illegible] ۳ ، [illegible] ۲ ، [illegible] ۱ ، [illegible]

## pommade mercurielle — روغن جیوه

(syn. onguent mercuriel double, onguent napolitain)

پیه خوک ۴۶ جیوه ۵۰ [illegible] ۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] *sublimé* [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

## onguent gris — [illegible]

(syn. pommade mercurielle simple)

[illegible] ۱ [illegible] ۳ [illegible]

## pommade mercurielle amidonnée — [illegible]

(contre les pustules de variole)

[illegible] ۲ [illegible] ۱ [illegible]

[illegible]

## emplatre mercuriel — [illegible]

(syn. emplatre vigo cum mercurio)

[illegible] ۳۲ [illegible] ۳۲ [illegible] ۱۰ [illegible] ۱۰ [illegible]

[illegible] ۱۰ [illegible] ۶ زیبق ۱۹۲ [illegible] ۴۴ [illegible] ۳۲ [illegible] ۹۶ [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible] *sogino* [illegible]

[illegible]

## digestif mercuriel — مرهم زیبق

[illegible] ۱ [illegible] ۱ [illegible]

## liniment mercuriel ammoniacal — [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۱ [illegible] ۱

[illegible]

[illegible]

## oxyde de mercure — کبریت زیبق

[illegible] $Hg_2O$ [illegible] $HgO$

## protoxyde de mercure $Hg_2O$ — [illegible]

(syn. oxyde mercureux, oxyde noir de mercure)

[illegible]

[illegible]



[illegible]

## mercure soluble de masagni — [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۴۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

## deutoxyde de mercure — [illegible]

(syn. oxyde mercurique, oxyde rouge de mercure, precipité rouge, oxyde mercurique jaune, oxyde de mercure par precipitation)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

eau phagédénique

[illegible]

pommade d'oxyde rouge de mercure



(syn. pommade au précipité rouge, pommade de lyon.)

[illegible]

onguent brun de larrey

[illegible]

pommade ophthalmique de saint-yves

[illegible]

pommade ophthalmique de Desault

[illegible]

pommade de régent



[illegible]

سولفور زیبق — sulfures de mercure

[illegible] sulfure mercureux [illegible] protosulfure [illegible] cinabre [illegible]

Deutosulfure de mercure HgS

(syn. cinabre) شنگرف

[illegible]





[illegible] réalgar [illegible]

poudre tempérante de stahl

[illegible]

fumigation de cinabre — بخور شنگرف

[illegible]

ethiops minéral

(syn. sulfure noir de mercure)

سولفور سیاه زیبق

[illegible]

زیبق ۱ گوگرد منعقد ۲ این دو جسم را در هاون چینی سحق کنند تا گلوله سیاه رنگ شود [illegible]
زیبق [illegible] گوگرد [illegible] باید [illegible]
[illegible]
[illegible]

حب‌القرع زیبق — sucre vermifuge mercuriel

زیبق ۲ قند ۳ [illegible]

شکلات ضد دود — chocolat vermifuge

[illegible]

حبوب ضد خنازیر — pilules antiscrofuleuses

[illegible]

ethiope antimonial de malouin

[illegible]

املاح زیبق — sels de mercure

املاح زیبق [illegible]
[illegible]



[illegible]

املاح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کلورهای زیبق — chlorures de mercure

[illegible] Hg Cl [illegible] $Hg_2Cl$ [illegible]

protochlorure de mercure $Hg_2Cl$ کلمل



(syn. chlorure mercureux, mercure doux,
calomélas, calomel, panacée mercurielle)

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

کلمل متبلور — mercure doux cristallisé

[illegible] $Hg_2Cl$ … $HgCl + Hg = Hg_2Cl$
[illegible] ۴ زیبق فلزی خالص ۳ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



[illegible]
[illegible]
[illegible]

کلمل بخاری — calomel à la vapeur

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]



[illegible]

کلمل رئیس — precipite blanc

ou protochlorure de mercure par précip[illegible]

latin

[illegible]



[illegible]



[illegible]

اسید جوهر نمک دارد و در ظرف سربسته دارد و در بیمار [illegible] راکای آورد

[illegible] تا فلفل نما تولفات [illegible] بنک طعام تجزیه کنند [illegible]

[illegible] شوی [illegible] هر یک از این اجزا [illegible] مخلوط کنند و [illegible]

ممزوج کنند [illegible]

[illegible] حرارت [illegible]

[illegible] حرارت [illegible] فارج [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۸ تا ۱۰ ساعت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

$HgO, SO^3 + NaCl = HgCl + NaO\, SO^3$

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

لیکور وان زویتن — liqueur De van swieten

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| در اسکنه ۱ | ارتیقوا | ۹۲ | الکل خالص | ۹۶ |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قطور ای — collyre au sublimé corrosif



| | | | |
|---|---|---|---|
| در اسکنه | [illegible] | آب | ۹ مثقال — [illegible] |
| [illegible] در اسکنه | [illegible] | آب | ۲۰ مثقال — [illegible] |

غسول [illegible] — lotion antipsorique

| | | | |
|---|---|---|---|
| در اسکنه | [illegible] | آب ۵۰۰ | حل کنند |

غرغره ضد کوفت — gargarisme antisyphilitique

| | | | |
|---|---|---|---|
| در اسکنه | [illegible] | آب ۲۷۵ | [illegible] |

[illegible] در اسکنه ۲۰ [illegible] ۵۰ [illegible]

[illegible]

روغن [illegible] — pommade de cirillo

در اسکنه ۱ روغن [illegible] ۸ [illegible] ۱۰ تا ۲۰ [illegible]

[illegible] در اسکنه — trochisques escharotiques

در اسکنه ۱ [illegible] ۲ [illegible]

[illegible] — trochisques

در اسکنه [illegible] ۲ [illegible] ۱ [illegible] ۸ ارتیقوا ½

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] ۳۰ | در اسکنه ۲ | [illegible] | |

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۵۵، ۲۳

[illegible] ۲۳ [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

*chlorure ammoniaco-mercurique*

کلرور آمونیاک و زیبق

[illegible]



[illegible]

*liqueur de goulard*

[illegible]

*prurigo*

[illegible]



[illegible]

*pomade antipsorique de gellée*

[illegible]

*bromures de mercure*

برومور زیبق

[illegible]

*proto bromures de mercure* $Hg^2 Br$

[illegible]

دوت برومور جیوه — *Deuto bromure de mercure*

مساوی است ... [illegible]

... [illegible]

یدورها — *iodures de mercure*

... [illegible]

پروتو یدور — *proto iodures de mercure* $Hg^2 I$

... [illegible]

... [illegible]

... *berthemot* ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]



... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

حب پروتو یدور — *pilules de proto iodure de mercure*

... [illegible]

... [illegible]

حب پروتو یدور — *pilules de proto iodure de mercure*

*opiacées*

... [illegible]



... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

*pommade de proto iodure de mercure*

... [illegible]

*collutoire de iodure de mercure*

... [illegible]

*deuto-iodure de mercure* $Hg I$

(*syn. bi iodure de mercure, iodure mercurique*)

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]



... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

حب دویدور — *pilules de deuto iodure de mercure*

... [illegible]

*pommade de deuto iodure de mercure*

... [illegible]

*iodure double de mercure et de potassium*

بعد چهار پنج ... ۵ مثقال این شربت را میگیرد

کلرور مرکور زیبق

در ... مرکور زیبق ... [illegible] ... جسم ... [illegible]

در ١٠٠ جزء ٣٣ ... ٣٣ ... ٢٢٢ ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... مرکور زیبق ... [illegible] ...

محلول ... درجه حرارت ...

pommade de chloro indure de mercure

روغن کلرور مرکور زیبق

کلرور مرکور زیبق ... یک جزء ... [illegible]

cyanure de mercure ... سیانور مرکور

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...



بیشتر ... [illegible] ...

... [illegible]

... ٤ ... ٣ ... ٤٠

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible]

سیانور ... ٢ ... ٣ ... ١٥

... [illegible] ... ٩٠ درجه ...

زیبق را ... سیانور ... [illegible]

oxyde cyanure de mercure ... سیانور زیبق



... [illegible] ...

... [illegible] ...

... ٢٢ ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

sulfate mercureux ... سولفات زیبق

... [illegible] ... ٥٠٠ ... ٢٨٧ ...

... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

این سولفات ... [illegible]

sulfate mercurique ... سولفات مرکور

... [illegible] ... ٢٠٠٠ ... ٥٠٠ ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...



سیانور دوبل زیبق و پتاسیم

این ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... ١٠٠ ... ١٩ ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible]

sirop de docteur gibert ... شربت دکتر ژیبر

... ١ ... ٥٠ ... ٥٠

... ٢٠٠٠ ... [illegible]

این شربت ... ١٠ ... [illegible]

pilule d'iodure double de mercure

et de potassiume ... حب یدور دوبل زیبق و پتاسیم

... [illegible] ... ٥ ... [illegible]

... [illegible]

حب‌های فرنگی

[illegible] ۶ [illegible] ۸

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

sulfate mercurique basique

(syn. turbith mineral, sulfate trimercurique

[illegible]

[illegible]

[illegible]



pommade de turbith minérale — روغن [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۸ [illegible] ung. [illegible]

pommade antihérpétique de culleriel

روغن [illegible]

[illegible] ۱ [illegible] ۱ [illegible] ۰,۵ [illegible] ۸ [illegible]

azotate de mercure — ازوتات زیبق

[illegible]

ازوتات [illegible] $Hg^2 O, Az^5 O + 2 aq$

azotate mercureux syn. nitre, azotate de protoxyde de mercure

[illegible]

[illegible]

$aq \times O + 2 aq + Hg^2 O$ [illegible] ازوتات [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

حب‌های فرنگی [illegible] ۱ [illegible] ۲ ۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

solution caustique d'azotate mercureux — محلول محرق ازوتات [illegible]

[illegible] ۳ [illegible] ۲ [illegible] ۱۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

pilules azotate mercureux — حب [illegible]

[illegible] ۱۰ [illegible] ۱۰ [illegible] ۵۰ [illegible]

ازوتات [illegible] $Hg O, Az^5 O$

azotate mercurique syn. nitre,

$aq^3$



azotate de deutoxyde de mercure

[illegible]

[illegible]

azotate acide de mercure — ازوتات [illegible] زیبق

( syn. nitrate acide de mercure )

زیبق ۲ [illegible] ۳۵۰ [illegible]

pommade citrine — روغن [illegible]

( syn. ung. nent citrine, pommade d'azotate de mercure )

روغن [illegible] ۱۲ [illegible] ۱۶ زیبق ۲ [illegible] ۳

[illegible]

[illegible]

[illegible]

mercure soluble de hahnemann — زیبق [illegible]

(syn. azotate ammoniaco - mercureux)

ربّ ازوتات مرکور [illegible]

ازوتات مرکور را [illegible] ۱۵ گرم محلول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حب زیبق هانمان — pilules mercurielle (hahnemann)

زیبق هانمان ۵ گرم [illegible] ۵ گرم [illegible] ۵۰ حب کنند

گرد زیبق [illegible] هانمان — poudre mercurielle hahnemann

زیبق محلول هانمان [illegible]

[illegible]

شربت زیبق هانمان — sirop mercurielle (hahnemann)

زیبق محلول هانمان ۵ گرم [illegible] ۵ گرم [illegible] ۲۰

[illegible] ۱۰ تا ۵۱ [illegible]

استات مرکور — acetates de mercure

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲ ۳ ۳ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حب [illegible] کیزر — pilules ou dragées de Keyser

[illegible]

tartrate de mercure   2 Hg O, T + 2 aq

طرطرات مرکور

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

médicament à base d'argent

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲ ۲ [illegible] ۱۵ تا ۵۴ [illegible] ۱۵ [illegible]

در ۵۵۴ درجه حرارت [illegible]

۱۰۸ [illegible]

اکسید دارژان — protoxyde d'argent ag o

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

کلرور دارژان — chlorure d'argent ag cl

( syn. chlorure argentique argent corné )

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سنگ جهنم — azotate d'argent ag o, az o5

( syn. nitrate d'argent. )

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نقره قال ۱ تیزاب ۳ [illegible] ۲

[illegible]

pilules d'azotate d'~~az~~ argent — حب نترات فضه

[illegible]

collyre a l'azotate d'argent — قطور نترات فضه

[illegible]

lavem ent à l'azotate d'argent — حقنه نترات فضه [illegible]



[illegible]

flux intestinaux — [illegible]

[illegible]

pommade ophthalmique — مرهم

[illegible] (velpeau)

pommade contre l'érysipèle — [illegible]

[illegible]

ancre pour marquer le linge — [illegible]

[illegible]



[illegible]

azotate d'argent fondu — [illegible]

(syn. nitrate d'argent fondu, pierre infernale)

[illegible]



[illegible]

azotate d'argent mitigé — [illegible]

[illegible]

[illegible] eau [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]



[illegible]

کلرور دور طلا و سدیوم — *nacl aucl³ + aq*

*chlorure d'or et de sodium* (syn. *muriate d'or et sodium, chloroaurate de sodium, chlorure aurico sodique.*)

کلرور طلا و کلرور سدیم [illegible] ترکیب [illegible] کلرور طلا [illegible]

[illegible] این کلرور [illegible] طلا و سدیم [illegible]

محلول است و [illegible] ۵ [illegible]

جهت ساختن آن گیرند طلای [illegible] ۱۰ جوهر نمک ۳۰ جوهر شوره ۱۰ [illegible] ۳

طلا را در [illegible] شربت [illegible]

[illegible] را در آن حل کنند [illegible]

این [illegible] مزاج [illegible]

[illegible]

کنند و این [illegible] در شیشه [illegible] حفظ کنند

*sirop de chlorure d'or et de sodium*

شربت کلرور دور طلا و سدیوم





کلرور دور طلا و سدیوم — [illegible] — [illegible] — مخلوط کنند

*tablette de chlorure d'or et de sodium*

قرص کلرور دور طلا و سدیوم

کلرور دور — [illegible] — قند — [illegible] — لعاب کتیرا — [illegible]

[illegible] قرص [illegible] کلرور [illegible]

*pommade de chlorure d'or et de sodium*

روغن کلرور دور طلا و سدیوم

کلرور دور ۱ — روغن [illegible] ۳۰ — [illegible] مخلوط کنند

*iodure d'or* aui — یدور دور

[illegible] ۱۵۰ [illegible]

در طب [illegible] استعمال شود

جهت ساختن آن محلول [illegible] کلرور دور [illegible]

[illegible]

[illegible]

سیانور دور — *au cy² ½ aq cyanure d'or*



[illegible] نقره [illegible] کلرور [illegible]

[illegible]

*platine pt* — طلای سفید

دکتر [illegible] *hoefer* [illegible] طلای سفید [illegible]

کلرور [illegible] طلای سفید [illegible]

[illegible]

[illegible]

*médicaments antimoniaux* — ادویه اثمدیه

ادویه [illegible] اثمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

*antimoine purifié* — اثمد خالص





[illegible] نقره [illegible]

[illegible]

[illegible] ترکیب شد

در صنایع اثمد [illegible]

[illegible]

سولفور اثمد ۱۰۰ — [illegible] ۴۰ — [illegible] ۱۵ — [illegible] ۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سولفور اثمد ۸ — [illegible] ۶ — شوره ۳

[illegible]

[illegible] ۲۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

## اکسید انتیمون — oxyde d'antimoine

[illegible] sous-oxyde [illegible] اکسید [illegible]

$SbO^3$ acide antimonieux [illegible] $SbO^3$ protoxyde d'or [illegible]

[illegible] peroxyde d'antimoine [illegible] acide [illegible]

$SbO^5$ antimonique

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

$KO, 2SbO^5 + 6$ aq antimoine de diaphorétique [illegible]

(syn. biantimoniate de potasse, biméta-antimoniate de potassium.)

[illegible]

[illegible]



[illegible] ١ [illegible] ٢ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

## [illegible] — $Sb S^3$ sulfure d'antimoine

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ٢٠ [illegible]

[illegible] ٥ [illegible]

[illegible]

[illegible]

## [illegible] — $Sb Cl^3$ proto-chlorure d'antimoine

(syn. trichlorure d'antimoine, beurre d'antimoine)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ١ [illegible] ٥

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ٣ [illegible] ١

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

## [illegible] — oxychlorure d'antimoine

(syn. poudre d'algaroth mercure de vie)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ساختن آن جوهر قی ... [illegible]

جوهر قی  $KO, SbO_3, \bar{T} + 2\,aq$

tartrate de potasse et d'antimoine

(syn. tartrate antimonico-potassique,

tartre stibié, tartre émétique, émétique,

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شراب قی  vin émétique

(syn. vin antimonié)

جوهر قی  [illegible]

potion vomitive dite eau bénite

[illegible]

جوهر قی  [illegible]

آب فلوس  eau de casse avec les grains

[illegible]



[illegible]

[illegible]

آبزن جوهر قی  bain avec l'émétique

جوهر قی  [illegible]  آب [illegible]  ۱۰۰ [illegible]

این آبزن را [illegible] استعمال کنند

روغن قی  pommade stibiée

(syn. pommade d'autenrieth,

جوهر قی [illegible]  ۱  روغن  ۳  [illegible]

[illegible]

poudre antimoniale de james

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

کرمس  Kermès

(syn. Kermès minéral,

glauber [illegible]

lyierie [illegible] chastenay [illegible]

[illegible]

۱۷۲۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قاعده اول شربت ... sels ...

| سولفور دانتیموان کوراتی | ۱ | نمک قلیائی ... | ۲۲ ر ۵ | آب | ۲۵۰ |
|---|---|---|---|---|---|

[illegible]



[illegible]

قاعده دوم ... ...

| پتاس کربنات | ۳ | سولفور دانتیموان | ۱ | ... | ۱ |
|---|---|---|---|---|---|

[illegible]

قاعده سیم موسوم به برزلیوس صاحب berzelius ...

| سولفور دانتیموان | ۳ | کربنات دوپتاس | ۸ |
|---|---|---|---|

[illegible]



[illegible]

قرص کرمس tablettes de Kermes

| کرمس | ۱ | قند | ۵۵ | صمغ عربی | ۴ | آب نارنج | ۴ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|

[illegible]

سفوف پلومر poudre de plumer

| کلومل | ۱ | کبریت طلائی | ۱ |
|---|---|---|---|

حب پلومر pilules de plumer

[illegible]

ادویه زرنیخی médicaments arsenicaux

[illegible]



[illegible]

سم الفار acide arsénieux

(syn. anhydride arsénieux, arsenic blanc, oxyde blanc d'arsenic)

[illegible]

رفوزداران تحریر سم الفار کشف شده است خیلی کمتر معمول است چنانچه یک لیتر آب بیش از ۱۲ تا ۱۳ گرم [illegible]

[illegible] بکار برده است تحریر سم الفار لطیف [illegible] آن [illegible] این تحریر [illegible]

[illegible]

این سمیت [illegible] قطع حیات [illegible]

[illegible]

استعمال کنند در فارج [illegible]

معمول [illegible] سم الفار را [illegible] استعمال کنند [illegible]

[illegible]

## pilules asiatique حب آسیائی

(syn. pilules arsenicales)

سم الفار سفوق [illegible] فلفل سیاه سفوق [illegible] صمغ عربی [illegible] آب [illegible]

[illegible] سم الفار [illegible] حب [illegible]

[illegible] سم الفار دارد

## poudre arsenicales سفوف سم الفار

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| [illegible] سفوق | ۱ | [illegible] | ۲ | شنجرف ۲ |

[illegible]



[illegible] سفوف [illegible] در حین استعمال [illegible]

[illegible] درست کنند

## poudre arsenicale سفوف سم الفار

[illegible] ۸ سم الفار ۲ [illegible] مخلوط کنند [illegible]

[illegible] مخلوط کنند

## liniment arsenicale روغن سم الفار

سم الفار سفید ۱ روغن [illegible] ۸ مخلوط کنند

## liniment arsenicale de swediaur روغن [illegible]

سم الفار سفید ۱ روغن [illegible] ۸ مخلوط کنند [illegible]

## cigarettes arsenicales سیگارت سم الفار

سم الفار ۱/۵ [illegible] boudin [illegible]

[illegible] سیگارت [illegible]

[illegible] سیگارت [illegible]

نسخه دیگر [illegible] trousseau [illegible]

[illegible] ۲۰ [illegible] سیگارت [illegible]



[illegible]

[illegible] سم الفار [illegible]

[illegible] استعمال شده

## pâte arsenicale pour la destruction des animaux nuisibles

[illegible] حیوانات [illegible]

[illegible] ۵۰۰ [illegible] ۵۰۰ سم الفار سفوق ۵۰ [illegible] ۲ [illegible] ۵

[illegible] مخلوط کنند [illegible]

حیوانات [illegible]

## savon arsenicale pour la conservation des depouilles d'animaux

صابون سم الفار [illegible] حیوانات [illegible]

سم الفار سفوق [illegible] ۳۲۰ [illegible] ۱۲ [illegible] ۶۰۰ [illegible] ۸ [illegible] کافور [illegible]

[illegible] سم الفار [illegible]

[illegible] صابون [illegible]

[illegible] کافور [illegible] مخلوط کنند [illegible]

[illegible] صابون [illegible] استعمال [illegible]

[illegible]



[illegible]

## formules de préparations arsénicales arrêtées par le conseil des professeurs de l'école vétérinaire d'alfort

[illegible]

## préparations destinées à l'usage externe

[illegible] ۱

n° 1 - poudre pour bain de Tessier [illegible]

سم الفار ۲ [illegible] ۲ [illegible] ۱۸۰ [illegible] ۸۰ [illegible]

سم الفار [illegible] مخلوط کنند [illegible]

[illegible] مخلوط کنند

n° 2 - bain de Tessier نمره (۲) [illegible]

[illegible] ۵/۲ [illegible] ۳۰ [illegible]

[illegible] استعمال کنند

n° 3 - lotion de Tessier نمره (۳) [illegible]

[illegible] ۲ [illegible] آب ۱۰ [illegible]

... [illegible] ... نوشته

ترتیب ارسنیکون préparations arsénicales caustique

n: 4 poudre caustique d'après la formule modifiée de frère Côme

سم الفار ... [illegible] ...

... [illegible] ...

نمره (۵) n: 5 - pommade cathérétique

... [illegible] ...

ارسنیت دو پتاس arsénite de potasse

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

لیکور دو فولر liqueur de fowler

سم الفار ... [illegible] ... ۱۰۰ ...

... [illegible] ... ۲۰۰ ...



... [illegible] ...

... [illegible] ...

سم الفار ... [illegible] ...

... [illegible] ...

اسید ارسنیک و ارسنیات acide arsénique et arseniates

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

سم الفار ۱ ... ۲ ... ۴

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

bi arseniate de potasse $KO, AsO_5 + aq$

... [illegible] ...

... [illegible] ... سم الفار ۱ ... ۱۰



... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

arséniate de soude $2NaO, AsO_5 + 8aq$

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

سم الفار ۱۲۶ ... ۱۰۰ ...

... [illegible] ...

solution officiale d'arséniate de soude

(syn. liqueur arsénicale de pearson)

... [illegible] ...

... [illegible] ...

arséniate d'ammonique $2AzH_4O, AsO_5 + 6aq$

... [illegible] ...



... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

arséniate de fer $2FeO, AsO_5$

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

pilules arséniate de fer

... [illegible] ...

iodure d'arsenic $AsI_3$

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

[illegible] کنند [illegible] در [illegible]

sulfures de arsénic

زرنیخ

[illegible] زرنیخ [illegible] معمول است [illegible] سم [illegible] زرنیخ [illegible]

[illegible] realgar [illegible] زرنیخ [illegible] زرد [illegible] موجود است [illegible]

[illegible] زرنیخ زرد [illegible] orpiment [illegible]

[illegible] زرنیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

poudre fébrifuge de Hecker

سفوف قطع حمای [illegible]

زرنیخ زرد orpiment [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

pate dépilatoire

نوره

زرنیخ ۱ آهک ۱۶ نشاسته ۱۰

[illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible] felix poulater [illegible]

[illegible]



زرنیخ ۱ آهک آب [illegible] ۴ [illegible]

[illegible]

saponés صابونها

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] استعمال کنند

savons médicinaux صابونهای طبی

[illegible] ۱۰ [illegible] ۲۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



savon animal صابون حیوانی

[illegible] ۲ [illegible] ۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

savon animal صابون حیوانی

[illegible] ۵۰۰ [illegible] ۳۵۰ [illegible] ۱۰۰۰

[illegible] ۱۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

suppositoire de savon [illegible] صابون

[illegible]

teinture de savon [illegible] صابون

صابون



صابون [illegible] ۲۴ [illegible] ۱ [illegible] ۹۶

[illegible]

essence de savon جوهر صابون

صابون [illegible] ۲۴ [illegible] ۳۲ [illegible] ۶۴ [illegible] ۱ [illegible]

[illegible]

pilules de savon حب صابون

صابون [illegible] ۲۴ [illegible] ۲ [illegible] ۱ [illegible]

pilules de savon حب صابون

صابون [illegible] ۵۰۰ [illegible]

emplatre de savon شمع صابون

شمع [illegible] ۱ [illegible] ۲ صابون ۴ [illegible]

[illegible]

[illegible]

lavement avec le savon حقنه صابون

صابون [illegible] ۳۰ [illegible] ۱۰۰ [illegible]

غسول صابون — lotions avec le savon

صابون سفید ۱۲ مثقال، آب ۲۵۰ مثقال، با اعانت حرارت حل کنند

روغن صابونی — liniment savonneux

تنتور صابون ۵ مثقال، روغن بزرک سفید ۱ مثقال، [illegible] ۱ مثقال، مخلوط نمایند [illegible]

مرهم آهکی — liniment calcaire

(syn. liniment oleo-calcaire savon calcaire)

آب آهک ۸، روغن بزرک ۱، [illegible] با اعانت حرارت [illegible]

[illegible]

[illegible] در روی آن [illegible] کنند

## صابون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اترها — ethers

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible] از قسم اول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] $C^4H^5O$ [illegible]

ether [illegible] [illegible]

[illegible] ۱۵۵ [illegible] ۳۵ [illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible] ۳۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۰ [illegible]

۱۳۰ ، ۵۰ ، [illegible]

الکل ۸۵ — [illegible] ۲ — جوهر گوگرد [illegible] ۱۵

[illegible] ۹۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چه اتیر و الکل تقطیر شده را تصفیه کنند این تقطیر را در حمام ماری ۲ تقطیر کنند باید آب گرم بحدی که تخمیناً دور
مطبوعی داشته باشد و اگر قطره از اتر را در روی پوست دست چکانند بی آنکه زیر تخمیر شدن باید بقدر جوهر زیر آب
از آن استعمال نمود از جملهٔ مخلوطات الکلی در درجهٔ ۵ است که تحقیقات تولید از برای رفع تشنج بکار بند
اتر در طب استعمال زیاد دارد خصوصاً بواسطهٔ تحریکات عصبیات چند قطره از اتر را در روی قند یا لیمو زیر زبانی
در آب و یا شربت ساده مخلوط کنند در عرض یاد آنکه الکل رقیق بسته به تحریکات بکار برند

شیخ هوفمان liqueur d' hoffmann

(syn. éthere sulfurique alcoolisé)

| | | | |
|---|---|---|---|
| از اتر ۵ | ۱ | الکل ۸۵ | ۱ | مخلوط کنند |

آب اتری Eau éthérée

| | | | |
|---|---|---|---|
| از اتر ۵ | ۱ | آب مقطر | ۸ |

در شیشه دهان گشادی ریخته مکرر بهم زنند قبل از آنکه روز شب را سر از زیر کرده اتر آب شده بدون آنکه از راه
هر دو دقیقه بهم زده تا آب ته نشین شود تا آب شفاف از آن جدا کنند

شربت اتر sirop d'éther

از اتر ۵ ۱ شیره قند ۱۶ شیره قند را در شیشه ریخته درست بسته آن را
در شیشه بسته این الکل را با چوب پنبه محکم کرده ریخته مخلوط نمایند تا آنکه جوب پنبه نصف شده و دهان



الکل را با چوب پنبه که خوب بسته باشد جدا کرده شیشه را بهم زنند و بعد را جدا از هم جدا کنند
سالم که باید شربت در زیر شیشه الکل بسته شود و کم کم صاف شود و زیاد آن شربت را سرد کرده و در زیر شربت معادل
اتر که در آن زیاد نماید بقدر مدتی که در بستهٔ شیشه ماند اتر دارد و معتدل است

شربت اتری sirop

این شربت دوا فانه های پاریس به استعمال است و منفعت آن از شربهٔ قند بیشتر است و با این شربت
شربت مشهور به بطور رسیده است

الکل خالص ۳۳ ۵ اتر ۱

خانجه در شربت ساده ذکر کرده عمل باید کرد

دوازدهم قسم دوم در طب از هیدروکلریک اتر معمول است

از کلریدریک éther chlorhydrique $C^5H^5Cl$

مایعی است بی رنگ و بو ولی بسیار تند و طعم دارد که در درجهٔ ۱۱+ بجوش آید و خانه اگر از آن در روی
دست ریزند فوراً بجوش آید و اصرار رطوبت شده که در ۵ درجه وزن مخصوص ۰٫۸۷۴
و وزن مخصوص بخار آن ۲٫۲۱۹ است و در ۵۰ جزء آب حل شود و در الکل بخوبی محلول است و در
هوا بسوزد و اطراف شعله آن سبز رنگ است و در حین احتراق تولید جوهر نمک کند بلی از آن تجربه کرده
چند ساعتی آن جوهر نمک الکل را در آب ماری حرارت دهند و آن بخار صاف است از قرع و انبیق



در قرع است در روی کوره و لوله از قرع آمده وارد ظرف است که به ۲۰ تا ۲۵ درجه حرارت گرم
شده باشد و لوله دیگری از آن شیشه وارد شود در سردی و در آب که در مخلوط سردی در قرع محدود
ساده الکل بسیار قوی و جوهر نمک ریزند که تقطیر شده جوهر نمک را ریخته جوهر نمک اشباع شده باشد
زیاده هر قدر که تقطیر شده این مخلوط کمتر باشد مقدار محصول بیشتر خواهد بود کم کم حرارت دهند
تا جوهر نمک و الکل از تقطیر نموده جسم اول در شیشه آب باید داخل شود آب ۲۵ درجه حرارت
دارد و اتر کلریدریک در ۱+ حرارت بخار باشد اتر از آن شیشه متقاطر شده و در زیر آن سیال بیرا
کند و اگر باید در سرداب حفظ کنند و مورد استعمال این اتر مانند اتر کلوریک است و در زمان ترکیب
اتر را تجربه کرده شود و در الکل تدریج بعضی تصفیه نموده این کوب مصالحه است اتر را با کلیه بانکول
از یدریک éther iodhydrique $C^4H^5I$

( syn. iodure d'éthyle )

مایعی است سیال و بی رنگ ولی در ۷۱٫۵ درجهٔ حرارت بجوش آید وزن مخصوص آن ۱٫۹۲۰۶ را
حل شده و از مجاورت ساده هوا بنفش شده مدتی بجا بماند و استعمال آن از در معالجه و رعات ریوی و رفع
امراض عارضی تجربه کرده شده به طریق از ۸ تا ۱۵ قطره این اتر را با آب قند خوری
در قوه شیشه ریزند و بیمار را حکم به تنفس از هوای آن شیشه نمایند و چند ساعتی آن را در گرده
تنعال الکل صرف ریخته و ده قسمت ید را در آن قرار دهند و تدریجاً در آب فرو برند و کم کم مقدار

تقطیر



فسفر قلیلی از حبه های اول فسفر را به صمغ را بسته کنند و آنها را به آب را تدریجاً داخل شده
در آب سرد بریزند و قسمت تمام در محلول شود آنچه از فسفر افتاده باشد باید تجزیه شود که حرارت بیاید
و قسمت زیر مایع اول سفید به کنار سرد شود و بعد از تقطیر و در آن قلیلی و در آن مکان جوهر نمک در قرع و از تقطیر شده
و قسمت مقدار فسفر شده تقطیر در قرع قلیلی و با کمال دقت حرارت ملایم را با آن تماس کنند و آن مایع اتر است
که در آن بمنزج کنند و بسیار مایل کرده جدا نمایند از الکل در آن جدا و آن را به مانند مادر جوهر نمک بود
در قرع شیشه تقطیر کنند و در محل فسفر بدری باشد و جوهر فسفر در آن و در آن باید پیدا نمود و کرده بدری
باز ساده از آن و قسم ثالث این اثرها را ترکیب کنند از آب بید دارد و در عوض آن با محل بسیار اثر
خلاف آن معروف است رو عرق در زیر شرب و بسته آن باید نمود ید که روی آب قوت شود در قرع انبیق
عمل از کشیدن مایعی است بی رنگ و یا سبز رنگ با بو از گاز سنگین تر است و با زیاد از بیض خشک از بلور
حقیقی عبارت از آن در زیر آب و حرارت عمده تجزیه شود باید لیف و بنک دیگر در هوا بکار ساخته
و از آن جدا شود در ۱۸۰ بجوش آید و حرارت در زیر اول ملایم است امتزاج با سید لیف و بنک بسیار
و تولید نمود از آن جوهر کرده و مایعی است بی رنگ و بسیار روشن سفت شربت و وزن مخصوص آن ۱٫۳۱۹
جاذبه حرارت عمدهٔ تجزیه آن لازم است در آب و الکل غلیظ محلول است با نقطه ترکیب و تولید املاح کند
امتحان در آب محلول است و به سهولت منعقد شود و بعد از آن در آب بیامیزند و جوهر گوگرد و الکل تجزیه شود در طب
معمول است بجای آنکه آن را مرض سل در طب استعمال کنند مقدار کمتری اسید لیف و بنک دارد

جوهر گوگرد الکلی acide sulfurique alcoolisé

(syn. eau de rabel آب رابل)

| الکل ۹۰ | ۳ | جوهر گوگرد ۶۶ | ۱ |
|---|---|---|---|

الکل را در ظرفی ریخته جوهر گوگرد را بتدریج روی آن ریزند و بهم زنند تا ممزوج شود [illegible] جوهر گوگرد را [illegible] الکل [illegible] جوهر گوگرد و الکل [illegible] [illegible] مخلوط [illegible] [illegible] جوهر گوگرد و الکل ساخته [illegible] نشود

اکسیر حامض هالر l'élixir acide de haller [illegible]

اکسیر حامض دیپل l'élixir acide de dippel [illegible]

جوهر گوگرد ۵ جزو الکل ربع جزو زعفران ربع جزو کرمس حیوانی

[illegible] آب [illegible] محلول [illegible] [illegible]

[illegible] کنند

اجزاء آن: [illegible] ۱۲ آب ۱۲۰ [illegible] ۱۵ مخلوط کنند

عوض آن: [illegible] [illegible] [illegible] ۱۵

[illegible] محلول مخلوط کنند.





اتر ازتی [illegible] éther azoteux

(syn. éther nitreux, azotite d'éthyle, éther ethylnitreux)

[illegible] ۱۵ [illegible]
۰٫۹۴۷ [illegible]
[illegible] محلول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
۵ ۳ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



[illegible] برابر الکل ممزوج کنند

الکل ازتیک acide azotique alcoolis

(syn. alcool nitrique, esprit de nitre dulcifié)

| الکل ۹۰ | ۳ | جوهر شوره ۳۴ | ۱ |
|---|---|---|---|

[illegible]
[illegible]
[illegible]

اتر استیک éther acétique $C_4H_8O_2$ [illegible]

[illegible] ۰٫۸۹ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] Thenard [illegible]

| الکل ۹۰ | ۱۰۰ | جوهر سرکه غلیظ | ۶۴ | جوهر گوگرد غلیظ | ۱۷ |
|---|---|---|---|---|---|





[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نمره (۱) استات دوپتاس 1. acétate de potasse

| استات دوپتاس خشک | ۳ | جوهر گوگرد | ۲ | الکل ۹۰ | ۳ |
|---|---|---|---|---|---|

نمره (۲) استات دوسود 2. acétate de soude

| استات دوسود خشک | ۵ | جوهر گوگرد | ۴ | الکل ۹۰ | ۶ |
|---|---|---|---|---|---|

نمره (۳) زنگار 3. acétate de cuivre

| زنگار [illegible] | ۳ | جوهر گوگرد | ۲ | الکل ۹۰ | ۳ |
|---|---|---|---|---|---|

مرهم (ب) استات سرب acetate de plomb

سفیداب سرب ۵ موم زرد ۲ [illegible] ۳

از این مرهم را در دمل [illegible] استعمال کنند و از طول آن [illegible] رفع [illegible] معالجه معمول است و معمول [illegible]

نسخ آن این نسخه است بگیرند

[illegible] ۲۰۰ [illegible] کافور ۵۰ [illegible] از [illegible] [illegible] ۱۰ قطره

[illegible] معمول [illegible] [illegible] کنند

کلروفرم دوای بیهوشی chloroforme

این جسم در ۱۸۳۱ [illegible] کشف [illegible] شد مایعی است [illegible] دوای بیهوشی است

بی‌رنگ [illegible] بوی [illegible] طعم آن [illegible] است و [illegible] در [illegible] بسیار [illegible] است و حال [illegible]

وزن مخصوص آن [illegible] است [illegible] ۱.۴۸ را در [illegible] [illegible] است [illegible] در آب کم است

[illegible] [illegible] معمول [illegible] در الکل و [illegible] محلول است

جهت ساختن آن بگیرند کلرور دو شو ۱۰ الکل ۳ آب ۶۰ [illegible] ۲

[illegible] را با آب ممزوج کنند و این [illegible] را در [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] الکل [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]



[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حرارت [illegible]

اثر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حرارت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و عبارت [illegible] [illegible] ممزوج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] استعمال [illegible] بیهوش کردن است در حال [illegible] چند قطره از [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] استعمال کنند [illegible]

[illegible] [illegible] ۱۵ تا ۲۰ [illegible] [illegible] [illegible] کلروفرم [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کنند

نسخهٔ [illegible] بگیرند کلروفرم ۲.۵۰ [illegible] [illegible] ۲.۵ [illegible] روغن بادام ۱۲ [illegible]

[illegible] معمول [illegible] [illegible] [illegible] کنند



کلروفرم [illegible] [illegible] است کلر ممزوج آن است [illegible] [illegible] [illegible]

کشف [illegible] [illegible] چند قطره از [illegible] کلروفرم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مواد [illegible] از حرارت produits pyrogénés

[illegible] [illegible] [illegible] حرارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حرارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حرارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] samare [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] رطوبت [illegible] [illegible] رطوبت حرارت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]



[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حرارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] ۴ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حرارت [illegible] [illegible] رطوبت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حرارت [illegible]

[illegible] [illegible] تجزیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] تجزیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible] انیلین aniline و کینین chinine [illegible]

[illegible] aldehyde [illegible] کرئوزت [illegible]

[illegible]

[illegible] pyrolhonide [illegible]

نفتالین naphtaline

این جسم [illegible] نفتالین [illegible]

[illegible]

کرئوزت creosote

[illegible]



[illegible]

[illegible] قطران [illegible]

[illegible]

[illegible] تصفیه [illegible]

[illegible] استعمال کنند [illegible]

[illegible] استعمال کنند

[illegible]

| | | |
|---|---|---|
| [illegible] | ۱ | [illegible] ۶ [illegible] |

آب [illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| [illegible] | ۱ | آب | ۸۰ [illegible] |

[illegible] معمول است

قطران goudrons

[illegible]

[illegible] استعمال کنند [illegible]

[illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| قطران | ۱ | آب | ۱۶ [illegible] |



[illegible] قطران [illegible]

[illegible]

[illegible] قطران [illegible]

[illegible] scorbut [illegible] cachexie [illegible] استعمال کنند

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| شربت قطران | قطران | ۱ | شربت [illegible] | ۴۰ [illegible] |

[illegible] قطران [illegible]

[illegible] معمول است [illegible]

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| روغن قطران | [illegible] | ۳ | قطران | ۱ [illegible] |

[illegible] شایع است

| | | | |
|---|---|---|---|
| بخور قطران | قطران | [illegible] | آب جوش [illegible] |

[illegible] قطران [illegible]

[illegible] شایع است

## برلین قطران pira leines de goudron

قطران را [illegible]

[illegible]



[illegible] (margin: [illegible])

[illegible] قطران [illegible]

## روغن کاد huil de cade

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] bazin [illegible]

## پیروتونید pyrothonide

[illegible]

[illegible]

[illegible] معمول است

[illegible] anthrakokali [illegible] foliyokali [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۲۰ | [illegible] | ۱۰۰ | [illegible] | ۲۰۰۰ [illegible] |

[illegible] foligokali sulfuré [illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۱ | [illegible] | ۳۰ | [illegible] | ۳ [illegible] |

[illegible] suie

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] معمول است

## Décoction de suie [illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| آب [illegible] ۲۲۵ | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

[illegible] معمول است

## حقنه آن lavement de suie

| | | | |
|---|---|---|---|
| [illegible] ۵ | آب | ۲۰۰ [illegible] | [illegible] |

## [illegible] injection alumineuse fuliginée

مطبوخ قوی ... و ... آب ...

[illegible]

عصارهٔ دوده extrait de suie

[illegible]

قطور دوده callyre de suie

[illegible]

تنتور دوده teinture de suie

[illegible]

تنتور دوده teinture de suie

[illegible]

مرهم دوده pommade de suie

[illegible]

روغن دوده huile de suie

[illegible]

زغال charbon





[illegible]



[illegible]

گرد دندان زغال poudre dentifrice au charbon

[illegible]

قرص زغال tablettes de charbon

[illegible]

تنه دیگر tablettes de charbon

[illegible]

distillation sèche de la corne de cerf

تقطیر خشک شاخ گوزن

[illegible]



[illegible]

ملح فرار شاخ گوزن sel volatile de corne de cerf

[illegible]

روح فرار شاخ گوزن esprit volatil de corne de cerf

[illegible]

[illegible]

کد جه ترکیب — روغن تبلور کرده ۳ — الکوهل ۱

[illegible]

## کاه ربا succin

(syn. ambre jaune karabé)

کاه ربا [illegible]

[illegible]

## تقطیر کاه ربا — Distillation sèche de succin

کاه ربا [illegible]

[illegible]



[illegible]

کاه ربا ترکیب — مقدار استعمال — [illegible]

[illegible]



[illegible]

ترکیبات [illegible]

succinate d'ammoniaque impure

(syn. liqueur de corne de cerf succinée)

[illegible] — مقدار استعمال — [illegible] — مقدار استعمال

[illegible]

## آبهای معدنی مصنوعی — Eau minérales artificielles

آبهای معدنی [illegible]

[illegible]



[illegible]

و بسیاری از آنها در حال خود محفوظ می‌مانند اگر در وقت [illegible] ظلمت کشند [illegible]

این چشمه‌ها [illegible] در جمیع آن چشمه‌ها [illegible]

[illegible]

[illegible]

تجربه [illegible] تحقیق [illegible]

هر چشمه‌ها [illegible] تحقیق [illegible] حرارت [illegible]

[illegible]





[illegible]



[illegible]



[illegible]

آثار بخاریه [illegible]

prya aratian de eaux eg eu [illegible]

[illegible]





[illegible]



[illegible]





[illegible]

برابر با تغییر بخار در آن است [illegible] بود که در تحقیق این حالات [illegible]

در بعض بخارات قبل از ترتیب [illegible] و احوالات که نحو هوا و بعد از آنکه بخار [illegible]

[illegible] طرف خوف [illegible] و مساوی [illegible] اطراف [illegible]

سطح باشد [illegible] در این فشار [illegible] هر ساعتی [illegible]

مثال است [illegible] مثلاً تغییر زیبق [illegible] در بخار ارتفاع ستون زیبق میزان الهوا [illegible]

معمول است [illegible] در بخارات فشار معادل [illegible] مساوی فشار [illegible]

پس اگر گرم بخاری [illegible] فشار [illegible] طرف [illegible]

فشار [illegible] در حالت [illegible] اطراف خارج [illegible] اگر در ظرف بخاری باشد

فشار آن معادل [illegible] فشار [illegible] اطراف ظرف [illegible]

ضعف [illegible] فشار [illegible] اطراف [illegible]

دارد [illegible] فرض کنیم [illegible]

| حجم بخار | فشار | جو |
|---|---|---|
| ۱ | ۷۶ | ۱ |
| ۲ | ۱۵۶ | ۲ |
| ۳ | ۲۲۸ | ۳ |



| حجم بخار | فشار | جو |
|---|---|---|
| ۴ | ۳۰۴ | ۴ |
| ۵ | ۳۸۰ | ۵ |
| ۶ | ۴۵۶ | ۶ |
| ۷ | ۵۳۲ | ۷ |
| ۸ | ۶۰۸ | ۸ |
| ۹ | ۶۸۴ | ۹ |
| ۱۰ | ۷۶۰ | ۱۰ |

پس در صورتیکه حجم بخار در ظرف [illegible] باشد [illegible] فشار [illegible] اطراف آن ظرف [illegible]

اگر فشار [illegible] باشد [illegible] حجم میزان [illegible] قاعده [illegible] فشار

[illegible] manomètre میزان الضغط [illegible]

[illegible] طبیعی [illegible] قاعده [illegible] فشار [illegible]

[illegible] فشار [illegible]

[illegible] فشار هوای [illegible] خارج [illegible] فشار [illegible]

[illegible] هوای [illegible]

[illegible] فشار [illegible] خارج [illegible] فشار [illegible]

[illegible] فشار [illegible] در آن [illegible]

[illegible] فشار خارج [illegible]

هوای [illegible] فشار [illegible] خارج [illegible] حجم آن [illegible] فشار [illegible]



[illegible] فشار خارج ضعف [illegible] هوای [illegible]

ضعف [illegible] فشار [illegible]

[illegible] هوای [illegible] فرض کنیم [illegible] فشار [illegible]

[illegible] فشار [illegible]

| فشار | حجم | فشار | حجم |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۰۰ | ۷ | ۱۴/۳ |
| ۲ | ۵۰ | ۸ | ۱۲/۵ |
| ۳ | ۳۳ | ۹ | ۱۱ |
| ۴ | ۲۵ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۵ | ۲۰ | ۱۱ | ۹ |
| ۶ | ۱۶/۵ | ۱۲ | ۸/۲۵ |

[illegible] میزان الضغط [illegible]

[illegible] فشار [illegible]

[illegible] حجم هوای [illegible] فشار

[illegible] میزان الضغط [illegible]

[illegible] فشار [illegible]

[illegible]

میزان الضغط [illegible]

[illegible]



[illegible] هوای خارج [illegible]

[illegible] ظرف [illegible] زیبق [illegible]

[illegible] حجم هوای [illegible]

[illegible] فشار [illegible]

فشار [illegible] میزان الضغط [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میزان الضغط [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]



[illegible]

préparation et formules des eaux minérales

طرز ساختن [illegible] آبهای معدنی

[illegible]

آبهای شور غیر [illegible] — eaux salées

آب دریا — eaux de mer

[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۲۸,۰۰ | سولفات [illegible] | ۲,۳۴ | کلرور [illegible] | ۲,۵۵ |
| آب | ۱۰۰ | کلرور [illegible] | ۱۵,۳۲ | | |

[illegible]

شباهت با آب دریا دارد و هوای طبع آن مخالف است با آب دریا [illegible] معلوم است به نظر ما و در جزء آب [illegible]

دریا دارد و در این آب دریای [illegible] در اطباع [illegible] در [illegible] دریای [illegible] و [illegible] کربنات [illegible]

و کربنات [illegible] حالت [illegible] در [illegible] آب دریا [illegible] در این آب [illegible]

[illegible] در آب دریا [illegible] در این آب [illegible] نمک طعام [illegible]

[illegible] اگر نمک [illegible] استعمال کنند [illegible] کرده [illegible]

[illegible] در [illegible] و [illegible] کبد [illegible]

و در [illegible] حفظ کنند [illegible] آب دریا [illegible] تجربه [illegible]

و [illegible] در آب [illegible] در [illegible] الحمد لله [illegible]

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| نمک طعام | ۸۳۰۰ | سولفات دو سود | ۳۷۰۲ | کلرور دو [illegible] | ۷۲۵ | کلرور دو منیزیم | ۳۱۱۱ |

و [illegible] در [illegible] و [illegible] در [illegible] و آن [illegible] از این اجزاء

سولفات دو [illegible] ۵۲۵ کلرور دو [illegible] ۱۳۰ کلرور دو منیزیم ۱۰۲۷ کلرور دو [illegible]

[illegible] از آب [illegible] حرارت [illegible] از آن [illegible]

[illegible] در [illegible] کنند و در [illegible] ۲۸۰۰ [illegible]

[illegible]

آب [illegible]

[illegible]



این [illegible] در [illegible] خارج [illegible] آن [illegible] است

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| بی‌کربنات دو سود | ۸٫۰۱۸ | [illegible] | ۰٫۰۰۸ | بی‌کربنات دو [illegible] | ۰٫۱۸۸ |
| اسید کربنیک | ۰٫۵۲۹ | بی‌کربنات دو فر | ۰٫۰۰۷ | آب | ۱۰۰۰ |
| سولفات دو سود | ۰٫۰۱۶ | سیلیس | ۰٫۰۵۶ | نمک طعام | ۰٫۰۱۶ |

[illegible] در [illegible] ۳۰ [illegible]

۵٫۱۰ بی‌کربنات دو سود ۰٫۵ [illegible] ۸٫۲ و این آب [illegible]

[illegible] آن [illegible] آب [illegible] کرده [illegible]

[illegible] در [illegible] آن [illegible]

[illegible] آب [illegible] بی‌کربنات دو سود [illegible] نمک طعام [illegible]

[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| بی‌کربنات دو سود | ۳٫۱۰ گرام | [illegible] | ۰٫۰۱۱ گرام | کلرور دو منیزیم | ۰٫۰۲۸ گرام |
| آب خالص | ۱ لیتر | سولفات دو سود | ۰٫۰۱۶ گرام | | |

و بی‌کربنات [illegible] و سولفات [illegible] آب [illegible]

[illegible] استعمال کنند [illegible]

آب [illegible] [illegible] آب [illegible]



| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| نمک طعام | ۳٫۸۰۲ | سولفات دو [illegible] | ۰٫۰۵۳ | کلرور دو منیزیم | ۱٫۰۷۴ |
| کربنات دو [illegible] | ۰٫۲۷۰ | [illegible] | ۰٫۸۰۲ | کربنات دو فر | ۰٫۰۳۰ |
| سیلیکات دو [illegible] | ۰٫۰۱۳ | برومور دو [illegible] | ۰٫۰۳۲ | یودور دو [illegible] | ۰٫۰۰۳ |

و [illegible] این آب [illegible] آن [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible] این آب [illegible] کربنات [illegible] نمک طعام [illegible]

و نمک [illegible] کربنات [illegible] نمک طعام [illegible] کلرور دو منیزیم [illegible]

| | در [illegible] لیتر | در [illegible] |
|---|---|---|
| نمک [illegible] | ۵٫۱۷ | ۰٫۴۱۸ |
| نمک طعام | ۵٫۷۵۶ | ۳٫۶۰۰ |
| کلرور دو منیزیم | ۲٫۴۱۲ | ۱٫۵۱۲ |
| کلرور دو کلسیم | ۱٫۸۸۲ | ۱٫۱۷۵ |
| سولفات دو [illegible] | ۰٫۰۵۳ | ۱٫۱۷۵ |
| سولفات دو [illegible] | ۱٫۹۰۰ | ۰٫۰۳۳ |
| برومور دو [illegible] | ۰٫۰۴۰ | ۰٫۰۲۵ |

در [illegible] کلرور دو [illegible] کلرور دو منیزیم [illegible]

[illegible]



اسید کربنیک [illegible] استعمال کنند [illegible]

اسید کربنیک [illegible]

[illegible]

[illegible] اسید کربنیک [illegible]

[illegible] اسید کربنیک [illegible]

آب [illegible] Eau gazeuse simple

[illegible] اسید کربنیک [illegible]

[illegible] استعمال [illegible]

آب [illegible] eau de seltz [illegible]

آب [illegible] eau alcaline gazeuse

| | | |
|---|---|---|
| بی‌کربنات دو [illegible] | ۴ گرام در یک لیتر | ۰٫۴ [illegible] |
| آب [illegible] | لیتر | ۶۲۵ گرام |

[illegible] بی‌کربنات [illegible]

[illegible]

[illegible]

شربت [illegible] است [illegible] ساعت [illegible] ۱۰ [illegible]
[illegible] آب مجز [illegible] مثقال [illegible]
[illegible] ۱۰ مثقال [illegible] شربت [illegible] ۵۰ گرام
آب مجز [illegible]

آب سدلیتز eau de sedlitz

( syn. eau saline purgative )

[illegible] استعمال [illegible] آب طبیعی [illegible] سلفات منیزی [illegible]
[illegible] اسید کربنیک [illegible]
[illegible] ۸ ، ۱۶ ، ۲۴ ، ۳۲ گرام [illegible] است

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| سلفات منیزی متبلوره | ۳۰ گرام | بیکربنات دوسود | ۴ گرام | آب خالص | ۶۲۵ گرام |
| اسید کربنیک | | | ۴ حجم | | |

[illegible] سلفات منیزی [illegible] اسید کربنیک [illegible]
[illegible] گرام سلفات منیزی [illegible]
[illegible] اسید کربنیک [illegible]

[illegible] ۵



۵۰ [illegible] سلفات [illegible]

[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| جوهر لیمو | ۲ گرام | بیکربنات | ۲ گرام | [illegible] | ۹۶ گرام |

[illegible]
[illegible]
[illegible]

آب سود کربناته eau de soude carbonatee

( syn.. soda-water )

| | | |
|---|---|---|
| بیکربنات دوسود | ۰/۸ گرام | آب مجز | ۱ لیتر |

[illegible]

| | | | |
|---|---|---|---|
| جوهر لیمو | ۶ گرام | بیکربنات | ۲ گرام |

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



آبهای [illegible] با املاح غیر محلول [illegible]

آب معدنی [illegible]

[illegible] ۲۵ گرام [illegible] اسید کربنیک ۳ لیتر [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اسید کربنیک [illegible]
[illegible]

آبهای [illegible] املاح غیر محلول [illegible]

[illegible] ۱ [illegible]

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۰/۰۵۵ گرام | کربنات [illegible] | ۰/۷۸۹ | کلرور [illegible] | ۰/۰۵۱ | آب | ۱۰۰۰ |
| کلرور [illegible] | ۰/۰۵۸۱ | | | | | | |

[illegible]
[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۰/۰۵۵ | [illegible] | ۰/۰۳۵ | [illegible] | ۰/۰۴۲ ۳/۵ |

[illegible]



| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| کلرور [illegible] | ۳/۲۵۰ | ۲/۲ سلفات [illegible] | ۱/۸۵۶ | ۱/۲ | ۵۰۰ |
| بیکربنات [illegible] | ۰/۸۱۹ | ۰/۵۴ آب | ۱ لیتر | | ۶۲۵ |
| اسید کربنیک | ۵ حجم | ۳ حجم | | | |

آب [illegible] [illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| سلفات [illegible] | ۰/۸۸۵ | کربنات [illegible] | ۰/۰۰۰۱ | کربنات [illegible] | ۲/۲۳۸ |
| کلرور [illegible] | ۰/۰۰۳ | [illegible] | ۱/۰۴۳ | [illegible] | ۰/۰۰۰۲ |
| کربنات [illegible] | ۰/۰۳۰۹ | [illegible] | ۰/۰۰۰۳ | کربنات [illegible] | ۰/۱۷۸ |
| سیلیس | ۰/۰۷۵ | کربنات [illegible] | ۰/۰۰۶ | آب | ۱۰۰۰ |
| کربنات [illegible] | [illegible] | | | | |

[illegible]

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| سلفات [illegible] | ۰/۲۱۳ | ۳/۵ | سلفات [illegible] | ۰/۰۱۶ | ۰/۰۳۴ |
| [illegible] | ۳/۸۱۰ | ۲/۳۸ | [illegible] | ۰/۳۸۴ | ۰/۰۰۵۰ |
| کلرور [illegible] | ۰/۰۶۷۳ | ۰/۰۰۵۰ | [illegible] | ۰/۰۱۳ | ۰/۰۰۰۳ |

آب [illegible]

[illegible]

۵۰۱ اسید کربنیک ۲/۷۴۰ [illegible] علامتی بی‌کربنات دو سود ۱/۵۵۱

سولفات دو سود ۱/۱۵۰ بی‌کربنات دو [illegible] ۰/۹۹۹ سولفات دو [illegible] ۰/۰۴۰

بی‌کربنات دو منیزی ۰/۲۰۹ سیلیس [illegible] ۰/۰۵۵ بی‌کربنات دو [illegible] علامتی

مادهٔ آلی [illegible] علامتی بی‌کربنات دو [illegible] ۰/۰۳۰ [illegible] علامتی

نمک طعام ۲/۰۴۰ آب ۹۹۳/۱۹۰ کلرور دو پتاسیم ۱/۰۰۱

[illegible] آب [illegible] ثابت [illegible] که آب [illegible] در [illegible] آن [illegible]

و بهترین [illegible] نسخه [illegible] است [illegible] از حیث [illegible] عنوان [illegible] ندارد [illegible]

کلرور دو [illegible] ۰/۰۵ [illegible] ۰/۲۳ کلرور دو [illegible] ۰/۱ ۰/۲۷

[illegible] ۰/۹ ۰/۶ نمک طعام ۰/۱۶ ۱/۱

سولفات [illegible] ۰/۱۵۸ ۱/۵۵ [illegible] ۰/۱ ۰/۰۵

اسید کربنیک [illegible] ۲۲۵

و [illegible] در [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] اسید کربنیک [illegible] است [illegible]

[illegible] است

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] را در [illegible] و [illegible] را در [illegible] [illegible]

[illegible]

۵۰۲ [illegible] از آب [illegible] و [illegible]

آب [illegible] [illegible] است

کربنات دو [illegible] ۱۳/۵۹۲ کربنات دو [illegible] ۰/۰۰۴ کربنات دو [illegible] ۰/۲۵۹

سولفات دو [illegible] ۱/۰۶۱ کربنات دو [illegible] ۰/۰۸۵ نمک طعام ۰/۵۸۰

آب ۱۰۰۰

علاوه بر [illegible] در آب [illegible] ماده [illegible] موجود [illegible] از آن [illegible]

[illegible] در [illegible] از [illegible] است

کربنات دو [illegible] ۱۴/۸۸۲ [illegible] نمک طعام ۰/۱۶۲ ۰/۱

کلرور دو [illegible] ۰/۲۲۵ ۰/۵ سولفات دو [illegible] ۰/۲۴۰ ۰/۵

سولفات دو [illegible] ۰/۲۳۶ ۰/۶ [illegible] ۰/۰۰۹ ۰/۰۰۶

آب [illegible] ۲۲۵ اسید کربنیک [illegible] [illegible]

آبهای [illegible]

[illegible] آبهای [illegible] که [illegible] در آن [illegible] در [illegible]

در [illegible] آبها [illegible] و [illegible] از [illegible] که [illegible] در [illegible]

در [illegible] آبهای [illegible] [illegible] [illegible]

۵۰۳ و آبهای [illegible] در [illegible] آبها [illegible] در [illegible] که [illegible]

[illegible] آن [illegible] که [illegible] علاوه بر [illegible] که در [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] از [illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] با [illegible] در آن [illegible] از [illegible] که [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]

آب [illegible]

زاج سبز ۱/۲ [illegible] آب [illegible] ۳۲۵

[illegible] که در [illegible] و [illegible] است که آب [illegible]

[illegible] در [illegible] آبها را در آب [illegible]

در [illegible] را [illegible] در [illegible] که [illegible] آبها [illegible]

آب [illegible]

[illegible] [illegible] آب [illegible] اسید کربنیک [illegible]

آبهای [illegible]

این آبها دارای [illegible] [illegible] که [illegible] آب [illegible] دارای [illegible]

[illegible] در [illegible] که [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] ۵۰۴

[illegible] از [illegible] [illegible] آبها [illegible]

زراعت درینه وزرزوا خاص گرم و [illegible] جهت کچه آل نشو ویری بمهار ده درینه کلمدان دجلک ربیاویرار

کاشته زرعیت برکینه وقصیه خلیانیه

| آزوتات ده‌امانیاک | فوسفات ده‌باتیر | فوسفات ده‌امانیاک | کوتیه‌رات ده‌امانیاک |
| --- | --- | --- | --- |
| ١٠٠ غرام | ٥٢٠ غرام | ١٠٠ غرام | ٦٠ غرام |
| سولفات ده‌ثو | سولفات ده‌فر | | |
| ٦٠ غرام | ٤٠ غرام | | |

اجزاء ورا درست کوبیده وبتقدر چهار غرام دریک لیتره آب حل کرده هفته بیربه خاک کلمدانها

باعین محلول آبیاری باشیه وبو مخلوط زرعک کلمدانی دجلکی نواده وازاین بمقدار زیاد نمود له ازدازه

باپلی هیت دبیخ غرام وصد ونجاه غرام تجاوز دخل نباشد

---

دوقه‌نیخ و[illegible] وعجیب

کومانش نونیک باشد نشنو دبلدیع ساده اثانی خواهد داد

بکلمه زرآتی ده رکوده ومحفر بردی نشنو زشته دادن خواهد داد

بعطور ایج لحدراباییه درست نمی

یک‌مینو کاعه کوفته بازوه ده نشنو زشته درست باشد

نیز درخفته صورت یکشنه ده بردی رک بال به بالویته ده قوبالت

دوبرآمده رک وچین درست باشد ودرمنخو منح ده هوا دب درت خوابیده

باتات ده قوبالت [illegible] باشد

الکواخ محفررا دوه‌آتشی کی نوده ودرحال رکها بیرا الی وچین زندوم

دهیدادودربا بازنک آچی روزنا دنشنو زشته بیدل الصورت ساده زنمی

اکرزرآتی ده رنوده دمفحه بال ازرگتی که‌نشت برایج ها زال محوکشته

باز نشنوه قوت اکر زشته نبرابیرای نمی

---

زرآب علاجه‌ی باثقلین

اثبات طوری عملیات یا زوال حاجت بیست تا عمل است ودیم آب زشتی

کوفته نی لورد یک شیشه بکریه ده نیش یک وبالانی کلاه یاک

بآب رکرده دمیان دست محفر فولسور وجیه یاچه کلمات ده بایش ازاچه

دبالوه جمع یاک دنینقه آب فرد رد جاجاها نا کسی بر به هوه ایچه لونفورد زرنه

درحال ازآب برآر زنده ابره ده لغورد جرآتی ترآوده فشنه بیرای کو

برودتر سرداه ٰبهوا

اصول الاکردن سرده ٰبهوا در فصل کار ما

معجون

| | |
|---|---|
| کافور | نصف مثقال (۱۰ گندم) |
| کو غذات در باری | ۱۰ گندم |
| نشادر | ۱۰ گندم |

ادویه را در یک قابی فوراً گذاشته برده

بدون همه یک شیشه دهنه کد ووراز صاف ... کالیه

در شیشه را با موم محکم کرده و در طرف شمال

بدیوار بیاویزند

گلنار تلخ صاف ... دیراق بار ... دیده است ...

... خوش ... گل با کدورت ... دلیل باران ...

اگر کدر و با حالت ... دلیل ... ملال ...

اگر چه بهار ... زردی ... دلیل است ...

... باریده ... تغیر تحفظ ... کی ...

... خلق ...

... هیچ ... اهوا ...

... دارد ...

| | | | |
|---|---|---|---|
| بیه گاو | ۱۲ مثقال | گلند ... | ۳ |
| مغز قلم گاو | ۱۲ مثقال | ... کور | ۲ |
| روغن زیتون | ۱۲ مثقال | سوخز | ۱ |
| موم سفید | ۳ مثقال | ... | ۶ |
| کافور | ۸ نخود | ... | ۱۶ |

روغنها را در روی آتش ... به ...

به ... ... جوشیده ...

... کافور را

... مخلوط دوا نموده

... شده ...

... روز ...

... نموده ... نموده

ادویه را ... مخلوط ... بدست ...

... [illegible]

[illegible]